

نگاهی به توصیه‌های راهبردی امام خامنه‌ای و انعکاس آن در رسانه‌های جهان

باید قوی شویم

۲ نگاه

■ در یک کلمه عرض می‌کنم، ملت عزیز ایران باید همت‌شان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم، قوی بشویم.

■ ما بحمدالله دارای قدرتییم و به توفیق الهی قوی‌تر هم خواهیم شد. البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانه همه اینها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است.

۲ سرمقاله

نقشه راه قوی شدن

۱۵ پاسدار

گزارشی از امداد رسانی سپاه و بسیج به مناطق سیل‌زده جنوب شرق کشور

جان‌نشان مردم در نبرد با سیلاب

۱۳ فرهنگ

محسن اسلام‌زاده در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

مستند سلاح‌ها در مقابل دشمن است

سرمقاله

نقشه راه قوی شدن

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

قوی شدن در برابر دشمن، مهم‌ترین توصیه راهبردی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به ملت ایران، در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه ۲۷ دی ماه بود. منطق این قوی شدن در آموزه‌های دینی و قرآنی ما به درستی بیان شده است. تنها موعظه و توصیه خداوند، قیام در راه خداست. «قل انما اعطکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی...». ملت ایران با لیبک به دعوت حضرت امام خمینی (ره) که در راه خدا قیام کرده بود، انقلاب اسلامی را پدید آورد و به پیروزی رساند. جمهوری اسلامی، اولین ثمره این انقلاب الهی و دینی بود. از همان ابتدای پیروزی انقلاب و پدیدآیی جمهوری اسلامی، تمامی دشمنان خدا و خلق خدا، کمر به نابودی انقلاب و نظام ولایی برخاسته از آن بستند. امر الهی در این وضعیت، قدرتمند شدن در برابر دشمن است: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و...» ایستادگی چهل ساله ملت ایران، دلیلی جز عمل به همین امر الهی با هدایت‌های امام و رهبری ندارد؛ اما نظربه اینکه قوی شدن یک امر نسبی و دارای مراتب است، باید روز به روز بر این قوی شدن و قدرتمند شدن افزود. در پی اقدام تروریستی آمریکایی‌ها و به شهادت رساندن سردار سلیمانی، ملت ایران در پرتو عنایات الهی، با یک سیلی موشکی و موشک‌باران پایگاه راهبردی عین‌الاسد، بر حیثیت آمریکا به عنوان طاغوت زمان و دشمن اسلام، مسلمین و بشریت ضربه وارد کرد. بسا این ضربه هیمنه آمریکا فرو ریخت و یوم‌الله دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی پدید آمد. آمریکایی‌ها با این شکست راهبردی، به راحتی از صحنه خارج نمی‌شوند و در جست‌وجوی راه‌های ضربه زدن به ملت ایران خواهند بود. در چنین شرایطی، تنها راه پیش روی ملت ما قوی شدن در برابر دشمن است. اکنون پرسش اصلی آن است که در وضعیت کنونی راه‌های قوی شدن ایران کدام است؟

به اختصار می‌توان گفت، بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب، نقشه راه قوی شدن ایران است. در این بیانیه، هر آنچه برای قوی شدن لازم است، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. طبق بیانیه، نسل جوان کشور با شناختی درست از اصل انقلاب اسلامی، راه طی شده چهل ساله، رسالت و چشم‌انداز انقلاب اسلامی که همانا تمدن‌سازی اسلامی است، باید گام دوم را برای شتاب‌بخشی به حرکت رو به جلو به سمت قله‌های آرمانی بردارد. علت اصلی دشمنی جبهه استکبار با ملت ایران هم، همین عزم و اراده ایرانیان برای یک پیشرفت واقعی است. همه ظرفیت‌های لازم برای پیشرفت و قوی شدن در کشور وجود دارد؛ اما در این میان در کنار این ظرفیت‌ها و اراده‌ها، چند مانع مهم نیز وجود دارد. غرب، غرب‌گراها و عناصر فرصت‌طلب و انقلابی‌نما، از جمله مهم‌ترین موانع سر راه پیشرفت کشور هستند. جوانان برای شتاب‌بخشی به حرکت انقلابی کشور و امیدآفرینی میان احاد جامعه باید محاصره تبلیغاتی دشمن و عوامل آن را بشکنند. یکی از آثار و پیامدهای خون شهید سلیمانی، شکسته شدن این محاصره تبلیغاتی و بیدارتر شدن مردم بود. بنابراین شرایط برای پیشرفت و قوی‌تر شدن بهتر از قبل فراهم شده است.

حدود هشت سال از آخرین خطبه‌های رهبر معظم انقلاب به عنوان خطیب جمعه تهران می‌گذشت. تریبون نماز جمعه اما دل‌تنگ خطبه‌های آتشین خطیب بزرگ جهان اسلام، امام خامنه‌ای بود. اواسط هفته گذشته بود که خبر آمد خبری در راه است... اتفاقات استثنائی دو هفته گذشته می‌طلبید که رهبر حکیم انقلاب با مردم سخن بگویند. صحبت‌های امام چند محور مهم و اساسی داشت.

ضربه به وجهه آمریکا

اولین و مهم‌ترین آن به شهادت سردار شهید سلیمانی و تشییع با شکوهی مربوط بود که مردم ایران و عراق رقم زدند. معظم‌له با اشاره به ترور ناجوانمردانه حاج قاسم سلیمانی گفتند: «خود این شهادت بزرگ هم خود... یکی از آیات قدرت الهی است؛ رسوایی دولت آمریکا، دولت بی‌آبروی آمریکا، رسوایی این دولت را رقم زد؛ اینجا کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم بود شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه، قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم در این منطقه است، به همین عنوان هم شناخته شده است» ترور کردند.»

دلقک‌های آمریکایی

رهبر معظم انقلاب در واکنش به توثیت ترامپ که نوشته بود: «من از ابتدای دوره ریاست‌جمهوری‌ام

با شما ایستاده‌ام و دولت من همچنان با شما خواهد ایستاد.» خاطر نشان کردند: «این دلقک‌های آمریکایی که به دروغ و با کمال رذالت می‌گویند که ما در کنار مردم ایرانیم، ببینند مردم ایران چه کسانی هستند. آن چند صد نفری که به عکس سردار شهید با افتخار ما اهانت می‌کنند، آنها مردم ایرانند یا این جمعیت میلیونی عظیمی که در خیابان‌ها نشان می‌دهند خودشان را؟ سخنگویان دولت شریر آمریکا مدام تکرار می‌کنند که ما در کنار مردم ایرانیم. دروغ می‌گویند! اگر در کنار مردم ایران هم باشید برای این است که خنجر زهرآلود خود را به سینه مردم ایران فرو کنید.»

رزمندگان بدون مرز

خبرگزاری روسی «اسپوتنیک»، با اشاره به بیانات رهبر انقلاب درباره نیروی قدس سپاه، تیر «رزمندگان بدون مرز» را برای این نیرو انتخاب کرد و نوشت: «[آیت‌الله] خامنه‌ای گفتند: نیروی قدس باید به عنوان یک سازمان انسانی شناخته شود. [آنها] رزمندگان بدون مرز [هستند].» خبرگزاری «سی‌ان‌ان» گزارش خود از سخنان رهبر انقلاب را با تیتیری به نقل از ایشان آغاز کرد که حمله موشکی ایران به مواضع آمریکا در عراق را «سیلی به صورت» این کشور تعبیر کرده بودند.

نگاهی به توصیه‌های راهبردی امام خامنه‌ای و انعکاس آن در رسانه‌های جهان

باید قوی شویم

جنتلمن‌های تروریست!

رهبر فرزانه انقلاب در بخش دیگری از صحبت‌های‌شان به موضوع مذاکره مجدد با آمریکا و کشورهای اروپایی اشاره کردند و جنتلمن‌های پشت میز مذاکره را همان تروریست‌های فرودگاه بغداد دانستند؛ در همین رابطه تارنمای شبکه ای‌بی‌سی نیز آمریکا نیز نوشت: «با این وجود که تهران هنوز واشنگتن را مقصر خروج از توافق هسته‌ای در ماه مه ۲۰۱۸ می‌داند و دولت هرگونه احتمال دور جدیدی از مذاکرات را رد کرده است، مگر اینکه همه تحریم‌های مربوط به هسته‌ای علیه این کشور برداشته شود، [آیت‌الله]خامنه‌ای گفت: مذاکره دشمن با تقلب و فریب آلوده شده است. جنتلمن‌های پشت میز مذاکره همان تروریست‌های موجود در فرودگاه بغداد هستند. این همان دست آهنی است، اما در یک دستکش مخمل ی قرار گرفته است.»

قوی‌تر خواهیم شد

بخش پایانی سخنان رهبر معظم انقلاب با این جملات آغاز شد: «خب حالا که ملت ایران این حادثه را شناخت، قدر و قیمت آن را دانست؛ حالا باید چه کار کنیم؟ من در یک کلمه عرض می‌کنم، ملت عزیز ایران باید همت‌شان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است

از قوی شدن. باید تلاش کنیم، قوی بشویم.» واشنگتن پست هم در گزارش نسبتاً گاملی که از خطبه‌های نماز جمعه تهران روی خروجی خود قرار داد، به نقل از رهبر معظم انقلاب نوشت: «خدا را شکر که ما نیرومند هستیم و قوی‌تر خواهیم شد. مردم ایران باید متحد، مقاومت‌کنند و سخت تلاش کنند. سپس، ایرانیان به کشوری تبدیل خواهند شد که دشمنان حتی نمی‌توانند ما را تهدید کنند.» در ادامه این گزارش آمده است: «او تنها راه پیش پای مردم ایران را «تلاش برای قوی شدن» دانست و گفت «ما از مذاکره هم ابایی نداریم، اما نه با آمریکا و نه از موضع ضعف.»»

تقریباً هیچ رسانه‌ای در جهان وجود ندارد که صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه را بررسی نکرده باشد. از رسانه‌های منطقه خودمان، چون «آنتاوتلی» ترکیه و روزنامه انگلیسی زبان «داون» پاکستان گرفته تا تمام رسانه‌های اروپا و کشورهای عربی و آمریکایی، همه سخنان رهبر معظم انقلاب را بازنشر کردند.

«تایمز اسرائیل» هم یکی از رسانه‌هایی بود که خطبه‌های رهبر انقلاب را به صورت گزیده منتشر کرد. در این گزارش حتی به موقعیت نشستن مقامات ایرانی در صفوف نماز جمعه هم اشاره شده است.

نیم نگاه

ماشه چکانده می‌شود؟

نگاهی به ابعاد و زوایای سیاست تروئیکای اروپا درباره برجام

نظری وجود ندارد. در این میان، کشور انگلیس به عنوان اصلی‌ترین متحد آمریکا کاملاً تحت فرمان ترامپ عمل می‌کند و از ارجاع دوباره پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابایی ندارد. کاخ سفید از تروئیکای اروپایی خواسته است ضمن فعال‌سازی مکانیسم ماشه و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، از برجام خارج شوند و مرگ رسمی و کامل توافق هسته‌ای را اعلام کنند. از سوی دیگر، کاخ سفید از اتحادیه اروپا خواسته است به هر شکل ممکن، تهران را به عقب‌نشینی از استراتژی «مقاومت فعال» وادار کند. کاهش تعهدات برجامی جمهوری اسلامی ایران در قالب استراتژی «مقاومت فعال» صورت گرفته است. در این میان، سناریوی دیگری نیز محتمل است؛ اینکه علاوه بر تحریم‌های اعمال شده آمریکا، تحریم‌های اروپا نیز در آینده‌ای نزدیک (جهت اعمال فشار حداکثری بر ایران) باز گردد. در این سناریو، پرونده به شورای امنیت ارجاع داده نمی‌شود، اما تحریم‌های یک‌جانبه اروپا باز می‌گردد.

نکته چهارم اینکه با توجه به تحریم‌های اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه ایران بازگشت

و سایر بازیگران دخیل در برجام، اقدام جمهوری اسلامی ایران در کاهش تعهدات برجامی خود، واکنشی در برابر «نقض توافق از سوی آمریکا» بوده است.

نکته دوم اینکه میان تروئیکای اروپایی و ایالات متحده آمریکا بر سر برجام، نوعی معامله آشکار شکل گرفته است. واشنگتن پست به نقل از منابع آگاه در اتحادیه اروپا گزارش داده است دولت ترامپ هفته گذشته به صورت محرمانه مقامات سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس را به وضع تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر خودروهای اروپایی تهدید کرده و آنها را برای فعال‌سازی مکانسیم حل اختلاف در برجام تحت فشار گذاشته است. منابع اروپایی به واشنگتن پست اعلام کرده‌اند دولت آمریکا این تهدید را نه از طریق سفارت‌خانه‌های خود، بلکه به‌طور مستقیم به دولت‌های آلمان، فرانسه و انگلیس اطلاع داده است. کلیت این مسئله نشان‌دهنده رویکرد سیاسی و غیر حقوقی تروئیکای اروپایی نسبت به توافق هسته‌ای با ایران است.

نکته سوم و مهم دیگر اینکه میان بازیگران اروپایی بر سر نحوه استناد به مکانیسم ماشه اتفاق

حنیف غفاری

کارشناس روابط بین‌الملل

سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه اخیراً با انتشار بیانیه‌ای رسمی، از فعال‌سازی مکانیسم حل اختلافات میان اعضای برجام، موسوم به «مکانیسم ماشه» خبر داده‌اند. استناد تروئیکای اروپایی به مکانیسم ماشه، مولد مباحث و منازعات تازه‌ای در حوزه برجام و سیاست خارجی کشورمان بوده است. در این زمینه، به لحاظ فنی، حقوقی و اقتصادی نکاتی وجود دارد که لازم است به آنها توجه و استناد شود: نخست اینکه استناد اروپا به مکانیسم ماشه با متن صریح توافق هسته‌ای در تعارض و تضاد است. اگرچه مکانیسم ماشه در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام گنجانده شده است، اما استناد به این بندها، ملزومات و مقدماتی دارد. مطابق متن برجام، این مکانیسم برای پیشگیری از نقض توافق هسته‌ای توسط ایران طراحی شده است. این در حالی است که بنابر اذعان مقامات اروپایی

تحریم‌های چندجانبه، دیگر تفاوت چندانی با «وضعیت موجود» ندارد. اگر چه تحریم‌هایی که امروز با آن مواجه هستیم، از نوع تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکاست، اما عملاً اکثر آثار و تبعات تحریم‌های چندجانبه‌شورای امنیت را دارد. نباید فراموش کرد هدف مشترک کاخ سفید و دولت ترامپ در برهه فعلی، انعقاد یک توافق همه‌جانبه بسیار محدودکننده علیه ایران است؛ توافقی که به قول مقامات کاخ سفید، دربرگیرنده همه موضوعات هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای باشد و قدرت مانور کشورمان در غرب آسیا و نظام بین‌الملل را به شدت محدود کند. در این زمینه دستگاه دیپلماسی ما باید در مواضع خود تأکید کند نه تنها امکان انعقاد توافقی جدید با آمریکا و اروپا وجود ندارد، بلکه مسئولیت و پیامدهای هرگونه اقدام تروئیکای اروپایی در همراهی استراتژیک و تاکتیکی با ایالات‌متحده، مترادف با اعلان جنگ اقتصادی، امنیتی و سیاسی مشترک اروپا-آمریکا علیه ایران است. بدون شک، پیامدهای این جنگ نیز متوجه بازیگران اروپایی (در کنار آمریکا) خواهد بود.

آنچه رهبری درباره حاج قاسم نگفت!

عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم‌ترین محور محاسبه این است.

حرف آقا حجت شرعی است

«حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از اولیای الهی است و نزدیک‌ترین صفات را به انمه اظهار دارند و ما تابع تشخیص ایشان هستیم؛ چون عاقبت به خیری در این است. حرف حضرت آقا بر من حجت شرعی دارد و همین که ایشان از ما راضی‌اند و سر ما را می‌بوسند به همه عالم می‌ارزد.»

شاید به دست همین رابطه قلبی ایشان با رهبر معظم انقلاب و نائب امام زمان(ع) بود که معظم‌له در جریان قرائت نماز میت بر پیکر شهید سلیمانی از سر ارادت قلبی آن عبارت‌های پر مغز را بر زبان جاری فرمودند و از عمق وجود بر سر پیکر مطهر او گریستند. آری این است راز رابطه خالصانه مرید و مولا.

کجا، آنجا کجا؟ بین ارض و سما فاصله داریم. در حکمت این مرد، در اخلاق این مرد، در دین این مرد، در سیاست‌شناسی این مرد، در اداره حکومت این مرد، دقت کنیم و در بازی‌های سیاسی، مرزهای خودمان را تفکیک کنیم. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. آن چیزی که مهم است اتصال ما به ولایت است. آنچه که مهم است، حمایت ما از این نظام است.»

شرط دفاع از اسلام

«ویژگی برجسته امام‌راحل در برابر سایرین، احیای ولایت فقیه به‌عنوان ضرورت پنهان‌شده در جهان اسلام است. امام خمینی(ره) ضرورت ایجاد حکومت اسلامی را در ولایت فقیه دانسته است و امروز امکان ندارد، کسی بدون دفاع از ولی فقیه بتواند از اسلام دفاع کند. دفاع از اسلام با دفاع از ولایت فقیه امکان‌پذیر است.»

مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری

«برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ، یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون

پشت پرده بازی بزرگ



سیامک باقری

عضو هیئت علمی
پژوهشگاه امام صادق (ع)

از رویدادهای امنیتی بزرگ و فراملی به سادگی نمی‌توان عبور کرد؛ به ویژه رویدادهای امنیتی که عامل آن مشخص و عامدانه بودن بروز آن نیز روشن است، به طریق اولی تحلیل درباره آنها مستلزم عبور از تحلیل سطحی به تحلیل عمیق و عمیق‌تر است. ترور حاج‌قاسم سلیمانی نیز جزء رویدادهای بزرگ امنیتی است که نیازمند تحلیل عمیق‌تر است.

سطوح تحلیل

به نظر می‌رسد تحلیل‌هایی که در روزهای اخیر صورت گرفته، عمدتاً حول دو سطح اول تحلیل قرار دارند. تحلیل‌های سطح اول، تحلیل‌هایی هستند که به هدف‌ها و علت‌های حاشیه‌ای تمرکز دارند و تحلیل‌های سطح دوم بر هدف‌ها و علت‌های ثانویه پدیده مورد نظر معطوف هستند. تحلیل‌های سطح سوم نیز بر هدف‌ها و علت‌های اصلی و کانونی رخداد موصوف دلالت دارند.

۱-تحلیل سطحی: بر اساس این سطح، علت و هدف از ترور حاج‌قاسم تحت‌الشعاع قرار دادن استیضاح ترامپ در سنای آمریکا پس از تعطیلات کنگره، جبران ناکامی‌های سیاست‌های ترامپ در غرب آسیا و بهره‌برداری از آن برای انتخابات، تلافی سقوط پهپاد آمریکایی، نشان دادن ضرب شست به دلیل حمله به سفارت آمریکا در عراق و... است.

۲-تحلیل عمیق: برخی از تحلیل‌های ارائه شده در این سطح عبارت بودند از: اقدام ترامپ و تیم او در کاخ سفید در ترور حاج‌قاسم ادامه فشار حداکثری بود و نشانه انتقال از مرحله جنگ اقتصادی به جنگ مستقیم نظامی است. آمریکایی‌ها قصد داشتند لاشه رو به موت فشار حداکثری را با شوک ضربه نظامی(ترور سردار دل‌ها) احیا کنند. وضعیت ایران و منطقه، کاخ سفید را به این محاسبه رساند که زمان تسویه با ایران و متحدانش فرا رسیده است.

۳-تحلیل عمیق‌تر: بر پایه این سطح از تحلیل، ترور حاج‌قاسم، از طراحی بازی بزرگ برای خاورمیانه و محور مقاومت حکایت دارد. این نقشه بزرگ اضلاعی دارد که کاخ سفید، رژیم صهیونیستی و برخی از متحدان منطقه‌ای آمریکا طراحی کرده‌اند. در کانون این نقشه بزرگ، حاج‌قاسم معمار شکست‌های راهبردی آمریکا در عراق، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین، افغانستان و... تلقی می‌شد.



برآورد تحلیلی از چرایی ترور

با در نظر داشتن رهیافت تحلیل عمیق‌تر، می‌توان گفت ترور سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی بر اساس برآوردی بود که اضلاع سه‌گانه تروریسم دولتی غربی-عبری-عربی از تحولات منطقه و نقش ویژه جمهوری اسلامی ایران داشتند. از نظر آنها: ۱-راهبردهای خاورمیانه‌ای به طور کلی در حال اضمحلال است و خاورمیانه پساداعش معادلات قدرت را به ضرر مثلث غربی-عبری-عربی رقم زده است و در صورت پیروزی یمنی‌ها نقشه خاورمیانه به نفع ایران و جبهه مقاومت دگرگون خواهد شد. ۲-قدرت ایران در منطقه با وجود فشارهای حداکثری به طرز چشمگیری نسبت به گذشته افزایش یافته است. اندیشکده شورای آتلانتیک نوشت: «اگر قرار بود تحریم‌ها به تغییر در رفتارهای منطقه‌ای ایران منجر شوند، انتظار می‌رفت نفوذ منطقه‌ای ایران طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ لطمه ببینند. با وجود این، رویدادها و روندها نشان داد که دقیقاً عکس این اتفاق می‌افتد و در بهترین حالت، نفوذ منطقه‌ای ایران و تحریم‌ها مستقل از یکدیگر هستند.»

۳-با نابودی داعش در کشورهای سوریه و عراق و همچنین انسجام گروه‌های مقاومت، محور مقاومت به یک محور قدرتمند منطقه‌ای برای مقابله با محور غربی-عبری-عربی در غرب آسیا تبدیل شد. چنانکه مؤسسه آمریکایی مطالعات استراتژیک و بین‌الملل نوشت: «مداخله ایران در جنگ‌های سوریه، عراق و یمن، قدرت و دامنه «محور مقاومت» را متحول کرد. طلوع محور مقاومت، آزمونی دشوار برای استراتژی آمریکا در خاورمیانه، تهدیدی مستقیم برای متحدان و منافع منطقه‌ای واشنگتن و چالشی کلیدی برای سیاست‌گذاران در کاخ سفید است.» ۴-نا توانی آمریکا در فشار حداکثری برای تحمیل برجام‌های ۲، ۳ و ۴ از طریق مذاکره، مستلزم وارد شدن مرحله جدیدی برای تحقق برجام منطقه‌ای در ابتدا و پس از موفقیت آن تحمیل برجام موشکی و... است. نه برجام ۱ توانست نفوذ منطقه‌ای ایران را تغییر دهد و نه خروج از برجام و اعمال فشارهای حداکثری.

ارکان بازی بزرگ

با توجه به محورهای فوق، ترامپ و تیم او به این نتیجه رهنمون شدند که بازی برجام‌های ۱، ۲ و ۳ پایان یافته و باید بر نامه جدید یا بازی بزرگ‌تری را برای نجات منافع خود در منطقه طراحی کرد. برای این نقشه چند رکن اساسی در نظر گرفته شد که به زعم طراحان آن عملیات برای خرد کردن آنها، حلال همه موانع آنها برای شکل‌دهی جدید به غرب آسیا خواهد بود.

رکن اول، بدنه اجتماعی محور مقاومت بود. مثلث غربی، عربی و عبری در چند ماه اخیر همه توان و امکانات خود را برای جداسازی بدنه مقاومت از رأس آن بسیج کردند. این جداسازی دو محور اساسی داشت؛ جداسازی فیزیکی و جداسازی نگرشی و گرایشی. با تشدید جنگ اقتصادی تلاش برای جداسازی فیزیکی را دنبال می‌کردند و جداسازی نگرشی و گرایشی نیز با عملیات روانی و رسانه‌ای پیچیده و حجیم با هدف محوری تردیدافکنی و تنفرسازی از سران مقاومت تعقیب می‌شد.

رکن دوم نقشه مزبور سازماندهی جریان‌های ضد مقاومت و ارادل و اوياش و پیوند زدن ناراضیان مردمی به این جماعت و قرار دادن آنها علیه دولت‌های محور مقاومت بود. تحولات ماه‌های اخیر در عراق، لبنان و ایران دقیقاً در چارچوب این نقشه بوده است.

رکن سوم نیروهای کلیدی و رهبران میدانی و سرنوشت‌ساز محور مقاومت بسود. از نظر مثلث موصوف، حاج‌قاسم سلیمانی محوری‌ترین رهبر میدانی محور مقاومت، انسجام‌بخش، توانمندساز و هماهنگ‌کننده و فرمانده میدانی گروه‌های مقاومت و معمار شکست‌ها و طرح‌های مختلف مثلث غربی، عربی و عبری بود. به عبارت دیگر، در تحلیل کارشناسان نظامی و مقامات سیاسی مثلث مزبور، ایران سلسه‌جنبان جنبش‌های آزادی‌بخش و اسلامی است و به تعبیر کیسینجر، کلید همه تحولات منطقه در تهران نهفته است و سپاه قدس بازوی قدرتمند ایران در منطقه به شمار می‌آید که حاج‌قاسم سلیمانی



فرمانده قدرتمند و با نفوذ و هدایتگر محور مقاومت در منطقه بود. راز موفقیت‌های ایران نیز به راهبری تحولات از سوی حاج‌قاسم سلیمانی در چارچوب هدایت‌ها و رهبری امام خامنه‌ای بر می‌گردد. به این ترتیب، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در نظریه شوم ذکر شده، قاسم سلیمانی سر جریان مقاومت است و اگر سر جریان مقاومت را بز نیم، حیات این جریان را از آن خواهیم گفت. البته در بازی بزرگ تعریف شده، موفقیت در زدن سر جریان مقاومت، با ترور سایر نیروهای کلیدی محور مقاومت تکمیل می‌شد؛ از این رو ترور رهبران مقاومت منطقه نیز در دستور کار قرار داشته و دارد.

چهارمین رکن نقشه و بازی بزرگ، دولت‌های مقاومت است که در این بازی باید دچار چالش، تضعیف و به سقوط کشانده شوند. در لبنان تا حدودی دولت را مختل کردند، در عراق نیز دولت را از پای درآوردند و در ایران نیز بخشی از این سناریو در قضیه توطئه عمیق و خطرناک بن‌زین به اجرا گذاشته شد. آنها به قدری به این عملیات خوش‌بین بودند که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «در واشنگتن عناصر دولت آمریکا خوشحالی می‌کردند؛ به این طرف گفته بودند که کار ایران تمام شد.»

نکته نهایی

کارویژه یا هدف اصلی این نقشه جامع این بود که جریان مقاومت از صذر و ذیل آن مضمحل شود. هدف ثانوی و کارکردی آن نیز این بود که ایران تسلیم فشارهای آمریکا شده و در جریان مقاومت اختلال و اختلاف ایجاد شود. همچنین هدف حاشیه‌ای و کاربردی این طرح این‌س بود که ترامپ بهره‌مندی حداکثری از این وضعیت برای مسائل داخلی خود داشته باشد؛ اما با وجود تدبیر مثلث شوم به رهبری ترامپ و تیم او در کاخ سفید، با ترور حاج‌قاسم سلیمانی، خداوند تقدیر دیگری کرد و بر اثر خون شهید سردار دل‌ها موجی آفریده شد که به جای اضمحلال محور مقاومت، خروج آمریکا از منطقه سرعت بگیرد.

عکس و مکث



کمک‌رسانی نیروهای سپاه به مردم حادثه‌دیده در سیل سیستان و بلوچستان/ از همان روزهای ابتدایی نیروهای سپاه و ارتش با تمام توان به کمک مردم محاصره در سیل شتافتند. علاوه بر این، مردم دیگر مناطق ایران با کمک‌های نقدی و غیر نقدی خود در کنار سیل‌زدگان سیستان و بلوچستانی هستند.



مفتی فربه داعشی! / نیروهای ضربت عراق یکی از مفتی‌های داعش را در موصل دستگیر کردند. وی به تکه تکه کردن، اعدام، برده‌داری، تجاوز، دزدیدن و فروش مسلمانان و غیر مسلمانان مخالف داعش متهم است. زمانی که نیروهای عراقی این داعشی را دستگیر کردند ماشین مناسبی برای حمل او پیدا نکردند و در نهایت مجبور شدند از خودروی وانت استفاده کنند!

دیدگاه

شماره ۹۳۱ | دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸

صداق

گام دوم

نقش دشمن و اهداف آن در انتخابات گذشته و آینده



حسن خدایی

پژوهشگر مسائل سیاسی

طی چهار دهه‌ای که از آغاز انقلاب اسلامی ایران تا همین انتخابات پیش رو می‌گذرد، یکی از اتهامات وا‌هی و تبلیغاتی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران نبودن آزادی و دموکراسی است. در واقع هدف اصلی دشمن در انتخابات گوناگونی که جمهوری اسلامی ایران به طور متوسط هر دو سال برگزار می‌کند، این است که نشان دهد این انتخابات صوری، غیرواقعی و مبتنی بر شاخص‌های دموکراسی توده‌ای است و هیچ سسنختی با جمهوریت موردنظر نظریه‌پردازان علوم سیاسی و مردم ندارد. به همین منظور آنها دو شاخص اصلی انتخابات در ایران یعنی مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح را که رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) و دیگر نهادها و سازمان‌های حکومتی به آن توجه می‌کنند، هدف قرار می‌دهند و برای موفقیت در این هدف نیز از دو ابزار مهم «تحریم انتخابات» و «انتخاب غیر اصلح» استفاده می‌کنند.

چگونه می‌شود همزمان که انتخابات تحریم می‌شود، دشمن مردم را به سمت افراد و جریان‌های خاصی برای رأی دادن سوق دهد؟ در پاسخ باید گفت رسانه‌های تبلیغی و جنگ روانی دشمن در حوزه انتخابات در ۴۰ سال گذشته سعی داشته‌اند به شکلی غیر ملموس و غیر قابل رصد از این دو ابزار استفاده کنند و روش آنها این است که هیچ‌گاه همزمان این دو ابزار را به کار نمی‌گیرند، بلکه دشمن در شرایط زمانی متفاوت و بنا به مقتضیات زمانی و شرایط حاکم بر کشور یکی از این ابزارها را انتخاب می‌کند.

اولویت آنها ابزار تحریم انتخابات است و تا روزهای پایانی نزدیک به انتخابات از این حربه استفاده می‌کنند تا مشروعیت نظام سیاسی را زیر سؤال ببرند و اگر موفق شدند ابزار دوم را به کار نمی‌گیرند؛ ولی اگر نتیجه نظرسنجی‌ها و رصدهای میدانی آنها نشان دهد ابزار اولیه، یعنی تحریم انتخابات کارساز نیست و مردم با توجه به شرایط زمانی حضور پررنگ و مشارکت بالایی در انتخابات دارند، سعی می‌کنند حربه دوم را به‌کار بگیرند و با طرفداری از افراد و جریان‌های خاصی که احتمال نزدیک بودن به اهداف حیاتی آنها در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد، مردم را به سمت رأی دادن به کاندیدای موردنظرشان تشویق کنند.

برای نمونه در انتخابات مجلس هفتم دشمن به ابزار اول اکتفا کرده و احساس می‌کند کاهش مشارکت مردم امکان‌پذیر است؛ از این رو از حربه دوم استفاده نمی‌کند، هرچند مردم در این انتخابات مشارکتی فعال و پذیرفتنی داشتند. اما در انتخابات مجلس ششم، انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ و همچنین انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۴ دشمن با ناامیدی از تلاش‌های اولیه برای کاهش مشارکت سیاسی مردم، سعی کرد تا با دفاع از افراد و جریان‌های سیاسی خاصی مردم را به سمت انتخاب‌های غیر اصلح سوق دهد که گاهی در این زمینه موفق شد و گاهی شکست خورد.

توجه به این موارد در گام دوم انقلاب اسلامی ضروری است؛ به همین دلیل بر نسل جدید انقلاب اسلامی واجب است با آشنایی با سیاست‌ها، اهداف و ابزارهای دشمن در گام اول انقلاب اسلامی، به انتخابات ۴۰ سال دوم انقلاب اسلامی، به ویژه انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که اولین انتخابات گام دوم است، توجه جدی کنند تا بتوانند دشمن را همانند دیگر حوزه‌های سیاسی شکست دهند.

پرچم ملی آدم‌های منفعت‌طلب و هر روز به یک رنگ! / یکی از هنرمندان با اشتراک‌گذاری این عکس نوشت: «نه سبیز بودم، نه بنفش شدم، نه تکرار کردم و نه سیاه می‌شوم. ولی افسوس که هنوز هم بسیاری کسانی که دنباله‌رو سلبریتی‌های آفتاب‌پرستی هستند که یک روز به فلان کاندیدا «اعتقاد راسخ» دارند، روز دیگر تظاهر به فریب‌خوردگی می‌کنند، یک روز تاریخ‌سازند و روز دیگر تاریخ‌باز.

معیار

انتخابات رقابتی



مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی

متهم کردن نظام به رعایت نکردن شرایط رقابتی در انتخابات همواره یکی از محورهای عملیات روانی رسانه‌ای منتقدان، مخالفان و اپوزیسیون در ایام انتخابات علیه نظام است. با وجود این، یک پرسش مهم این است که آیا انتخابات در ایران واقعاً رقابتی است؟ در پاسخ می‌توان به چند گزاره اشاره کرد:

- ۱- به لحاظ بنیادی، انتخابات غیر رقابتی تنها در نظام‌های تک‌حزبی (حتی نه تک حزبی مسلط) امکان‌پذیر است. بنابراین، در ایران چون نظام انتخاباتی دو حزبی است و رقابت میان آنها به رسمیت شناخته شده است، پس در اساس امکان ندارد که انتخابات در ایران غیر رقابتی باشد. واقعیت آن است که به میزانی که اصلاح‌طلبان محق به مشارکت در انتخابات هستند، اصولگرایان نیز محققند و برعکس. علاوه بر این، مستقلین نیز می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و چنانچه شرایط قانونی داشته باشند، آنها نیز می‌توانند در معرض انتخاب مردم قرار گیرند. بنابراین، غیر رقابتی بودن انتخابات در ایران، سالبه به انتفاء موضوع است.

- ۲- اگر منظور از غیر رقابتی بودن انتخابات، اجازه ندادن به اپوزیسیون، معاندان و ضد انقلاب برای حضور در انتخابات به عنوان کاندیداست، باید گفت که ردصلاحیت این قبیل افراد به هیچ وجه به معنای غیر رقابتی شدن انتخابات نیست؛ زیرا در هیچ جای دنیا و در هیچ حکومتی اجازه داده نمی‌شود اپوزیسیون و نیروهای ضد نظام حاکم وارد گود رقابت‌های سیاسی رسمی شوند. کسانی که معترض اجازه ندادن به اپوزیسیون و ضد انقلاب برای شرکت در انتخابات به منزله کاندیدا هستند، باید به این پرسش پاسخ دهند که فردی که نظام و قانون اساسی را قبول ندارد، چگونه حاضر شده است برای فعالیت در چارچوب نظام اعلام آمادگی کند؟ واقعیت آن است که «اپوزیسیون در قدرت» هیچ جا پذیرفته نیست. این مورد، از تناقض‌ها و استثنائات اپوزیسیون در ایران است.

- ۳- نهادهای نظارتی در انتخابات براساس ملاک‌های قانونی عمل می‌کنند و اگر در دوره‌ای، براساس معیارهای قانونی، عده‌ای ردصلاحیت می‌شوند و اتفاقاً اکثریت آنها

نیز از یک جریان سیاسی خاص هستند، از این وضعیت نمی‌توان نتیجه گرفت که انتخابات در حال مهندسی شدن است یا اینکه غیر رقابتی است. انگشت اتهام در این میان، متوجه جریان‌های سیاسی است که چرا اجازه داده‌اند افراد فاقد صلاحیت وارد گود انتخابات شوند و چرا در معرفی افراد صالح اقدامی نکرده‌اند! ضمن اینکه باید توجه داشت در نقطه مقابل نیز هیچ‌گاه این‌گونه نبوده که کاندیداهای جریان رقیب به طور کامل تأیید صلاحیت شوند.

- ۴- ضمن اینکه باید توجه داشت، افزون بر متعدد بودن فیلترهای تأیید صلاحیت کاندیداه‌ا، راه‌های قانونی کافی برای شکایت نسبت به رد صلاحیت آنها وجود دارد و چنانچه کسی تصور می‌کند به ناحق رد صلاحیت شده است، می‌تواند با ارائه مستندات کافی به مراجع ذی‌صلاح (شورای نگهبان)، نسبت به اعاده حقوق خود اقدام کند. بنابراین، قانون‌گذار تمهیدات لازم را برای جلوگیری از تضییع حقوق همه کاندیدها و برگزاری انتخابات رقابتی انجام داده است. از این رو، جنجال‌آفرینی نسبت به رد صلاحیت برخی کاندیدها و متهم کردن نظام و دستگاه‌های مسئول، هیچ وجهی ندارد.

صلاحیت و مسئولیت

گزارشی از ابعاد مناقشات پیش آمده بر سر بررسی صلاحیت‌ها در شورای نگهبان



مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی

اتهاماتی کلی و غیر قابل اثبات از گردونه رقابت‌ها حذف شده‌اند.»

احتمال ارائه ندادن لیست

ردصلاحیت‌های صورت گرفته موجب شد تا سناریوی به محاق رفته اصلاح‌طلبان جان تازه بگیرد. از مدت‌ها پیش شاخه رادیکال این جریان از سناریوی مشارکت مشروط در انتخابات صحبت کرده بود. مبتنی بر این سناریو، اصلاح‌طلبان حضور فعال‌شان در انتخابات را باید در گرو عملکرد شورای نگهبان در مواجهه با نامزدهای انتخاباتی تعریف می‌کردند. اگر شورای نگهبان این نامزدها را تأیید صلاحیت کرد، آنگاه اصلاح‌طلبان حاضر به مشارکت می‌شوند، وگرنه از معرکه انتخابات کناره‌گیری می‌کنند!

اصلاح‌طلبان با وجود آنکه به دلیل مخالفت‌های جدی درون اردوگاهی از سناریوی مشارکت مشروط گذشته بودند؛ اما این روزها پس از اعلام نتایج اولیه بررسی صلاحیت‌ها، از احتمال ارائه ندادن لیست سخن می‌گویند!

«علی تاجرنیا» از فعالان سیاسی اصلاح طلب نیز پیش‌بینی کرده است اصلاح‌طلبان نهایت یک سوم صندلی‌های مجلس را به دست خواهند آورد!

تخلفات مالی!

نکته پرمناقشه در ماجرای ردصلاحیت‌ها آنجا بود که سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: «از حدود ۲۴۷ نفر نماینده فعلی مجلس ۹۰ نفر صلاحیت‌شان عمدتاً به خاطر مسائل مالی تأیید نشد.» همین اظهارات کدخدایی واکنش شدید نمایندگان مجلس را برانگیخت.

«قاسم میرزایی‌نیکو» نماینده دماوند در این باره گفت: «من اگر به جای دوستانی بودم که می‌گویند به جرم مسائل مالی رد صلاحیت شده‌اند، حتماً علیه آقای کدخدایی اعلام جرم می‌کردم و در دادگاه می‌خواستم این حرف را ثابت کند.» برخی دیگر این سؤال را مطرح کرده‌اند که اگر ۹۰ نماینده کنونی صلاحیت نداشتند، تصمیمات مجلس کنونی اعتبار قانونی و شرعی لازم را دارد؟!‌

در این‌بین «احمد توکلی» رئیس هیئت‌مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی خواستار پیگرد قضایی نمایندگان شد که شورای نگهبان صلاحیت آنها را به دلایل انحراف مالی و سوءاستفاده از جایگاه رد کرده است.

خانه ملت

انتخابات ششم

میدان داری افراتیون

«عباس عبدی» علیه هاشمی‌رفسنجانی موضع گرفتند و در مطبوعات زنجیره‌ای مقالات انتقادی متعددی را به قصد تخریب چهره هاشمی و جلوگیری از حضور وی در عرصه انتخابات درج کردند.

پس از پایان زمان اخذ رأی و آغاز شمارش آرا از سوی وزارت کشور، شورای نگهبان مدعی شد در انتخابات تهران تخلفاتی صورت گرفته و این‌شورا در حال بررسی این تخلفات است. سرانجام، بعد از گذشت قریب به سه ماه از برگزاری انتخابات، شورای نگهبان بر اساس نظر اعلام شده رهبر معظم انقلاب اسلامی، انتخابات شهر تهران را تأیید کرد؛ این در حالی بود که با بازشماری و ابطال برخی صندوق‌های معخدوش، حدود ۷۲۰ هزار رأی ابطال شده و تغییراتی نیز در فهرست اعلام شده اولیه توسط وزارت کشور قابل مشاهده بود. جبهه مشارکت پیروز مطلق انتخابات بود و ۲۸ نفر از فهرست آن انتخاب شدند؛ نفر اول نیز محمدرضا خاتمی، دبیرکل این حزب بود.

انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور در دوم خردادماه ۱۳۷۶، بسترساز شکل‌گیری مجلسی متفاوت در انتخابات اسفند ماه ۱۳۷۸ بود. در این انتخابات جامعه روحانیت و جریان حامیان خط امام و رهبری و گروه‌های همسو، مجمع روحانیون مبارز، حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب و کارگزاران سازندگی از جمله تشکل‌های سیاسی‌ای بودند که به طور جدی وارد عرصه رقابت انتخاباتی شدند. جریان دوم خرداد علی‌رغم آنکه یکپارچه و متحد نشان می‌داد، خیلی زود دچار تشتت شد و با ورود هاشمی‌رفسنجانی به صحنه انتخابات به عنوان لی‌در جریان کارگزاران سازندگی، این تشتت آشکار شد. کارگزاران سازندگی بر حضور هاشمی به عنوان سرلیست تهران و ریاست مجلس تأکید داشتند و در دیگر سو، عناصر افراطی طیف دوم خرداد قرار داشتند که با حضور هاشمی در فهرست انتخاباتی دوم خرداد مخالف بودند. در این میان، برخی چهره‌های افراطی جناح دوم خرداد، مانند «اکبر گنجی» و

مطالبه ملت

ناصر ایمانی در یادداشتی شفاهی مطرح کرد

ضرورت عمل به قانون

نهاد دیگری به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام است. شورای نگهبان قوانینی دارد و آن هم همان چیزی است که در قانون اساسی نوشته شده است. وظیفه دیگر شورای نگهبان، مسئله تأیید یا رد صلاحیت کاندیدها در انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری است که تأیید یا رد صلاحیت افراد، بر اساس قوانین موجود تشخیص داده می‌شود؛ از این رو شورای نگهبان وظیفه قانونی دارد نه وظیفه توجه کردن به مصلحت‌های عمومی. در گذشته هم شاهد این مسئله بودیم که با توجه به مصلحت‌هایی به شورای نگهبان دستور داده شده است افرادی را تأیید صلاحیت کند. بنابراین شورای نگهبان وظیفه قانونی خود را انجام می‌دهد و حق ندارد در مورد اینکه مصلحت است فردی تأیید یا رد صلاحیت شود، اجتهادکند.



پرسمان

وجوه نظارت استصوابی

علیه شورای نگهبان در فرایند فشار به آن شورا تحلیل می‌شود؛ به همین دلیل مواردی را به استحضار خوانندگان می‌رسانم:

۱- شورای محترم نگهبان و هیئت‌های نظارت آن طبق مد قانون رفتار کرده و در قانون ملاک حال افراد و کاندیداهاست که باید بررسی شود؛ نه اینکه سوابق و مسئولیت‌های مثبت مدیریتی سابق صرفاً ملاک احراز صلاحیت قرار گیرد.

۲- بسیاری طبیعی است که فردی قبلاً صلاحیت‌شان مورد تأیید مراجع مختلف قرار گرفته باشد و در دوره‌های بعدی به دلیل انجام تخلفات غیر قانونی از صلاحیت افتاده باشند و فاقد صلاحیت تشخیص داده شود.

۳- اینکه در برخی رسانه‌ها به صورت هدفدار بیان شود که رد صلاحیت‌ها مهندسی شده بود و از یک جناح خاص مثلاً اصلاح‌طلبان است؛ کاملاًخلاف واقع است؛ چرا که از کاندیداهای رد صلاحیت شده‌ای که الان نماینده مجلس شورای اسلامی هستند، از طیف‌های مختلف سیاسی دیده می‌شود که همه به آن اذعان دارند.

روح‌الله صنعتکار

کارشناس سیاسی



شورای نگهبان طبق قانون تفاوتی نمی‌کند که فرد کاندیدا چه سابقه مدیریتی داشته باشد یا در چه حزب و گروهی عضو بوده است! از اقوام و نزدیکان کدام مسئول اجرایی و غیر اجرایی و صاحب نفوذ باشد باید برای هر کاندیدا از چهار مرجع استعلام می‌شود که نتیجه این استعلامات در وقت مقرر باید به اطلاع شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت رسانده شود و اگر یکی از آنها منفی باشد، صلاحیت کاندیدی مورد نظر احراز نخواهد شد. هر چند شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت می‌توانند اطلاعاتی را که نیاز دارند از سایر نهادهای مندرج در قانون اخذ نمایند و آنها را نیز بررسی کنند. متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و خارجی و به ویژه در فضای مجازی شبیهاتی را وارد کرده‌اند که در بعضی موارد نشان از طراحی هججه‌های سازماندهی شده

موج بیگانه

نگهبان قانون



علی بیگدلی

کارشناس سیاسی

به شدت تقلبی است، منع کرده است. حتی رئیس‌جمهوری ایران می‌گوید این انتخاباتی واقعی نیست.» از هم اکنون بحث تقلب و غیر واقعی بودن انتخابات را مطرح می‌کنند. برخی نیز سخنان برایان هوک را که انتخابات مجلس شورای اسلامی را یک حقه‌بازی و حکومت دیکتاتوری خوانده بود، در سطح بسیار گسترده انتشار دادند.

خطی که «حزب اعتدال ملی» هم آن را در داخل دنبال کرد و خواستار کثرت‌گرایی شد! رسانه‌های ضد انقلاب با همراهی برخی عناصر داخلی به دنبال آن هستند که از رخدادهای سیاسی داخل کشور در جهت منافع کذایی خود استفاده می‌کنند. کانال ضد انقلاب زیتون با انتشار مصاحبه‌ای با یکی از شخصیت‌های ضد انقلاب، دلیل رد صلاحیت‌شدگان نمایندگان مجلس یازدهم را تقابل نظام و دولت خواند. مقوله‌ای که صرفاً در جهت اختلاف‌افکنی دوقوه و مقابل هم قرار دادن آنها است و اقدامات شورای نگهبان را در جهت منافع حزبی و سیاسی قلمداد می‌کند.

نقض ملت‌ها هماهنگ با قلب مقاومت

نگاهی به منطقه پس از تنش و یارگیری‌های جدید

محمدحسن سجادی

دکتری مطالعات منطقه

تنش‌های اخیر در پی ترور سردار سلیمانی و حمله موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکایی در عراق، فضای سیاسی جهان را به سمت و سویی برد که احتمال افزایش تنش تا مرحله درگیری وسیع‌تر نظامی را قوت بخشید. در این میان نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از پیامدهای افزایش تنش، مقامات سیاسی کشورهای درگیر را بر آن داشت تا با افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک، دامنه تنش را تا حد امکان کم کنند. در این مسیر اظهارنظرهای مقامات اروپایی و منطقه‌ای از یک سو و سیگنال‌های مقامات جمهوری اسلامی در راستای عدم تمایل به افزایش تنش از سوی دیگر، سبب شد منطقه فضایی نسبتاً آرام را تجربه کند. سفر بن حمد، امیر قطر به ایران و دیدار ظریف از هندوستان حکایت از آن دارد که بازگشت فضا به کانال دیپلماتیک سطح تنش را پایین‌تر آورده است.

قطر به‌عنوان میزبان پایگاه العدید و یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در منطقه، از جمله اهداف ایران هنگام تهدید قلمداد می‌شود. افزایش میزان تهدید برای قطر هنگام درگیری می‌تواند این کشور کوچک را با مشکل زیادی مواجه کند، به‌خصوص که اقتصاد کشورهای کوچک منطقه‌ای به‌شدت به میزان ثبات در منطقه گره خورده است. از سوی دیگر، این احتمال که پهباد ترورکننده شهید سپهبد سلیمانی از پایگاه قطر برخاسته نیز، تهدید علیه این پایگاه را افزایش داده بود. سفر بن حمد به ایران نشان داد قطر به شدت از تداوم روند در منطقه نگران است، به ویژه اینکه این کشور سرمایه‌گذاری عظیمی بر پروژه‌های زیرساختی برای برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ انجام داده است که تنش در منطقه می‌تواند بر آن اثر بگذارد. گذشته از این، در نمای بازتری از این موضوع سفر امیر قطر می‌تواند حاوی پیام‌های دیگری باشد که با توجه به اینکه اطلاعات دقیقی از محتوای گفت‌وگوها در دسترس نیست، نمی‌توان به صورت قاطع درباره آن سخن گفت.

در سوی دیگر، محمدجواد ظریف به دنبال آن بوده است با افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک به‌منوعی فضای پس از ترور را به سود ایران تغییر دهد. برجام، فعالیت تندرهای آمریکایی و تلاش برای ایجاد تنش در منطقه و سرمایه‌گذاری در ایران از جمله محورهای گفت‌وگو با مقامات هندی بودند. در سوی دیگر اما، با فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی بریتانیا، فرانسه و آلمان، همچنان سطح اصطکاک‌های سیاسی در مرحله خاصی متوقف شد. اجرای مکانیسم ماشه به‌نوعی حکایت از لابی‌های سه کشور اروپایی با آمریکا دارد که حلقه محاصره علیه ایران را تنگتر می‌کند. با این مقدمه باید به چند نکته اشاره داشت.

۱ یارگیری جدید: فضای منطقه به‌سوی یارگیری‌های مجدد در حوزه سیاسی حرکت می‌کند.

بر این اساس، توانمندی دیپلماتیک مهم‌ترین ابزاری است که می‌تواند کارساز شود. البته باید عنوان کرد منافع عینی و ذهنی که پشت گفت‌وگوها می‌تواند قرار داشته باشد نیز تعیین‌کننده خواهد بود. به عبارت دیگر، در فضای جدید، کنشگرانی از احتمال موفقیت بالاتری برخوردار خواهند بود که کالای ملموسی برای ارائه داشته باشند. بر این اساس به هر میزان که طرف ایرانی بتواند پابندی متقابل با شبکه خود ایجاد کند، به همان میزان موفق خواهد بود.

۲ انزوا آری، جنگ نه: تنش در روابط ایران و ایالات‌متحده و نگرانی دولت‌های منطقه‌ای نشان داد حتی کشورهایی مانند عربستان نیز به دنبال جنگ با ایران نیستند؛ چراکه در چنین شرایطی وقوع یک جنگ بزرگ به معنای بازنده شدن کشورهای منطقه‌ای، شکل‌گیری خلأقدرت و در نهایت تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. از این حیث به نظر می‌رسد عدم تمایل ایران به افزایش تنش می‌تواند تصمیم معقولی باشد. با وجود این، بسیاری از رقبای منطقه‌ای همواره از تصمیم دولت ایالات متحده برای افزایش فشار، به ویژه فشار اقتصادی بر ایران حمایت کرده‌اند، اما این به معنای تمایل به درگیری در جنگ بزرگ با ایران نیست. امارات متحده، عربستان سعودی و قطر تمرکز خود را بر توسعه توان اقتصادی داخلی قرار داده‌اند، بنابراین وقوع جنگ می‌تواند ضربه مهلکی به اقتصاد این کشورها وارد کند.

۳ تصمیم‌گیری موقعیتی: علی‌رغم اشتباه مهلکی که ترامپ درباره ترور سردار سلیمانی مرتکب شد، تغییر فاز ایالات متحده پس از این اقدام نشان داد واشنگتن تمایل دارد دامنه فعالیت‌های خود را همچنان منعطف نگه دارد. بر

این اساس نکته دیگری که می‌توان دریافت، این است که ایالات‌متحده بار دیگر تمایل دارد تنش‌های رودررو را به سطح فشار اقتصادی برگرداند؛ به همین سبب آرامش فضای کنونی را می‌توان دورخیزی برای هماهنگی بیشتر برای افزایش فشار بر ایران قلمداد کرد. از دید ایالات متحده هزینه مقابله با ایران باید بر کشورهای اروپایی مخالف سیاست‌های ایران سر شکن شود. از سوی دیگر ایالات‌متحده به دنبال آن است تا ائتلاف‌سازی ممکن علیه ایران را به وجود آورد تا در زمان تنش احتمالی آینده از پشتوانه توجیهی قدرتمندتری برخوردار باشد. به علاوه نباید از این موضوع غافل بود که ایالات‌متحده تمایل خود را به اقدام تروریستی مجدد نیز پنهان نکرده است.

۴ بازگشت به حافظه تاریخ: رفتار اروپا نشان داد حتی تحت شدیدترین توافقات با ایران نیز در نهایت به سمت ایران متمایل نخواهد شد، بلکه کفه پله بستان‌های سیاسی با ایالات‌متحده بر تعهدات به ایران سنگینی خواهد کرد. البته ناگفته نماند این موضوع تازه نیست و نخواهد بود. بر این اساس، حتی درصورتی‌که ایران به مذاکره مجدد با غرب روی آورد، باید به این حافظه تاریخی رجوع کند که در شرایط انتخاب، غرب به سوی آمریکا متمایل خواهد شد.

۵ برجسته شدن تفکر واقع‌گرایی در منطقه: فضای سیاست منطقه‌ای بیش‌ازپیش به سوی حساب سود و زیان حرکت می‌کند و در چنین فضایی، در عین اینکه سیاست اعلانی می‌تواند هنجاری باشد، اما سیاست واقعی باید بر مبنای نقشه راه استراتژیک باشد؛ در غیر این صورت نه تنها تعیین مسیر دشوار خواهد بود، بلکه در گیر و دار حوادث روزانه اهداف مبهم خواهند شد. فضای منطقه یک حقیقت تلخ را یاد آوری می‌شود و آن این که واقعیت بر هنجار غلبه دارد.

رصد

مرگ مغزی ترامپ

آمریکایی‌ها باید بروند!

گاردین: بحرانی که در پی ترور سردار قاسم سلیمانی به دستور دونالد ترامپ به وجود آمد، بر درستی تفکر ایران مبنی بر اینکه نیروهای نظامی آمریکا باید تسلیحات‌شان را جمع کنند، پایگاه‌های‌شان را ببندند و خاور میانه را برای همیشه ترک کنند، صحنه گذاشت.

سقوط آزاد!

دوپیچه وله: در حال حاضر، محبوبیت اردوغان سقوط آزاد را تجربه می‌کند. بحران‌های اقتصادی و پولی ترکیه حمایت‌ها از او را در میان مردم ترکیه با کاهش رویه‌رو کرده است. از این نظر، ترکیه با حضور نظامی در لیبی به دنبال منافع اقتصادی است. توافقی که اردوغان با «السراج» در نوامبر امضا کرد، شامل بیش از همکاری نظامی است. نکته دیگری که در طرابلس با آن توافق شد، مربوط به مرزهای بین‌المللی دریایی بود که به نفع آنکارا بازنویسی شد. این توافق به صورت تئوری ترکیه را قادر می‌سازد تا به منابع گازی گسترده اکتشافی مربوط به ۱۰ سال قبل در ساحل جنوبی قبرس دسترسی پیدا کند.

پیامدهای ترور شهید سلیمانی

واشنگتن‌پست: عراق برای دولت ترامپ به یک مشکل جدی تبدیل شده است. خودنمایی‌های «ترامپ» علیه جمهوری اسلامی همراه قدرت‌نمایی است؛ اما راهبرد او ضعیف است. بی‌تردید، ترور سلیمانی پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت و به طور مسلم دولت ترامپ با یک سری معماهای استراتژیک جدی مواجه خواهد بود. در ایران هم ترور سلیمانی، یک راهپیمایی ملی پشت سر جمهوری اسلامی به راه انداخت و تمام آرزوی ترامپ در آخرین سال ریاست جمهوری‌اش درباره ایران را بر باد فنا داد.



۶ تسلط بر نبض تفکر عمومی: ترور سردار سلیمانی نشان داد جمهوری اسلامی می‌تواند افکار عمومی منطقه‌ای را با خود همراه کند، البته این موضوع به سرعت عمل جمهوری اسلامی و ابزارهای آن بستگی دارد. همواره به رسانه به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها تأکید شده است، به خصوص که رسانه‌های قدرتمند منطقه‌ای به تفسیر واقعیات مطابق منافع خود تمایل دارند.

۷ توجه به تمامی سطوح در یارگیری: ذکر این نکته مهم به نظر می‌رسد که باید تعریف واضحی از یارگیری‌های منطقه‌ای صورت گیرد. اینکه تمرکز بر دولت‌هاست یا ملت‌ها و گروه‌های فرودلوسی؛ این موضوع می‌تواند در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثرگذار باشد. در واقع فضای کنونی نیازمند رویکردی جامع است که تمامی سطوح ملی و فروملی را در نظر بگیرد.

با تمام این اوصاف روشن است منطقه تا حدودی از زاویه بسته بحرانی دورتر شده است. نزدیکی ایالات‌متحده به انتخابات ریاست‌جمهوری و دغدغه‌های داخلی ترامپ نیز حکایت از این دارد که در فضای پس از ترور به دنبال دستاورد جدید از جنس دیپلماتیک است؛ به این معنا که اگر بتواند مذاکره‌ای در راستای منافع ایالات‌متحده با ایران داشته باشد و تعهدات جدیدی را برای ایران تعریف کند، از شانس بالایی برخوردار خواهد بود. در این مسیر البته به سه قدرت اروپایی نیز نیاز دارد. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز با تمرکز بر بهبود شرایط داخلی خود در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی به دنبال آن است تا همچنان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به بهبود سطح مبادلات اقتصادی خود متقاعد کند. با تمامی این اوصاف، واضح است تنش در روابط ایران و ایالات متحده همچنان در کمرکش خود قرار دارد و باید هر آن منتظر شگفتی‌ساز جدیدی بود.

تراژدی کاخ سفید

آتلانتیک: قاسم سلیمانی هر آنچه را که حکومت ایران می‌خواست درباره خود مطرح کند، در خود داشت؛ نفوذ، مهارت و اعتماد به نفس. او خواب خوش را از چشم دشمنان ایران ربوده و خیال حاکمان ایران را راحت کرده بود. کاخ سفید با صدور دستور ترور ژنرال ارشد ایرانی، در دام تراژدی‌ای افتاده که خود آن را به وجود آورد.

جنگ احماقانه!

گاردین: ترور سلیمانی که به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، از تفرجگاه او در فلوریدا صورت گرفت، تنها در یک لحظه رخ داد؛ اما همین یک لحظه اکنون به تهدیدی تبدیل شده که می‌تواند فضای سیاسی به شدت بی‌ثبات خاورمیانه را دچار تغییر کند و حضور ایالات متحده در این منطقه را به چالش بکشد. ترور سردار سلیمانی نه تنها با راه خروج از «جنگ‌های احماقانه» فاصله زیادی دارد؛ بلکه می‌تواند ایالات متحده را در یک درگیری خشونت‌آمیز عمیق‌تر و طولانی‌تر گرفتار کند.

۵

جهان

شماره ۹۳۱ | دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸

صداقت

یادداشت

تداوم مشی سلطان قابوس

حمید خوش‌آیند

کارشناس مسائل بین‌الملل

سلطان قابوس بن‌سعید که به بی‌طرفی در سیاست‌های منطقه‌ای و همچنین میانه‌روی در سیاست‌ورزی شناخته شده بود، پس از ۵۰ سال سلطنت درگذشت؛ شخصیتی که عمان عقب‌افتاده و منزوی در آغاز زمامداری‌اش در دهه ۱۹۷۰ میلادی را با وجود نظام سیاسی بسته به سوی پیشرفت و مدرنیزاسیون اقتصادی هدایت کرد و خود به یکی از محبوب‌ترین حکام در جوامع عربی تبدیل شد.

با اعلام مرگ سلطان قابوس، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، بحث تعیین سلطان جدید بدون هرگونه حاشیه‌ای و به سرعت پیش رفت و در نهایت دیوان سلطنتی این کشور «هیشم بن طارق آل سعید» پسرعموی ۶۵ ساله پادشاه فقید عمان و وزیر فرهنگ این کشور را که نامحتمل‌ترین گزینه بود، به پادشاهی عمان برگزید. هیشم برای مدتی طولانی یکی از گزینه‌های مطرح برای جانشینی بود.

بن‌طارق پادشاه جدید، متولد ۱۳ اکتبر ۱۹۵۴ (۲۱ مهر ۱۳۳۳) در مسقط، پایتخت عمان و از اعضای شناخته شده خاندان سلطنتی «آل بو سعیدی» است. وی دانش‌آموخته دانشگاه آکسفورد انگلیس در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷) ششمی است. سلطان هیشم از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ به مدت ۱۸ سال منصب وزارت فرهنگ را در این کشور بر عهده داشت و در دهه هشتاد نیز در بخش ورزش و جوانان فعال بود.

یکی از پرسش‌های مهمی که کم و بیش مطرح می‌شود، این است که آیا تعیین سلطان هیشم به پادشاهی عمان، آن هم در وضعیتی که نام‌برخی دیگر، از جمله «بن‌علوی» وزیر خارجه فعلی برای پادشاهی مطرح بود، می‌تواند در آینده نزدیک یا دور به چالش یا رقابت قدرت در این کشور منجر شود؟ پاسخ این پرسش فعلاً و بنابر دلایل روشنی منفی است؛ چرا که اولاً، ساختار و نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمان یک نظام محافظه‌کارانه است، به این معنا که فرد منتخب و کسی که قدرت را به دست گرفته به آسانی در جامعه و سیاست و فرهنگ پذیرفته می‌شود. ثانیاً، با توجه به اینکه عمان یک کشور ذره‌ای و محصور و منزوی از نظر جغرافیایی و مذهبی است، به نظر نمی‌رسد افکار عمومی و چهره‌های شاخص سیاسی تمایل چندانی به تنش و ایجاد رقابت و درگیری سیاسی داشته باشند، کم‌اینکه پادشاه جدید نیز نمی‌تواند سیاست یا مسیری مستقل از آنچه سلطان قابوس در عرصه‌های داخلی و خارجی داشت و اتفاقاً نیز سیاست‌های موفق‌ی بود، در پیش بگیرد. تنها خلأتی که در زمینه سلطان جدید عمان احساس می‌شود، نداشتن یک شخصیت کاریزما به مثابه آنچه سلطان قابوس داشت، است.

درباره ایران نیز با توجه به اینکه سلطان هیشم همچنان که خودش نیز اعلام داشته است در حوزه سیاست خارجی منش و مشی و رویکرد سلطان قابوس را ادامه خواهد داد، از این‌رو نگاه مثبت و رویکرد اصولی و سازنده‌ای به ایران خواهد داشت. در مجموع به نظر می‌رسد، در دوران پادشاهی جدید عمان، این کشور به ویژه در سیاست خارجی و مناسبات منطقه‌ای همان مسیری را خواهد پیمود که سلطان قابوس بنا نهاد؛ یعنی سیاست بی‌طرفی، راهبرد عمل‌گرایانه در دیپلماسی و تلاش‌های ماینجی‌گرایانه.

یادداشت

پیشینه عملیات بازار باز

سیدبهاالدین حسینی‌هاشمی

کارشناس بانکی



درباره عملیات بازار باز باید گفت، این عملیات به منظور تحقق اهداف اقتصادی، مانند ایجاد اشتغال کامل، رشد اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، ثبات نرخ بهره، ثبات در بازارهای مالی و ثبات در بازار ارز انجام می‌گیرد. این کار در واقع با اتخاذ سیاست‌های موسوم به سیاست پولی انجام می‌شود. در این عملیات بانک مرکزی به منظور اثرگذاری بر حجم پول از ابزارهایی استفاده می‌کند که این ابزارها به دو گروه کمی و کیفی تفکیک می‌شوند. ابزارهای کمی شامل عملیات بازار باز، نرخ تنزیل مجدد و نرخ ذخیره قانونی است که منظور از ابزارهای کیفی در واقع همان کنترل کیفی اعتبارات و هدایت آن به بخش‌های تولیدی و مولد و اتخاذ سیاست‌های انقباضی در بخش‌های غیر ضروری است.

عملیات بازار باز از مهم‌ترین ابزارهای سیاست پولی است که بعد از انقلاب چندان مورد توجه و استفاده قرار نگرفته است. درباره تاریخچه استفاده از این ابزار باید گفت، اولین بار در سال ۱۳۴۹ شمسی این اتفاق رخ داد و طی آن بانک مرکزی ایران بانک‌ها را به خریداری و نگهداری اوراق قرضه، حداقل به میزان ۱۶ درصد افزایش در کل سپرده‌ها و با هدف کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها ملزم کرد. هدف این کار نیز جلوگیری از گسترش پایه پولی از طریق انتقال بدهی دولت به بانک‌ها اعلام شد. در دهه ۱۳۵۰ حجم اوراق قرضه‌ای که سیستم بانکی باید می‌خرید، به دفعات تغییر کرد به طوری که در همان سال این تکلیف لغو و در سال ۱۳۵۲ معادل ۵۰ درصد کل سپرده‌ها تعیین شد. با تجدید نظر در برنامه‌های عمرانی، این نسبت به ۳۰ درصد کاهش، سپس به ۴۵ درصد افزایش یافت و این نسبت تا تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن در سال ۱۳۶۳ بدون تغییر باقی مانده بود.

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در دهه ۱۳۶۰ الزام بانک‌ها به خرید اوراق قرضه دولتی لغو شد و هیچ اوراق جدیدی نیز به بخش خصوصی ارائه نشد. دلیل اصلی این موضوع نیز مسائل شرعی بود که بر اساس آن، محوریت فروش اوراق در سال‌های بعد از انقلاب و تصویب قانون بانکداری بدون ربا از اوراق قرضه به اوراق مشارکت تغییر یافت. البته فروش اوراق قرضه دارای ضوابطی است که در شورای فقهی بانک مرکزی بررسی می‌شود؛ اما در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد اوراق قرضه یا اوراق خزانه در اختیار بانک‌ها و مابقی در اختیار مؤسسات دولتی است؛ به عبارت دیگر، در حال حاضر بخش خصوصی هیچ سهمی در اوراق قرضه دولتی ندارد. با وجود اهمیت بسیار زیاد این ابزار سیاست پولی در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، این ابزار در سال‌های اخیر و به ویژه بعد از تصویب و اجرای عملیات بانکداری بدون ربا عملاً کارایی خود را از دست داده است. گویا قرار است گام‌هایی در راستای آغاز اجرای این عملیات در اقتصاد ایران برداشته شود.

آلبرت بغریان اقتصاددان و عضو هیئت تجدید نظر شورای رقابت در گفت‌وگو با صبح صادق

هدف عملیات بازار باز ثبات و رشد اقتصادی است



عملیات «بازار باز» عبارتی است که اگرچه قدمتی طولانی در عرصه اقتصاد دنیا دارد؛ اما تاکنون در ایران اجرایی نشده است. عملیاتی که دولت قصد دارد در وضعیت فعلی و در راستای مقابله با افزایش تورم و کاهش حجم نقدینگی آن را اجرایی کند. صبح صادق در گفت‌وگو با دکتر آلبرت بغریان، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و عضو هیئت تجدید نظر شورای رقابت این موضوع و بایدها و نبایدهای آن را بررسی کرده است. وی در این گفت‌وگو شرط موفقیت اجرای این عملیات را نگاه همه‌جانبه دولت به بازارهای موازی و همه پارامترهای اقتصادی دخیل دانسته است.



حمید رضا جوانبخت

خبرنگار

رخ می‌دهد، به این معناست که منابع بانکی به بخش واقعی اقتصاد تزریق نمی‌شود.

به نظرتان نرخ سود پیشنهادی در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، باید چه عددی باشد؟

اقتصاد سالم، یعنی اقتصادی که نرخ سود بانکی آن ۱۸ یا ۲۰ درصد نیست. در اقتصاد بدون تورم یا با تورم‌های بسیار پایین مانند اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته، نرخ سود همانند نرخ سود بین بانکی بانک‌های لندن باید عددی حدود ۷ درصد باشد؛ اما این میزان نرخ سود، برای تورم ما و خریداران اوراق در ایران اصلاً جذباتی ندارد، بنابراین پیشنهاد نرخ سود ۱۸ درصد است که قابلیت رقابت با نرخ سود بانکی را داشته باشد و حداقل بخشی از پس‌اندازها به این سمت هدایت شود. از سوی دیگر، باید بازدهی بازارهایی مانند ارز، طلا، مسکن و خودرو نیز معقول شود؛ چرا که مثلاً در شرایط فعلی سود بازار طلا از این نرخ‌ها بیشتر است و ممکن است به این دلیل مردم توجهی به فروش اوراق قرضه نکنند. به نظر می‌رسد شرایط ایجاد شده هنوز فراهم نشده است، لذا تا فراهم شدن شرایط باید منتظر ماند.

کدام کشورها در اجرای عملیات بازار باز موفق بوده‌اند؟

بانک‌های مرکزی اروپا همواره در حال اجرای عملیات بازار باز هستند. این مسئله در اقتصاد آنها اعم از دولت، حتی شهرداری‌ها اتفاق می‌افتد. دولت و شهرداری‌ها با انتشار اوراق یک ساله یا سه ساله و نامعین با نرخ‌های مختلف اوراق خود را به مردم عرضه می‌کنند؛ برای نمونه آمریکا هر زمان بخواهد نرخ بهره خود را با توسل به عملیات بازار باز کاهش می‌دهد؛ یعنی اوراق قرضه را با قیمت بالاتری خریداری می‌کند و چون درآمد اوراق ثابت بوده است، نرخ بهره کاهش پیدا می‌کند. به هر حال مهم‌ترین هدف از اجرای سیاست پولی-انبساطی یا انقباضی-در عملیات بازار باز ترغیب به سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی است؛ یعنی قطعاً هدف اجرای صرف نیست، بلکه هدف پیامدهای استفاده از این ابزار پولی و مالی است که امید می‌رود ابزارهای مورد نیاز در نظر گرفته شده باشد؛ چرا که طبیعتاً با یک قاشق شکر نمی‌توان دریا را شیرین کرد.

موفقیت عملیات بازار باز مشروط به رعایت چندین مؤلفه، از جمله جمع‌آوری نقدینگی به اندازه مورد نیاز است. از طرفی طبیعتاً با خروج یک قطره آب از یک وان بزرگ نمی‌توان بر مشکلات افزایش نقدینگی تأثیر گذاشت. بانک مرکزی باید میزان فروش اوراق قرضه را تعیین کند. برای نمونه، اگر میزان فروش اوراق به اندازه پیش‌فروش خودروسازان باشد، طبیعتاً این میزان پول قادر به جمع‌آوری نقدینگی و تحت تأثیر قرار دادن یا اثر گذاشتن بر اقتصاد ایران نیست. ضمن اینکه زمان بازخريد نیز باید کاملاً مشخص باشد. اگر این پول‌ها بلوکه شود یک بحث و اگر قرار است نقدینگی جمع‌آوری شده وارد پروژه‌های عمرانی شود، سخن دیگری است. دولت باید با توجه به این موضوعات زمان بازخريد را برحسب اهداف خود تعريف کند. اگر بخواهد با ارائه اوراق قرضه دیگری اوراق قرضه فروخته شده را جبران کند، به این معناست که زمان بازپرداخت آن را به تعویق بیندازد، این موضوع ممکن است عملاً ماهیت غیر شرعی و ربوی پیدا کند؛ اما اگر دولت احساس کرد پروژه‌ها به ثمر می‌رسند و از قبل آن می‌تواند سهمی را بفروشد و پول مورد نیاز را تأمین کند، این مسئله احتمالاً از نظر شرعی مشکلی نداشته و می‌تواند خوب باشد؛ البته در این باره باید شورای فقهی نظرات کارشناسی خود را ارائه دهد. تجربه نشان داده است، اگر بازپرداخت سود بر عهده دولت دیگری بیفتد، ممکن است دولت جدید زیر بار نرود که این متأسفانه رویه بدی است که هر دولتی به دنبال به نتیجه رسیدن اوراق در زمان خودش است تا برای دولت دیگری ثمری نداشته باشد. از سوی دیگر، موفقیت‌آمیز بودن عملیات بازار باز منوط به قابلیت خرید و فروش آن در بازار سهام و بازار اوراق بهادار است. اینکه مردم در زمان گرفتاری و نیاز به پول قادر به فروش آن باشند، نکته مهمی است. وقتی قابلیت خرید و فروش این اوراق باز باشد عملاً هیچ اتفاقی بر روی بحث پایه پولی نمی‌افتد.

درباره اوراق مشارکت عموماً دیده می‌شود بانک‌ها نقش پررنگی دارند؛ یعنی به عنوان یکی از خریداران عمده وارد ماجرا می‌شوند. درست است؟

وارد نشدن بانک‌ها به عرصه خرید اوراق بسیار اهمیت دارد. اوراق فقط باید به مردم فروخته شود؛ چرا که ورود بانک‌ها به معنای هدایت منابع خود به سمت خرید اوراق است. بنابراین وقتی این اتفاق

اوراق قرضه شد. تفاوت اوراق مشارکت با اوراق قرضه هدایت نقدینگی به سمت پروژه‌های عمرانی و زیرساختی است؛ یعنی در ارائه اوراق مشارکت هدف انجام اقدامات زیربنایی از سوی دولت است که البته سود علی‌الحسابی هم به صاحبان و خریداران اوراق پرداخت می‌شود تا در نهایت اوراق مشارکت بازخريد شده و زمان سررسید آن فرا برسد. این موضوع نیز نوعی عملیات بازار باز محسوب می‌شود. بی‌تردید عملکرد آقای همتی و تیم همراه ایشان در اجرای عملیات بازار باز برای اولین بار در ایران قابل تحسین است. به نظر می‌رسد نهاد پولی دولت و اقتصاد که به دنبال مدیریت نرخ ارز و نقدینگی است، با توسل به عملیات بازار باز که یکی از نمونه‌های خوب اقتصادی است، می‌تواند به این مهم نائل شود، البته شورای فقهی باید مسائل شرعی اوراق قرضه را بررسی کند و ما باید منتظر اعلام نظر شورای فقهی باشیم.

بانک مرکزی در جایگاه متولی این کار باید به چه نکاتی توجه داشته باشد؟

بانک مرکزی باید به مسائل مهم دیگری نیز توجه کند؛ از جمله اینکه اوراق به مردم فروخته می‌شود؟ محل هزینه آن کجاست؟ آیا هدف از جمع‌آوری نقدینگی سرگردان صرفاً برای جمع‌آوری نقدینگی است و...؟

بر اساس اطلاعاتی که بانک مرکزی از چگونگی عملیات بازار باز در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار داده، آیا می‌توان به موفقیت و تحقق اهداف اجرای این سیاست اقتصادی و پولی و مالی اطمینان داشت یا امیدوار بود؟

به هر حال اجرای این سیاست پولی و مالی نیازمند توجه به مؤلفه‌های مهمی است. موفق بودن هر طرحی به چگونگی اجرای آن وابسته است. به طور قطعی هیچ طرحی بی‌هدف و یا در نظر نگرفتن اهداف خرد یا کلان به موفقیت نمی‌رسد، بنابراین بانک مرکزی باید پاسخگوی این پرسش‌ها باشد که هدف از اجرای عملیات بازار باز در اقتصاد ایران چیست؟ آیا هدف جمع کردن نرخ نقدینگی سرگردان یا تأمین کسری بودجه دولت است؟ یا بانک مرکزی به دنبال تأثیرگذاری بر روی نرخ سود بانکی است؟ آیا هدف کاهش حجم پول است؟ یا هدف کاهش نرخ تورم در اقتصاد است؟ قطعاً

آقای دکتر! اگر به زبان ساده بخواهیم چگونگی و چرایی اجرای عملیات بازار باز را برای مخاطبان بیان کنیم، شما چه تعریفی از این عملیات ارائه می‌دهید و برای اینکه این سیاست پولی و مالی بانک مرکزی به درستی تبیین شود، چه باید کرد؟

عملیات بازار باز در ادبیات و عرف بانک‌های مرکزی دنیا به ابزاری برای اجرای سیاست‌های پولی گفته می‌شود. در واقع، هنگامی از این عملیات استفاده می‌شود که در اقتصاد تشخیص داده می‌شود باید حجم پول و نرخ بهره تغییر کند تا سه هدف اصلی اقتصاد که اعم از «رشد اقتصادی»، «نرخ اشتغال» و «سقوط قیمت‌ها» یا همان کاهش تورم است- برقرار شده یا به سمت اهداف اقتصادی دولت‌ها در راستای کاهش حجم پول و تغییر نرخ بهره هدایت شود. در حقیقت، هدف از اجرای این سیاست تحقق این اهداف است. حالا اگر دولت تشخیص دهد حجم پول در اقتصاد باید کاهش یابد، اقدام به فروش اوراق قرضه می‌کند. اوراق قرضه نیز با درآمد ثابتی برای هر ورق قرضه تعریف می‌شود، برای نمونه ممکن است هر ورق قرضه به قیمت ۱۰۰ هزار تومان فروخته و با ۷ یا ۱۰ هزار تومان عایدی به مشتری عرضه شود. این مسئله سبب جمع نقدینگی و بلوکه کردن آن از سوی دولت می‌شود تا از این طریق حجم پول کاهش یابد. برعکس این نیز ممکن است؛ یعنی اگر دولت تشخیص دهد به افزایش حجم پول نیاز دارد، به جای افزایش پایه پولی اوراق قرضه فروخته شده را بازخريد می‌کند؛ به این ترتیب با اعلام نرخ بالاتری نسبت به قیمت اوراق قرضه این کار را انجام می‌دهد. به این ترتیب، نقدینگی با این سیاست افزایش و نرخ بهره کاهش می‌یابد و سیاست پولی به وسیله ابزاری به نام عملیات بازار باز اجرا می‌شود.

اجرای این سیاست در تاریخ اقتصادی ایران سابقه داشته است؟

در اقتصاد ایران تجربه خاصی پس از انقلاب در این زمینه نداریم، فقط در دوره مصدق مقداری اوراق قرضه برای تأمین نیازهای دولت فروخته شد که این موضوع بعد از انقلاب به دلیل موازین شرعی و اینکه فقها آن را در اقتصاد اسلامی دارای شبهه ربا و نامشروع می‌دانستند، دنبال نشد. در سال‌های پس از انقلاب اوراق مشارکت جایگزین

منهای نفت

فرصت تغییر

اقتصاد ایران در کنار تحریم‌های خارجی با پدیده دیگری به نام پدیده «خودتحریمی» مواجه است. عامل اصلی خودتحریمی‌ها، از جنس نرم‌افزاری، یعنی ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی و نظارت و هماهنگی است. دولت‌ها در سال‌های گذشته با ابزارهایی، مانند دلارهای نفتی یا استقراض از نظام بانکی این ناکارآمدی‌ها را پوشش داده و زیر لوای آن، هزینه این موانع بدون اینکه چندان نمودی داشته باشد، پرداخت می‌شد؛ از این رو وضع تحریم‌ها و تداوم آنها سبب شده است که نتوانیم ناکارآمدی‌های اقتصادی و مدیریتی را کتمان کنیم. وجود تحریم‌ها فرصتی برای شناخت دقیق‌تر آنها، آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع آنهاست.



شاخص

چشم‌انداز

بانک جهانی در گزارشی که با عنوان «چشم‌انداز اقتصاد جهان ۲۰۲۰؛ رشد کند، چالش‌ها در سیاست‌گذاری» منتشر کرده، در برآوردهای منطقه‌ای خود درباره رشد اقتصادی با اشاره به اینکه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا رشد ملایم ۲/۴ درصدی را در سال ۲۰۲۰ تجربه خواهد کرد، علت عمده آن را افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت فضای کسب‌وکارها عنوان کرده است. بانک جهانی پیش‌بینی کرده است رشد اقتصادی صادرکنندگان نفت، به ۲ درصد افزایش خواهد یافت. در این گزارش آمده است، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اصلاحات فضای کسب‌وکار موجب افزایش رشد اقتصادهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۰ خواهد شد.



افزوده

مزیت مطلق چیست؟

یکی از مفاهیم اقتصادی که احتمالاً نام آن را شنیده‌ایم، مفهوم «مزیت مطلق» در اقتصاد است. به مفهوم ساده داشتن مزیت مطلق در تولید کالا و خدمات به این معناست که هیچ فرد یا کشوری نمی‌تواند آن کالای خاص را با صرف هزینه کمتر نسبت به شما تولید کند.

برای نمونه، اگر تولید هر کیلوگرم برنج در هند نیازمند به‌کارگیری دو واحد از منابع آن کشور باشد، در حالی که تولید همان کالا در پاکستان نیازمند شش واحد باشد، به این معناست که هند در تولید برنج نسبت به پاکستان دارای مزیت مطلق است.



حقیقت امتحان خداوند از حضرت زهرا(س)

گفتاری از آیت الله میرباقری



می‌کند. این مثل نور در یک چراغدانی تمثل کرده، نوری بر فراز نور از این چراغدان ساطع می‌شود و البته خدا همه را به این نور هدایت نمی‌کند؛ بلکه هر که را بخواهد به آن هدایت می‌کند و بقیه مثلی از این نور می‌فهمند. این نور در خانه‌هایی تنزل پیدا کرده است که اجازه رفعت و ذکر در آنها داده شده و اگر کسی وارد این خانه‌ها شود، می‌تواند رشد کند و باب‌رشد و معرفت و سیر در مقامات در این خانه‌ها گشوده شده است؛ اجازه ذکر و رفعت فقط در این خانه‌هاست و هیچ کسی نمی‌تواند در جایی دیگر به مقام ذکر و نورانیت برسد. این نور مسیر سیر در عوالم نور است.

برداشته و مجرای هدایت شوند و بار هدایت دیگران را تحمل کرده و بسلاى هدایت دیگران را به دوش بکشند، از این‌رو آنها واسطه رحمت خداوند شده و وجودشان مجرای نور و هدایت است و واسطه عبور از عالم دنیا برای بندگان خدا هستند، آنان را از ظلمت و ضلالت به سمت توحید هدایت کنند؛ لذا بالای ایشان معبر ما و همه کائنات است. آیات ۳۵ تا ۳۸ سوره نور، جریان هدایت را توضیح می‌دهد و نوری که در آیه از آن یاد شده است، متمثل در وجود نبی اکرم است و انواری که در کائنات ظاهر می‌شود، عالم انس و جن و جمادات و نباتات و هر که به سمت خدا حرکت

امتحان خداوند متعال متناسب با ظروف انسان‌ها متغیر است. گاهی این امتحان عمومی است؛ مانند عهد بندگی که در آیه «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس/ ۶۰) به آن اشاره شده و انسان به دنیا آمده است تا به این عهد عمل کند، ولی انسان بسیاری از چیزها از جمله این عهد را فراموش کرده؛ البته آنانی که اهل راه هستند آرام آرام به وادی عهد می‌رسند و عهدهای‌شان به یادشان می‌آید. عهدی نیز مخصوص خاصان درگاه خداست که عهد اقامه بندگی در عالم است. وقتی این تکلیف عرضه می‌شده است، اینان عهد کرده‌اند که واسطه فیض شده و بار هدایت و شفاعت را

احترام خدا به سرپرست رسول خدا(ص)

به مناسب وفات **حضرت عبدالمطلب** مجاهد پاک سیرت در روز ۲۷ جمادی الاول

صادق(ع) روایت کرده است: «يَحْشُرُ عبدالمطلب يوم القيامة أمةً واحدة عليه سيماء الانبياء و هيبة الملوك؛ عبدالمطلب در روز قیامت یک امت محشور می‌گردد (یعنی در زمان خود تنها او بود که پیرو دین حق بود) و سیمای پیمبران و هیبت شاهان را داراست.» جناب عبدالمطلب علاقه شدیدی به پیامبر(ص) داشت و او را به خاطر ادب و کمال و استعداد وافرش دوست می‌داشت. این علاقه شدید پس از وفات حضرت آمنه، مادر رسول خدا(ص) با مرابت بیشتر در هم آمیخت. رسول خدا(ص) بیشتر از هشت سال سن داشت که دوباره یتیم شد. عبدالمطلب ایشان را به ابوطالب، عموی گرامی‌اش سپرد.

از ویژگی‌های اخلاقی عبدالمطلب پاکی و خلوص او بود. و دین ابراهیمی داشت و به مثابه امتی برای نشر اخلاق الهی کوشید. مردم مکه او را «ابراهیم ثانی» لقب دادند. چه آنکه در فضای آلوده مکه سمت هیچ آلودگی نرفت. در مجالس لهو و لعب اعراب شرکت نمی‌کرد و حتی از محله آنها نمی‌گذشت. تاریخ از ایشان به پاکیزگی، شجاعت، اخلاق و البته تدبیر یاد کرده است. هنگامی که عبدالمطلب رحلت کرد، مردم مکه مراسمی باشکوه برای او ترتیب دادند تا جایی‌که حاجیان از این رفتار مردم مکه متعجب شدند. اهالی مکه ایشان را با احترام به قبرستانی در نزدیکی منطقه حجون بردند و کنار جدش، قصی دفنش کردند. مرقد این مرد بزرگ تا چند سال اخیر محل زیارت و عبادت بود، اما وهابیان مقبره او را تخریب کردند و به کسی اجازه نمی‌دهند کنار قبر ایشان حضور پیدا کنند. خداوند او را بزرگ کرد و محترم شمرد و پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) برای نام و یاد ایشان احترام ویژه‌ای قائل بودند.

چاه زمزم در آن ریختند) و خمس آن را صدقه داد و خداوند عزّوجلّ هم فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» (انفال/ ۴۱)؛ بدانید که آنچه غنیمت به دست می‌آورید، یک پنجم از آن خداست. هنگامی که چاه زمزم را حفر کرد، آن را سقایة الحاج (آشامیدنی حاجیان) نامید و خداوند هم فرمود: «أَجْعَلْنَاهُ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمْثٍ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه/ ۱۹) آیا آشامیدنی حاجیان و کلید داری مسجد الحرام را برابر عمل کسی دانسته‌اید که به خداوند و روز قیامت ایمان آورده است؟ عبدالمطلب دیه‌قتل یک مرد را یکصد شتر قرار داد که خداوند همان را در اسلام جاری کرد. تعداد شوط‌های طواف در میان قریش نامشخص بود که عبدالمطلب آن را هفت شوط قرار داد و خداوند همین هفت دور طواف را در اسلام جاری کرد. (صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۴۵۵)

یعقوبی می‌نویسد: «او سنت‌هایی را پایه‌گذاری کرد که رسول خدا آنها را اجرا می‌کرد و آیات الهی در مورد آنها نازل شد و آنها عبارت بود از: وفای به نذر، تعیین صد شتر برای دیه، حرمت ازدواج با محارم، وارد نشدن به خانه از راه پشت بام، قطع دست سارق، نهی از قتل دختران، مباحله، تحریم خمر، تحریم زنا و اجرای حد بر آن، قرعه، منع طواف به صورت عریان، اکرام میهمان، پرداخت مخارج حجّ از اموال پاک و مشروع، تغذیه ماه‌های حرام و نفی ریاکاری و نفاق.» (تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۰)

خداوند به احترام عبدالمطلب و جایگاه و تلاش او برای دور کردن بدعت‌ها و ناپاکی‌ها از خانه کعبه و زحماتی که برای پیامبر(ص) کشید، این سنت‌ها را جزء دستورات اسلامی قرار داد و بر آنها مهر تأیید زد.

مرحوم کلینی در اصول کافی از امام امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «چند یهودی محضر رسول خدا(ص) رسیدند. این سؤال مطرح شد که خداوند برای چه این پنج نماز را در پنج وقت بر اُمت تو در ساعات شب و روز واجب کرده است؟ نبی‌اکرم(ص) فرمودند: هنگام زوال خورشید حلقه‌ای دارد که در آن داخل می‌شود و وقتی داخل آن شد زوال آفتاب حاصل می‌شود. در این هنگام هر موجودی زیر عرش تسبیح و تحمید پروردگارم را می‌گوید و آن ساعتی است که پروردگارم بر من درود و رحمت می‌فرستد. در همان ساعت خداوند بر من و امت من نماز را فرض و واجب کرده و فرموده است: «نماز را وقت زوال آفتاب تا اوّل تاریکی شب به پا دار» (اسراء/ ۷۸) و این همان ساعتی است که روز قیامت جهنم را در آن آماده می‌کنند و می‌آورند و هیچ مؤمنی نیست که در این ساعت سجود یا رکوع کرده یا در نماز ایستاده باشد مگر آنکه جسدش را بر آتش حرام کرده‌اند.

در دست گرفتند، از این جواهرات برای تحکیم قدرت خود استفاده کنند. تا مدت‌ها کسی نمی‌دانست چاه زمزم کجاست؛ اما جناب عبدالمطلب که کلیددار و خادام خانه خدا شده بود و با حسن تدبیرش در کوتاه‌ترین زمان میان مردم شبه جزیره صاحب نام گشته بود، در رؤیای صادقه جای چاه زمزم را دید، خاک آن را تخلیه و جواهرات را خارج کرد و آنها را خرج آبادانی کعبه نمود.

کاری دیگر که به عزت و شهرت عبدالمطلب افزود، رفتارش با ابره‌هه بود. هنگامی که لشکر ابره‌هه به مکه حمله کرد، عبدالمطلب نزد او رفت و گفت: شتران من به غارت رفته و نزد قوای توست، آنها را به من برگردان. ابره‌هه ناراحت شد و گفت: من فکر می‌کردم برای منصرف کردن ما از تخریب خانه کعبه آمدمی. عبدالمطلب گفت: من مالک شترهایم هستم و می‌خواهم که آنها برگردند و آن خانه نیز صاحب و مالکی دارد که اگر بخواهد، قادر است، وگرنه از ما کاری بر نمی‌آید. او دستور داد مردم مکه به کوه‌ها پناه ببرند. وقتی مکه خالی از جمعیت شد، تنها کنار کعبه آمد و با خدا مناجات کرد. هنگامی که لشکر ابره‌هه با پرندگان مأمور از بین رفتند و مردم نجات پیدا کردند، مردم بسیار به عبدالمطلب احترام گذاشتند و علاقه‌شان به ایشان بیشتر شد. شیخ صدوق در کتاب خصال از امام صادق(ع) نقل کرده است: «نبی‌اکرم(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: عبدالمطلب پنج سنت را در جاهلیت اجرا کرد که خداوند همان را در اسلام مقرر فرمود؛ او زن پدر را بر فرزندانش حرام کرد و خداوند هم فرمود: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء/ ۲۲)؛ با زن‌هایی که در نکاح پدران‌تان بوده‌اند، نکاح نکنید. او گنجی را یافت (شاید منظور همان اشیائی باشد که «جُرْهُم» از هدایای کعبه به هنگام پر کردن



جناب عبدالمطلب در کودکی به همراه پدرش، هاشم به شام رفت، اما در مسیر برگشت در یرث (مدینه) ماند. پدر او وفات یافت و عبدالمطلب در مدینه تنها گذران زندگی می‌کرد. مدتی گذشت تا عمویش مُطلب به مدینه آمد و او را مکه برگرداند. هنگامی که وارد مکه شد مردم خیال کردند این فرزند، غلام مُطلب است و اشتباه‌ا او را عبدالمطلب خطاب کردند، ولی پس از آن همین نام برای او ماند. قصی، جد چهارم پیامبر اکرم(ص) فرزندی داشت و برخی منابع گفته‌اند هاشم و عبدشمس «دوقلو» بودند؛ اول هاشم متولد شد سپس عبدشمس، در حالی که پاشنه پای یکی به پاشنه پای دیگری چسبیده بود، با تیغ آن دو را از هم جدا کردند؛ به همین دلیل شایع شد میان فرزندان این دو برادر چنان بریدگی باشد که میان هیچ‌کس نبوده است. شاید به سبب اختلاف عمیق بنی‌هاشم و بنی‌امیه این مطلب آمده باشد، زیرا صحت آن مشخص نیست.

زمانی که قبیله جُرْهُم منصّب‌دار مسجدالحرام و کعبه بودند، بدعت‌ها و فسادهای زیادی در مکه و زیارت خانه خدا ایجاد کردند. هنگامی که مردم علیه آنان شوریدند، این مسئولیت را قبیله خزاعه برعهده گرفت و چیزی نگذشت که قصی خادم و کلیددار کعبه شد. هنگامی که مردم علیه قبیله جرهم شورش کردند، فردی به نام «مضاض بن عمرو» دستور داد زیورآلات و جواهری را که در خانه کعبه بود درون چاه زمزم بریزند و آن را با خاک پر کنند تا اگر روزی دوباره قدرت را

لزوم غیرت سرپرست خانواده

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «بنده مؤمن، پیوسته به خانواده خود علم و ادب صالح می‌آموزد تا اینکه همه آنان را وارد بهشت می‌گرداند.» سرپرست خانواده وظیفه دارد مایحتاج مادی و معنوی همسر و فرزندان خود را تأمین کند.

اما مهم‌ترین مایحتاج خانواده ادب و عمل صالح است که سرپرست خانواده باید بهترین آن را در اختیار خانواده قرار دهد. سرپرست خانواده ضمن اینکه باید خود را از گناه دور کند، وظیفه دارد اعضای خانواده را نسبت به افعال ناپسند آگاه کند.

این مهم به لوازمی نیاز دارد که یکی از آنها را می‌توان «غیرت» دانست. به‌عبارتی، سرپرست خانواده با غیرت به خرج دادن خانواده خود را از آفتی که در بیرون خانه وجود دارد، حفظ می‌کند. برای ادب‌آموزی و هدایت خانواده هم باید امر به معروف کرد و هم باید نهی از منکر کرد.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «بنده مؤمن، پیوسته به خانواده خود علم و ادب صالح می‌آموزد تا اینکه همه آنان را وارد بهشت می‌گرداند.» سرپرست خانواده وظیفه دارد مایحتاج مادی و معنوی همسر و فرزندان خود را تأمین کند.

اما مهم‌ترین مایحتاج خانواده ادب و عمل صالح است که سرپرست خانواده باید بهترین آن را در اختیار خانواده قرار دهد. سرپرست خانواده ضمن اینکه باید خود را از گناه دور کند، وظیفه دارد اعضای خانواده را نسبت به افعال ناپسند آگاه کند.

این مهم به لوازمی نیاز دارد که یکی از آنها را می‌توان «غیرت» دانست. به‌عبارتی، سرپرست خانواده با غیرت به خرج دادن خانواده خود را از آفتی که در بیرون خانه وجود دارد، حفظ می‌کند. برای ادب‌آموزی و هدایت خانواده هم باید امر به معروف کرد و هم باید نهی از منکر کرد.

دین

شماره ۹۳۱ | دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸

صداقت

هدفی که بر زمین نمی‌ماند!

محمد عینی‌زاده‌موحد

دکترای تفسیر تطبیقی قرآن



هدف دین و نبوت، که همانا ساختن جامعه بر اساس قسط و عدالت به منظور ایجاد بستر تربیت و رشد همگانی انسان‌هاست، منحصر به دوران انبیاء نیست؛ بلکه هدفی است که تا حصول نتیجه نهایی استمرار دارد. از آیاتی که به این حقیقت اشاره دارد و از مبانی قرآنی دکترین انتظار است، آیه ۵۴ سوره مائده است که از آینده بشر و اسلام خبر می‌دهد که مردمانی با ویژگی‌های مطلوب منتظران به این هدف بلند الهی جامعه تحقق خواهند پوشید.

حضرت آیت‌الله‌المطعمی خانه‌ای در تفسیر این آیه، به این حقیقت اشاره کرده و قیام کسانی از مؤمنان را برای کشیدن بار مسئولیت تحقق اهداف دین، تأکید می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا!؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، «مَنْ يُزِدْكُمْ مِنْ دِينِهِ»؛ اگر شما از دین خود باز بگردید، اگر این بار مسئولیتی را که با ایمان به خدا پذیرفته بودید، از دوش‌تان روی زمین بگذارید و آن را به سرمنزل نرسانید، خیال نکنید که این بار به سرمنزل نخواه‌رسید؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ»؛ خدا مردمی را خواهد آورد که این بار را بر منزل برسانند.

ایشان این مردم را همان مردم و جامعه ایده‌آل اسلامی می‌دانند و ویژگی‌های چنین جامعه‌ای را از لحاظ پیوندها و رابطه‌های داخلی و خارجی این‌گونه برمی‌شمارد:

۱-يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ خدا آنها را دوست دارد، آنها هم خدا را دوست می‌دارند. این محبت به صرف اظهار زبانی نیست. لازمه این محبت، تبعیت از پیامبر است. (آل‌عمران/ ۳۱) پس اینها صد درصد تسلیم فرمان خداوند که مورد محبت او هستند

۲- أُولَئِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ در مقابل مؤمنان فروتن هستند، این نشانه کمال رابطه پیوند صمیمانه در مقابل مؤمنان است. در مقابل توده مسلمانی که متن جامعه اسلامی را انباشته‌اند، هیچ‌گونه نخوت و غروری و هیچ‌گونه توقع زیاده و داعیه‌پوچی در آنها وجود ندارد؛ یعنی وقتی در مقابل مردم قرار می‌گیرند، جزء مردم و بسا مردمند. در راه مردم و برای مردمند، خود را از میان مردم بیرون نمی‌کشند، در برج عاج پنهان نمی‌شوند که از دور مردم را ببینند و گاهی برای مردم دلسوزی هم بکنند! در مقابل مؤمنان! به خدا، خود را فروتن و کوچک می‌کنند.

۳- أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ در مقابل کافران و دشمنان دین و مخالفان قرآن تأثیر نپذیرند؛ یعنی سربلند، یعنی حصاری از فکر اسلامی دور خود پیچیده و کشیده‌اند که هیچ نفوذی از آنها نپذیرند. ۴-يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ در راه خدا جهاد و مجاهدت می‌کنند، بی‌امان و بدون قید و شرط.

۵-وَلَا يَخَافُونَ يَوْمَهُ لَاتِيْمَ؛ و از ملامت هیچ ملامت‌گیری هم نمی‌هراسند. ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ؛ این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد. وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، خدا گشوده‌دست و داناست.

به این ترتیب، آیه ارتداد به مسلمانان هشدار می‌دهد که تحقق اهداف دین که همان اهداف انبیاست، با رفتن پیامبر(ص)، معطل نخواهد ماند و این مسیر استمرار خواهد داشت.

پرونده

شماره ۹۳۱ | دوشنبه ۲۰ شهری ۱۳۹۸

مصابق

مکر روباه

بازنگاهی به مداخلات وخبات‌های انگلستان علیه ملت ایران

پیش درآمد

سفیر آشوب



پس از حضور بی‌لوثی سردم ایران در بلرقه‌شهیدقاسم سلیمانی که جهان را مهوت خود کرد، آمریکایی‌ها به شدت مرعوب شدند؛ از این رو ضدانقلابیان و غریب‌نایزها داشتند کار ویژه‌ای را که همیشه به عهده‌روپاویه بوده، برای تفرقه‌اندازی و شکست همگرایی ملی به کار برند.

حضور سفیر انگلیس در جمعی در خیابان حافظ که در آن شعارهای ساختارشکنانه شده می‌شد، منافی پروکل‌های دیپلماتیک است، سیدعباس عراقچی، مسان فوق‌امور خارجه کشورمان در این باره گفت: «وقتی پلیس به این اعلام کرد فردی دستگیر شده که ادعا می‌کند سفیر انگلستان است، گفته غیر ممکن است! فقط پس از مکالمه تلفنی با او، با تعجب او را شناسایی کردم».

اما بسا توجه به روحیات گستاخانه و طبلکارانه غریب‌ها، طبیعی بود انگلیس‌زیر بار این طراخی ماجراجویانه‌نورد، به همین دلیل سفیر انگلیس پس از آزادی در توتنی توضع حضور در مراسم بزرگداشت قربانیان سقوط هواپیمای اوکراینی را توضیح داد. سفیر آشوب در توجه عمل دیپلماتر خویش نوشت: تأکید می‌کنم من در هیچ تظاهراتی شرکت نکردم من به مراسم یادبود افرادی که در ساحة ناگوار سقوط هواپیمای PS۷۵ بودند رفتم. سفیر انگلیس به کشته‌شدگان ادای احترام کنم، تعدادی از آنها بریتانیایی بودند».

در نهایت می‌توان گفت که به هیچ وجه این رفتار از تکالیف و وظایف یک کشور دیپلماتیک به عنوان سفیر در یک کشور خارجی نیست. اگر چنین رفتاری از سوی یک سفیر در کشورهای دیگر صورت بگیرد، ممکن است با این واکنش نرم همراه نباشد و حتی این اقدام دخالت کشور خارجی در امور داخلی کشور دیگر تلقی می‌شود و احتمال دارد به بازداشت‌های طولانی و حتی اخراج سیاسی بینجامد.

کار مکیار بسه جز حضور در جمعی غیر قانونی، اقدامی پنهان‌کارانه بود، او در جریان حضور در ایمن تجمع، وقتی مورد سؤال قرار می‌گیرد ابتدا می‌گوید که در با زبان انگلیسی خود را گردشگر معرفی کرده و هویت اصلی خود را به عنوان سفیر و دیپلمات خارجی مخفی کند؛ اما با جدیت مأموران انتظامی ناچار می‌شوند با زبان فارسی هویت خود را اعلام کند.

این رفتار مخفیانه خلاف قاعده است؛ چون تحرکات مقامات دیپلماتیک در یک کشور خارجی باید شفاف و روشن و با اطلاع وزارت خارجه باشد.

به عبارت دیگر، حتی می‌توان رفتار مخفیانه او را به جاسوسی تعبیر و تفسیر کرد.

سیاهه جنایات

محسن یزدانی

کارشناس تاریخ

وقتی شاه عباس اول برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از آب‌های جنوبی ایران دست‌نیز به سوی انگلیسی‌ها دراز کرد و طی یک اتحاد استراتژیک تاونسند با استفاده از قوای بحریه انگلستان، بر قوای پرتغال غلبه کرده و آب‌های جنوبی ایران را از لوث استعمار پرتغال تطهیر کرد، هرگز تصور نمی‌کرد در سده‌های بعد کشورش باید مراقب چنگال‌های تیز و طماع قدرت تازه از راه رسیده استعمار انگلستان باشد.

ایران پس از صفویه و طی دوران نسبتاً طولانی مدت قاجار و ۵۳ ساله خاندان پهلوی صحنه‌های متعددی را به یاد می‌آورد که تحت سیاست‌های استعماری و استعماری دولت انگلستان در خاورمیانه تا چه اندازه منافع و مصالح ملی و مملکتی‌اش بر یاد رفته است. این ذبح شدن منافع و مصالح از سوی انگلستان با دلیل بی‌کفایتی سردمداران ایرانی بوده که با اعتماد بی‌جا به حرف و عمل انگلیسی‌ها سبب برپا رفتن ثروت و عزت کشور شدند یا بر آمده از مکر سرشراز رجال انگلیسی در تعامل با هم‌امردان ایرانی خود بوده است یا جمع هر دو عامل.

اگرچه تلاش انگلستان برای رسیدن به منافع خود در دوره قاجار و پهلوی از سوی سیاستمداران و سرودمداران حکومتی با سازش همراه بود، اما نباید جنبش‌های مردمی که بر صحنه تاریخ زده شد تا ناپدید گرفت؛ خون‌هایی که ریخته شد، کلام‌هایی که گفته شد و قلم‌هایی که بر صحنه تاریخ زده شد تا سرنوشت انگلستان بعد از پیروزی انقلاب همان باشد که ملک‌الشعرا یهرا سروده است:

«انگلیسا در جهان بیچاره و رسوا شوی / آس‌آس‌آس‌آس گردی و ز اروپا با شوی»

هر چند عتق واجعه در کشوردار شیاهن جاجاربه و پهلوی به قدری بود که رشادتهای مردمی و فتاوی‌ای علما بر ای مقاومت در سلطه بیگانه کتاف جلوگیری از عموم خدعه‌های انگلیسی‌ها را نمی‌داد. درباره قراردادهای اقتصادی و تحمیلی انگلستان بر ایران نظیر قراردادهای دارسی، تالبوت و ۱۹۱۹ بسیار گفته شده است. در ادامه تلاش می‌کنیم به نقش آفرینی دولت انگلستان در تجربه ایران و جداسازی بخش‌های گوناگون خاک ایران سخن بگوییم.

ترسیم جغرافیای استعماری

زمانی که انگلستان و روسیه بازی بزرگ خود را برای تسلط بر آسیای میانه آغاز کردند، هر روز نقشه‌های تازه‌ای برای مدنیایی به منافع‌شان ترسیم می‌کردند. در این نقشه‌های سیاسی، نخستین تغییراتی که ایجاد کردند ترسیم نقشه جغرافیایی جدیدی بود که هر یک به دنبال سرزمین‌های بیشتری بودند. با قدرت گیری ناپلئون در فرانسه، او هم وارد این بازی بزرگ شد و معادلات این دو قدرت را در مناطقی دستخوش تغییر کرد. وجب به وجب خاکی که به واسطه این منفعت‌طلبی‌ها از ایران جدا می‌شد، دافی بود که به دلیل ایران‌پس‌ها گذاشت.

- معاهده پاریس و جدایی افغانستان از ایران**

نخستین رویروایی نظامی انگلیس و ایران در مسئله هرات و قندهار رخ داد. طی سال‌های پایانی سلطنت فتحعلی‌شاه اوام پادشاهی محمدشاه هرات از دربار ایران ناظرانی می‌کرد و در پرداخت مالیات سر باز می‌زد. با وجود کارشکنی‌های انگلیس برای جلوگیری از لشکرکشی شاهان قاجار به هرات، محمدشاه در سال ۱۸۳۷ در هرات لشکر کشید. انگلیس که امیدی به مقاومت «کامران‌میرزا» حاکم وقت هرات نداشت، شمای سرسبز را به پایری او فرستاد و نخستین رویروایی نیروی نظامی ایران و انگلستان رخ داد. پی‌روزی‌های غریب‌ها، کامران‌میرزا را به پذیرش فرمان شاه ترغیب کرد، اما این مسئله خوشایند انگلیس نبود و این کشور پنج کشتی به آب‌های ایران در شاخه پارس فرستاد و نیروهای جنگی خود را در جزیره خارک پیاده کرد. روس‌ها که در زمان حمله ایران به هرات از ایران حمایت کردند در این زمان خود را کنار کشیدند و دست انگلیس را باز گذاشتند. محمدشاه نیز مجبور شد از هرات دست بکشد و به‌تهرآن بازگردد. کامران‌میرزا او شرکت حرق شرفی پیمان‌هایی امضا کردند و هرات همچنان در ناظرمانی باقی ماند؛ اما پس از مرگ کامران‌میرزا، ابراممخدخان به نام محمدشاه، سکه زد. در دوره ناصری هم اگرچه کشمکش‌هایی در میان بود، اما نهایت حاکم هرات به نام ناصرالدین‌شاه سکه زد و این موجب اعلان جنگ از سوی انگلیس شد. ناصرالدین‌شاه مجبور شد امین‌العلین کاشی را برای گفت‌وگو و مینایی گیری به پاریس فرستد. در این میان، انگلیسی‌ها در سال ۱۸۵۷ در محمره (خرمشهر) پیاده شدند و باآنکه سپاه خوزستان در مقابل آنها ایستادگی کرد، اما بر خرمشهر و اهواز دست یافتند. روس‌ها نیز، توضع خود در پاریس فرستاد. ناصرالدین‌شاه در آن خواستد، انگلیس ابتدا کشد؛ به این شکل شد و پیمان پاریس در همین سال منعقد شد و به‌موجب آن هرات که دربرگیرنده بخش مهمی از افغانستان از ایران جدا شد.

- انفصال مناطق از سیستان**

با آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه و توجه دولت مرکزی به بلوچستان، سرداران و حاکمان نواحی مختلف این ناحیه دوطلبانه اطاعت خود را از دولت مرکزی اعلام کردند. زیر امریکیر صدر اعظم ایران به دلیل آگاهی از سیاست انگلستان در آن زمان اهمیت ویژه‌ای به بلوچستان می‌داد. دولت انگلیس که با شناسایی سرزمین‌های اطراف هندوستان به دنبال یک کمربند حاصل میاب هند و دیگر سرزمین‌ها بود، بلوچستان را هدف قرار داد. در سال ۱۸۵۳، به‌منظور جلوگیری از گسترش نفوذ بیشتر ایران در بلوچستان، مأمورانی از سنده به بلوچستان اعزام کرد. دولت انگلیس در این سال‌ها سعی می‌کرد با ایجاد جوبدینی در میان مردمان بلوچ، آنها را به شورش علیه دولت مرکزی وادارد. انگلستان در صدد بود بلوچستان را همچون افغانستان به صورت کشوری مستقل قرار آورد. در آن هنگام خان کلات قسمت‌های شرقی بلوچستان را تحت اداره خود داشت. ناصرالدین‌شاه که به واسطه تحریکات انگلستان هر اس جدایی کامل بلوچستان از ایران را داشت، حاضر شد مرزهای شرقی ایران را تعیین کند و سرانجام بخش عمده‌ای از ناحیه ماشکیه و از آن مهم‌تر ناحیه برجه‌رو و شهر آن و نقاط استراتژیک این منطقه از ایران جدا شد.

- جدا کردن بحرین از ایران**

مجمه الجزایر بحرین که متشکل از ۳۳ جزیره است، پیش از اسلام جزء امپراتوری ایران محسوب می‌شد. اما آل‌خلیفه زیر چتر حمایت انگلستان توانست بر بحرین مسلط شود؛ ولی در طول این سال‌ها همواره ایران بحرین را بخشی از خاک اصلی خود می‌دانست. انگلیس در سال ۱۹۲۳ با خلع «شیخ عیسی‌بن علی آل‌خلیفه» به اتهام تمایل نسبت به حکومت ایران، دربار کردن یک نمایندگی سیاسی در بحرین و انتصاب سر «چارلز بلگریو» به‌عنوان مشاور امیر جدید بحرین سلطه خود را تداوم بخشید. انگلیسی‌ها هنگامی که پهلوی اول خواهان حاکمیت ایران در بحرین شد، در صدد بازآمندن ساختار جمعیتی و مذهبی را در این شیخ‌نشین کوچک برهم زده و با مهاجرت دادن اعراب سنی به این سرزمین به اهداف خود جاده عمل پیوشتند. سال ۱۹۶۷ نیروهای انگلیسی در پی جنگ‌های داخلی یمن از بندر استراتژیک یمن خارج شدند و نیزوهای خود را در بحرین مستقر کردند و مجمع الجزایر بحرین به منزله پایگاه تازه و اصلی بریتانیا در منطقه مطرح شد.

آن‌گاه که دولت کارگری انگلیس اعلام کرد نیروهای خود را تا سال ۱۹۷۱ از منطقه خلیج‌فارس خارج خواهد کرد، دولت وقت ایران از این تصمیم انگلستان استقبال کرد و بلافاصله خواهان اعاده حاکمیت خود بر بحرین شد. همین مسئله سبب شد انگلیسی‌ها طری جدیدی یمنی بر شکل‌گیری فدراسیون متشکل از ۹ شیخ‌نشین (بحرین، قطر، عمان، فجیره، رأس الخیمه، دبئ، شارجه، الملقوین، ابوظبی) را ارا نه کنند که شیخ بحرین از آن استقبال کرد؛ زیرا ادعاهای ایران را یک مشکل امنیتی برای این شیخ‌نشین قلمداد می‌کرد و تشکیل فدراسیون شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج‌فارس می‌توانست این مشکل را از حدود شایان توجهی حل کند. پس از چندین ماه مذاکرات مرمرانه ایران در ۹ مارس ۱۹۷۰ (سپتفند ۱۳۴۹) با درخواست از دبیرکل سازمان ملل برای اعمال مساعی جمیله به‌منظور تشخیص خواست واقعی مردم بحرین پیش‌قدم شد و در نهایت در یک نظرسنجی از مردم بحرین، این منطقه با تأش‌های انگلستان از ایران جدا شد.



زمینه جدایی هرات را فراهم کنند. از آنجایی که هرات و قندهار بخشی از سرزمین ایران بودند، موجب تحریک حاکمان هرات شدند تا علیه دولت مرکزی ایران شورش کنند که منجر به جدایی هرات از ایران شد. علاوه بر اینها، «سر جان کمبل» بسیار بد رفتار بوده و رجال و دولتمردان ایرانی را تحقیر می‌کرده و به قدری رفتار زننده داشته است که بارها محمدشاه قاجار از او شکایت کرده بود. ۸۸ برمی‌گردد که دبیر سوم سفارت انگلیس یمن معترضان آمد. اگر چه رفتارهای به مراتب بدتری از سفرای انگلیس در تاریخ کشورمان سراغ داریم؛ اما این سفیر نگون‌بخت فعلی با کم نپهخت و مردم انقلابی و هوشیار مواجه شده است که متأسفانه این هوشیاری و ظرفیت را در دوره قاجار یمن مسئولان خود نمی‌دیدیم تا با این افراد برخورد قاطع داشته باشند. در دوره پهلوی که به واسطه این منفعت‌طلبی‌ها از ایران جدا می‌شد، دافی بود که

از آن سوی حاکمیت پهلوی نسبت به انگلیسی‌ها وجود داشت. «جیمز موریه» فرستاده انگلستان به ایران در دوره فتععلی‌شاه بود. وی جز توطئه در این کاری نکرد و در دوره کتاب خاطرات خود معروف به «سرگذاشت حاجی‌بابای اصفهانی» است، هر چونهی که می‌توانست به مردم ایران کرد تا جایی که از روی آن علیه مردم ایران فیلم ساختند. از سوی دیگر، اولین سفیر رسمی انگلیس به ایران به نام «سر گروگ اوولی» در دوره فتععلی‌شاه به ایران آمد. وی طراح قرارداد «انگلستان» بود و مسئولان ایرانی را فریب‌داد که آتش‌ش را به‌پذیرند و به پای مذاکره بروند. اوولی وعده داد من در مذاکرات از ایران حمایت می‌کنم؛ اما نه تنها خود را کنار کشیدند و دست انگلیس را باز گذاشتند. حمایت نکرد، بلکه به نفع روس‌ها و علیه ایران جاسوسی کرد. همچنین پای قرارداد گلستان را که قفقاز را از ایران جدا کرد، امضا کرد. علاوه بر آن، این شخص شبکه نفوذ انگلستان در ایران را تأسیس کرد و اعتراف می‌کند من اغلب اطرافیان فتععلی‌شاه وادار جرگه فراماسونی کردم که این شبکه نفوذبعدها لطعات جدی به استقلال ایران زد و سبب از دست رفتن بخش‌های مهمی از سرزمین ما شد. انگلیسی‌ها سفیر دیگری به نام «سررام کمبل» داشتند و فرانسوی‌ها که وودیدبعدها را مسود خود نمی‌دانستند؛ به این شکل شد و قفقاز از ایران پد. آقای «کمبل» و بعد از آن «سر جان مکینل» تلاش کردند عمق نفوذ راهبردی ایران را در افغانستان و در نزدیکی مرزهای هندوستان از بین برند و

دکتر موسی حقانی در گفت‌وگو با صبح صادق

نتیجه ۲۳۰ سال روابط ایران و انگلستان را تبیین کرد

خسارت محض

پس از مشخص شدن علت سقوط هواپیمای اوکراینی و به شهادت رسیدن جمعی از هموطنانمان، چند روزپیش عده‌ای مقابل دانشگاه امیرکبیر تجمع کردند که با سو استفاده عناصر فرصت‌طلب تجمع به سمت آشوب و اغتشاش رفت. در این بین، سفیر انگلیس با حضور نامحسوس خود این تجمع را به نفع خود و دشمنان ملت ایران هدایت می‌کرد که عوامل نیروی انتظامی وی را دستگیر کردند و با دلیل رفتار غیر متعارف و حضور در تجمعات غیر قانونی اس‌وسی دستیار وزیر امور خارجه و مدیر کل اروپا به وزارت امور خارجه، فرخوانده شد و مراتب اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران به سفیر و دولت انگلیس ابلاغ شد. برای مشخص شدن سابقه دخالت سفرای انگلیسی در امور داخلی کشوربا «دکتر موسی حقانی» رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

پس از مشخص شدن علت سقوط هواپیمای اوکراینی و به شهادت رسیدن جمعی از هموطنانمان، چند روزپیش عده‌ای مقابل دانشگاه امیرکبیر تجمع کردند که با سو استفاده عناصر فرصت‌طلب تجمع به سمت آشوب و اغتشاش رفت. در این بین، سفیر انگلیس با حضور نامحسوس خود این تجمع را به نفع خود و دشمنان ملت ایران هدایت می‌کرد که عوامل نیروی انتظامی وی را دستگیر کردند و با دلیل رفتار غیر متعارف و حضور در تجمعات غیر قانونی اس‌وسی دستیار وزیر امور خارجه و مدیر کل اروپا به وزارت امور خارجه، فرخوانده شد و مراتب اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران به سفیر و دولت انگلیس ابلاغ شد. برای مشخص شدن سابقه دخالت سفرای انگلیسی در امور داخلی کشوربا «دکتر موسی حقانی» رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

سال ۱۳۳۱ که روابط ایران و انگلیس قطع شد، در ایران قندهار بخشی از سرزمین ایران بودند، موجب تحریک آخرین سفیر انگلیس‌ها قبل از انقلاب «آنتونی پارسونز» بود که ابوج زذالت و کینه خود نسبت به مردم من در ایران در غالب این توصیه‌نشان می‌دهد که می‌گویم من به همه سرمایه‌گذاران انگلیسی توصیه کرد‌هم هیچ‌گاه در ایران سرمایه‌گذاری نکنید. وی مخالف پیشرفت ایران بود، در حالی که درخواست کردند این سفیر گستاخ را عوض کنند. جانشین او «سرجان مکینل» بود که به طور رسمی در ایران جاسوسی می‌کرد و همه اخبار ایران را دیگری و محمدشاه قاجار با هرات را از منابع ایرانی اخذ می‌کرد و به نیروهای انگلیسی در هرات می‌داد و می‌توان گفت در قطع رابطه ایران و انگلستان بهانه‌جویی‌ها و زورگویی‌های این فرد علت اصلی بود. همچنین عامل حمله انگلیسی‌ها به خارک و بوشهر «سر جان مکینل» بود که سبب قرارداد صلح یمن ایران و انگلیس شد. در این قرارداد سر جان تا جایی که می‌توانست دولتمردان ایرانی را تحقیر و شرایط سختی به ایران تحمیل کرد.

انگلیسی‌ها در سال ۱۹۰۷ سفیر دیگری به نام «اسپرینگ رایس» دارند که در جریان عقد قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به قسمت‌تقسیم می‌کرد. در این تقسیم‌بندی دو قسمت اصلی ایران به روس و انگلیس تعلق پیدا می‌کرد و یک قسمت میانی. که بسیار کم وسعت بود و دولت و مردم ایران تعلق نمی‌یافت. آنها یک سفیر شوم‌دیگری دارند که در ماجرای قس‌اراد ۱۹۱۵ بود که ایران را بین روس و

انگلیس تقسیم می‌کرد و قرار بود بعد از پایان جنگ جهانی اول، ایرانی وجود نداشته باشد و همین سفرای به اصطلاح مرزومزد ایرانی انگلستان در این پروژه‌ها دست داشتند. سفیر دیگر به نام «سرپرسی کاکس» بود که در قرارداد ۱۹۱۹ ایران را مستعمر انگلستان می‌کرد. این فرد بسیار فعال بود و در ماجرای ایران و در طرح خاورمیانه جدید که بعد از فروپاشی عثمانی رخ داد، همچنین در مستعمره کردن عراق مؤثر بود. سفیر دیگری به نام «سرپرسی لورن» بود. وی از همان ابتدا که رضاشاه در ایران تیرودا کرد، تشکیل دولت وابسته در ایران را مدیریت می‌کرد. سفیر دیگری به نام «سر فرانسیس شیرد» بود که در این شین صنعت نفت در ایران بسیار توطئه کرد و از سال ۱۳۲۹



بابی ساندرز یا چرچیل



روزنامه نگار

نه عجیب است، نه تازه، بلکه ساهاست که تکرار می‌شود، تنها تفاوت این است که هر از چندی نوع دخالت‌های انگلیس در امور داخلی کشورمان تغییر می‌کند. زمانی ایران را تجزیه می‌کرد و هر بخش از ایران را به خانی یا ملاکی می‌بخشید، یا میرزا کوچک‌ها را درو می‌کرد و رضا قلدرها را می‌کاشت، یا افغانان نوری را به جان ملت می‌انداخت و مدسیه ژنور امیرکبیر را می‌چید تا در درون ایران را به تاراج ب‌رند و تقدیم دربار باکینگهام کنند؛ اما از همه اینها مهم‌تر تلاش برای نابودی دین در ایران است که ظالمان زمین بر عهده سیاست استعماری انگلیس نباده‌اند. بعد از انقلاب اسلامی خیابانی که چرچیل نامیده شده بود به بابی‌بابیان تغییر نام یافت. بلافاصله انگلیس در اصلی سفارتش را که در آن خیابان باز می‌شد، بست و دری را که از خیابانی دیگر به سفارت راه دارد محل اصلی ورودی خروج قرار داد. اما چرا؟ مسئله این است که چرچیل خون آشامی بود سنگتر و در پی حمی فتاوتی با هیتلر و استالین نداشت و بابی ساندز مبارز را از آذی بود که به دست پلیس انگلیس کشته شده است. با این رویات می‌توان به عمق اختلاف ماهوی میان ایران اسلامی با استکبار انگلیسی پی برد.

- انگلیس همیشه هست حتی بدون سفارت**

روابط دول کشور در ۴۰ سال گذشته حرکتی رفت و برگشتی از بستن سفارتخانه‌ها تا بازگشایی مجدد او طی کرده است. اولین اقدام لندن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعطیل کردن سفارتش در همراهی با آمریکا بود. اقدام دوم انگلیس کمک به گروهی عراقی بود که با همراهی دولت انگلیس سفارت کشورمان در لندن را شش روز اشغال کردند و دو ایرانی را نیز کشتند. انگلیس در سال ۱۹۸۷ برای یک‌سوم سفرات خود را در تهران تعطیل کرد و چند ماه بعد دوباره آن را در نوامبر ۱۹۸۸ گشود و اندکی بعد به بهانه اعتراض به عدم اعدام مسلمان شدنی مرتد مجدداً آن را تعطیل کرد. باز در سپتامبر ۱۹۹۰ سفارتش را گشود. در آوریل ۱۹۹۴ لندن کارکنان سفارتش را از تهران فراخواند تا به رسمیت شناختن مبارزان ایرلندی را محکوم کرده باشد. ظاهراً لندن همچنان حقوق بشر را ایرلندی‌ها را قبول ندارد. با روی کار آمدن دولت اصلاحات انگلیس سرس را با نشناخت و در سال ۱۹۹۷ اقدام به عادی‌سازی روابط با تهران کرد. آخرین بسته شلشن سفارتخانه‌های دو کشور به پاییز سال ۲۰۱۱ باز می‌گردد. این رفتار دولت انگلیس در چهار ده گذشته همواره تکرار شده است و از نکته‌ای بسیار مهم حکایت دارد. انگلیس برای پیگیری مداخلاتش در ایران نیاز چندانی به سفارتخانه‌اش ندارد، بلکه هستند. همین یک منبع کافی برای دولت انگلیس‌با سابقه مخوف استعمار جهانی پیش از گذشته خدمت کنند. انگلیس به دلیل منافع‌ای که در ایران دارد هرگز روابط خود را قطع نکرده است و همیشه در تاروپود کشورمان زنده دارد؛ در این مفهوم یک بار از دهان وزیر خارجه انگلیس هم خارج شد. ویلیام هیک، وزیر خارجه بریتانیا در نوامبر ۲۰۱۱ ضمن دستور تعطیلی فوری سفارت ایران در لندن و خارج کردن، وزیر کارکنانش از تهران گفت: «تعطیلی سفارتخانه به معنای قطع کامل روابط دو کشور نیست؛ نکته‌ای که وجود دارد این است که انگلیس با این اقدام هیچ سابقه‌ای ندارد، بلکه هستند. در حقیقت، مسا از سفرهای جزس خیانت، جاسوسی و تلاش برای ممانعت از پیشرفت و توسعه ایران و اختلاف‌افکنی در کشور هیچ سابقه‌ای نداریم. سفارت انگلستان کانون توطئه‌گری است. در اتفاقات آبان ماه ۱۳۸۸ نیز همین سفیر فعلی که در تجمعات مقابل دانشگاه

امیرکبیر دستگیر شدند، برای ایجاد هماهنگی، کل‌های امنیتی را به قسمت‌تقسیم می‌کرد. در این تقسیم‌بندی دو قسمت اصلی ایران به روس و انگلیس تعلق پیدا می‌کرد و یک قسمت میانی. که بسیار کم وسعت بود و دولت و مردم ایران تعلق نمی‌یافت. آنها یک سفیر شوم‌دیگری دارند که در ماجرای قس‌اراد ۱۹۱۵ بود که ایران را بین روس و

انگلیس تقسیم می‌کرد و قرار بود بعد از پایان جنگ جهانی اول، ایرانی وجود نداشته باشد و همین سفرای به اصطلاح مرزومزد ایرانی انگلستان در این پروژه‌ها دست داشتند. سفیر دیگر به نام «سرپرسی کاکس» بود که در قرارداد ۱۹۱۹ ایران را مستعمر انگلستان می‌کرد. این فرد بسیار فعال بود و در ماجرای ایران و در طرح خاورمیانه جدید که بعد از فروپاشی عثمانی رخ داد، همچنین در مستعمره کردن عراق مؤثر بود. سفیر دیگری به نام «سرپرسی لورن» بود. وی از همان ابتدا که رضاشاه در ایران تیرودا کرد، تشکیل دولت وابسته در ایران را مدیریت می‌کرد. سفیر دیگری به نام «سر فرانسیس شیرد» بود که در این شین صنعت نفت در ایران بسیار توطئه کرد و از سال ۱۳۲۹

- فلاش‌بک آشوب‌سازی**

دخالت کارکنان سفارت انگلیس در امور داخلی ایران و تلاش مستقیم برای ایجاد آشوب و تحریک مردم در تهران سابقه‌ای طولانی در حد روابط دو کشور دارد؛ برای نمونه در اغتشاش‌های سال ۱۳۸۸ «ن تن از کارکنان ایرانی سفارت بریتانیا در تهران به اتهام دست‌داشتن در شورش‌های پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری ایران بازداشت شدند». «سال بعد، در دی ماه ۱۳۹۸ سفیر دولت فخیمه انگلیس آشکارا در آشوب مقابل دانشگاه امیرکبیر شرکت کرد و علاوه بر تحریک مردم به آشوب، از توهین به تصویر سردار سلیمانی لیلی‌برداری کرد. این حرکت سفیر در کنار حمایت تمام‌درد جانسون، نخست‌وزیر انگلیس از تئور باخغه‌های ایران و ابراز خشنودی از شلشن خبر حذف شدن وی یک پازل کامل را روایت می‌کند. اینجاست که می‌توان به نکته‌ای دیگر پی برد؛ تصاویری که شبکه انگلیسی سعودی اینترنشنال از آشوب‌های یزنی سپس از تارآمی هفته اخیر مقابل دانشگاه امیرکبیر منتشر کرده، در همکاری سفارت انگلیس تهیه شده بود.

- سعودی اینترنشنال ضد ایران در انگلیس**

تلاش انگلیس برای درهم کوبیدن فرهنگ اسلامی تنها به ایجاد وهایت و بهاییت در دهه‌ها سال گذشته محدود نمی‌شود؛ فرقه تیریزیز‌ها که در یک قدم بعد شبکه ماهواره‌ای با حمایت انگلیس تأسیس کرده‌اند یکی از مواردی است که برای دشمنین کردن جبهان اسلام با ایرانیان شیعه ایجاد کرده است. شبکه‌هایی که تنها کارکردشان توهین به مقدسات اسلام هست است. انگلیسی بودن آنها زمانی بیشتر مشخص شد که در سال ۲۰۱۹ به سفارت ایران در لندن حمله و برای چند ساعت آن را اشغال کردند. نفوذ فرهنگ به اینجا هم ختم نمی‌شود و پیوندی میان انگلیس و دست‌ساخته‌هایش در رژیم‌های صهیونیستی و سعودی نیز وجود دارد؛ شبکه فارسی‌زبان سعودی اینترنشنال در لندن، همکاری میان انگلیس و تأمین مالی وهایت سعودی است. شبکه فارسی‌زبان جم‌تی‌وی نیز بخش دیگری از همکاری میان صهیونیست‌ها با انگلیس است. بازگرایی که با همکاری دولت لندن از ایران می‌ودند به صورت هماهنگ‌شدن در این دو شبکه وهایت می‌شد. بخش مهمی از دخالت‌های انگلیس در ایران به نفوذ در خانواده برخی روزنویان شیعه بازمی‌گردد که به راستی این بخش به مراتب از سفارتخانه و سفیر یا حتی شبکه‌های ماهواره‌ای آنها خطرناک‌تر است. وقت کنیم در گذشته شاهد شخصی مانند سیدضیا باطیایی بودیم که پدرش روحانی مشهوری بود. حال تصور کنید در آن زمان که حکومت اسلامی نود سیدضیا چقدر به اسلام خیانت کرد. در شرایط اخیر اشخاصی مانند سیدضیا و فرزندان مستولانی در انگلیس با آمریکا تحصیل با زندگی کرده می‌کنند، چقدر می‌توانند اسباب‌ضربه به ایران و جمهوری اسلامی شوند. برای جلوگیری از نفوذ انگلیس بسنن و باز نکردن در سفارت مانند یک بازی است. باید با آن‌ان که دل در گرو انگلیس بکشد، به سختی مقابله کرد. آنها را نمی‌توان به راحتی اخراج کرد، بلکه باید دست‌شان را از جمهوری اسلامی بُرید. روشنگری ملی برای این مهم لازم است.

دیگر کار

کار انگلیسی‌ها نیست!



کارشناس بین‌الملل

از زمانی که دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران بیرون آمده است، این بحث در میان کارشناسان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به وجود آمده است که چطور می‌توان توافقی بین‌المللی به دست آورد بدون آنکه با تغییر سیاست‌های یک دولت یا تغییر رؤسای‌جمهور، این توافق ضربه بخورد و یادچاپر شود؟

عقب‌نشینی دولت ترامپ از توافقی که مسرده اجماع جامعه جهانی بود و به دست انگشت تحریم‌ه علیه ایران، نشان داد حتی اگر توافقی کاملاً مورد اجماع جامعه جهانی بوده و در سازمان ملل نیز به تصویب رسیده باشد، چنانچه‌گرایی دولت آمریکا می‌تواند توافقی را از بین ببرد. این مسئله البته این روزها تنها به آمریکا خلاصه نمی‌شود. با رآی آوردن بوریس جانسون در انتخابات پارلمانی انگلستان و افزایش احتمال خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، نشان داده شد بی‌ثباتی در سیاست‌های رها و فشارهای سیاسی آنها می‌تواند مستقیماً بر توافقی‌های بین‌المللی نیز تأثیر بگذارد.

توافق جانسون اخیراً اعلام کرده است، توافق ایران با ترامپ بر سر مسائل هسته‌ای باید با توافق برجام یا توافق اواما جایگزین شود. همین یک منبع گشتان می‌دهد. انگلیس بریتانیا از اتحادیه اروپا حداقل برای ایران به معنای نزدیک‌شان بیش از پیش به آمریکا موافقت تمام کرده است. گزارش اخیر روزنامه واشنگتن پست درباره پیام تهدیدآمیز ترامپ به اروپایی‌ها حاضر در برجام نیز نشان می‌دهد هویت مستقل سه کشور اروپایی در مقابل آمریکا چیزی شبیه اسانه‌می‌ماند.

خبر دیگری که می‌تواند گمانه فشار آمریکا بر کشورهای اروپایی برای خروج از برجام را تقویت کند، صحبت‌های ریچارد گلدریک، عضو سابق شورای امنیت ملی کاخ سفید است که بیان کرده بود انگلیس نیز تجارت آزاد با آمریکا را به خطر می‌اندازد، مگر اگرکه از برجام خارج شود. وی مطرح کرده بود این پرسش پیش‌روی بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس این قرار داد که آیا می‌خواهد تجارت آزاد با آمریکا را حفظ کند یا نه؛ در حالی که تمرکزت نزدیک می‌شود و حاکمان بزرگ‌یتی شما واقعاً با توافق هسته‌ای موافق نیستند و خواستار خروج شما از این توافق هستند، وقتی به واشنگتن می‌آید تا درباره توافق تجارت آزاد با آمریکا مذاکره کنید، چه خواهید کرد؟ گلدریک در پاسخ به این سؤال بیان کرده برود قطعه به نفع جانسون و مردم انگلیس است که دونالد ترامپ و آمریکا ملحق شوند تا سیاست خارجی‌شان را از روسکل دور کنند و به واقعیت‌ها و توافق‌های پیوندند تا هم‌همان در امان باشیم.

بوریس جانسون که بسا حمایت از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و چهی از ناسیونالیسم انگلیسی را به نمایش گذاشته بود، به مرور ناگزیر است این واقعیت را برای مردم بریتانیا بازگو کند که آنها در سال‌های آینده راهی جز تبعیت حداکثری از آمریکای ترامپ ندارند. روزگاری انگلیس‌ها مدعی بودند خورشید در ساحت‌های غروب نمی‌کند؛ این اصطلاح در واقع نمادی برای تهاخر اتکولم‌کسون‌ها و نفوذ و نفوذ کشنگایی‌هایشان بود. زمانه آن تغییر کرده است؛ مستعمرات بریتانیا تحلیل رفته‌اند و انگلیس‌ها با نفوذ و نفوذ اخیر تلاش کرده‌اند مبنای استقلال خود را در ساحت و سیاست‌هایشان تحلیل از دست و دست تصمیم‌سازی‌های ایالات متحده آمریکا شده است.

دوران جانسون و ترامپ نیز می‌گذرد، اما آنچه بر جا می‌ماند مخدوش شدن استقلال بریتانیاست که به دست آمریکا، انگلستان انگلیس به عنوان یک کشور مستقل و اثرگذار در دنیا خدشه‌دار می‌شود.

تقویم انقلاب

بازگشت امام

سیدمهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

هنگامی که امام خمینی(ره) نسبت به مصوبه مجلس درباره

قانون کاپیتولاسیون اعتراض کرد، آمریکایی‌ها دستور دستگیری و تبعید او به ترکیه را صادر کردند. مبارزان از همان ایام بازگشت او به ایران را خواستار شدند.

امام در طول یک سال تبعید در شهر بورسای ترکیه موفق شدند کتاب «تحریرالوسیله» را تألیف کنند و پس از مهاجرت از ترکیه به نجف و استقرار، اقامه نماز جماعت و درس و بحث را شروع کردند. در این فرصت جمعی از مبارزان و شاگردان فعال او در درس و بحث علوم دینی و فقهی گرد ایشان حلقه زدند و مرتب با امام در ارتباط بودند یکی از مهم‌ترین مباحث درس امام در سال ۱۳۴۸ موضوع فقهی ولایت فقیه و بحث حکومت اسلامی بود که در واقع یکی از اصولی‌ترین موضوعات نظام سیاسی برای اداره کشور و امور مسلمین است.

به عبارتی نظریه و علم حکومت اسلامی را ابتدا تئوریزه، سپس به یک جزوه تبدیل کردند که مرتب در بین مبارزان و انقلابیون دست به دست می‌چرخید و موجب افزایش ضریب آگاهی جوانان به ویژه دانشجویان و طلاب جوان می‌شد و روحیه مبارزاتی را روز به روز تقویت می‌کرد. در سال ۱۳۵۶ رژیم شاه از طرف آمریکایی‌ها طرح فضای باز سیاسی را مطرح کردند؛ اما کسی حق اظهارنظر درباره امام را نداشت، تا اینکه اوائل آبان سال ۱۳۵۶ خبر رحلت مرحوم حاج‌آقا مصطفی خمینی داده شد؛ این موضوع در ایران به یک انفجار تبدیل شد که قیام خونین ۱۹ دی ۱۳۵۶ را به دنبال داشت و در ادامه سلسله حوادثی رخ داد و در نهایت به حرکت خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ منجر شد، تا جایی که رژیم شاه مجبور شد با رژیم بعث عراق از در مذاکره و آشتی وارد شود تا از فعالیت‌های امام جلوگیری کند و در نهایت رژیم بعث عراق منزل امام را در محاصره قرار داد.

امام در واکنش به آنها شجاعانه اعلام کردند خاک عراق و نجف را ترک خواهند کرد و از آنجا راهی مرز کویت شدند؛ اما به سبب مشکلاتی که برایشان ایجاد کرده بودند به فرانسه مهاجرت کردند. در مسیر این وقایع آوازه امام در رسانه‌های جهان روز به روز توسعه یافت تا آنجا که بارها رژیم بازگشت امام را بلامانع اعلام کرد، اما امام شرط را بر رفتن شاه از ایران اعلام کردند و گفتند به محض اینکه شاه از ایران برود به ایران بازخواهم گشت. در نهایت فشارها به فرار شاه در روز ۲۶ دی منجر شد.

اما عوامل باقی‌مانده رژیم شاه، مانند شاهپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم نگون‌بخت فرودگاه‌ها را بست خشم و هیجان انقلابی مردم نسبت به این اقدام اوج گرفت و مردم شهرستان‌ها، به ویژه تبریز راهی تهران شدند و شبانه‌روز در فرودگاه مهرآباد ماندند، علاوه برآن علمای تهران در روز هفتم بهمن در دانشگاه تهران تحصن کردند و هر روز گروه گروه مردم به دیدار آنها می‌رفتند تا اوضاع سرنوشت‌ساز انقلاب را رقم بزنند.

حسین معینی

کارشناس تاریخ

اگر چه شکل‌گیری جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق، به سال ۱۳۲۸ و قبل از انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بر می‌گردد، اما فراز و نشیب‌های زیادی بر سر راه این جبهه وجود داشته است، تا آنجا که برخی بازه فعالیت آن را به چهار دوره تقسیم می‌کنند؛ چهار دوره‌ای که با معلق شدن نسبتاً کامل فعالیت‌های جبهه ملی و احیای دوباره آن از هم تفکیک می‌شود. بازه فعالیت جبهه ملی چهارم از سال ۱۳۵۶ آغاز می‌شود و تا برخورد قاطع امام با آنها ادامه می‌یابد. با شکل‌گیری مقدمات نهضت، جبهه ملی نیز که گاهی مواضع تندی علیه شاه و سلطنت داشت، درصدد برقراری ارتباط با انقلابیون برآمد. رهبران جبهه ملی خواهان مواجهه با اصل سلطنت شاه نبودند، بلکه هدف خود را مقابله با استبداد، البته در چارچوب ساختار حاکم معرفی می‌کردند. این رویکرد تا ملاقات کریم سنجابی با امام(ره) در پاریس در آبان ماه ۱۳۵۷ ادامه یافت. بعد از این ملاقات، جبهه ملی با صدور بیانیه‌ای سه‌ماده‌ای نظام پادشاهی را غیر قانونی اعلام کرد. در این دوره البته امام از اینکه راه جبهه ملی با انقلابیون متفاوت است سخن به میان آوردند و تأکید کردند: «اینجانب نمی‌توانم از جبهه‌ای‌ها و نه از بزرگ‌شان اسمی ببرم و ترویجی بکنم؛ راه آنها با ما مختلف است.»(۱۳۵۷/۵/۲۰)

با اوج‌گیری نهضت، مواضع جبهه ملی در مواجهه با اسلام مکتبی و فقهاتی کم‌کم آشکارتر شد. با این همه امام می‌کوشیدند تا با مدارا، از حذف این جریان جلوگیری کنند. امام در آذر ماه ۱۳۵۷ در پاسخ به این سؤال که «آیا جبهه ملی را با کلیه اجزای متشکله‌اش حفظ خواهید کرد؟»، پاسخ دادند: «هر فرد یا گروه و دسته‌ای که بتواند خود را با خواسته‌های نهضت اسلامی موجود در ایران که عموم ملت در آن شرکت دارند، هماهنگ سازد، می‌تواند در ادامه کار، و وظیفه خود را انجام دهد. در غیر این صورت در میان مردم جایی ندارد و ملت ایران هوشیارانه این مسائل را تعقیب می‌کنند.»(۱۳۵۷/۹/۱۴)

در این‌سازه زمانی، امام هیچ‌گاه جبهه ملی و فعالیت آنان را نفی یا محکوم نکردند، اما در شرایطی که مقابله جبهه ملی با نهضت آشکارتر

امام امت حجت را برای همه تمام کردند

متأثرم از اینکه با دست خودشان گور خودشان را کنندند

نمی‌خواستم که شما ائتلاف بکنید با منافقین که ضد اسلام هستند

آیات عظام گنایگانی، نجفی مریعشی و شیوازی منکرین قصاص را مرتد اعلام کردند

آیت‌الله انصاری از نمایندگی بنی‌صدر استعفا کرد

یکی از مراکز تجمع ورهبری لوطی‌ن‌های

شد، امام نیز ناگزیر به اتخاذ مواضع صریح‌تری شدند و البته در عین اینکه هشدار می‌دادند، زبان به نصیحت می‌گشودند: «من متأسفم از این اشخاص که دعوی ملیت می‌کنند و با اغراض ملت مخالفت می‌کنند. آنها که با اسم ملیت و با اسم خلق دوستی خنجر به پشت ملت می‌زنند، بیدار بشوند. بدانند که یا سران آنها سرسپرده اجانب هستند و می‌خواهند مسائل را برگردانند به حال اول، یا بکشند طرف چپ یا بکشند طرف راست. اینجا بیدار بشوند. ما آنها را نصیحت می‌کنیم و اگر به نصیحت گوش نکنند، کار دیگر می‌شود.»(۱۳۵۷/۱۲/۱۸)

جبهه ملی عملاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در خط مخالفت با جمهوری اسلامی و حضرت امام قرار گرفت و رسانه‌ها و تریبون‌های منسوب به آنها تضعیف حکومت اسلامی و نهضت اسلامی ملت ایران را آغاز کردند. با قدرت گرفتن بنی‌صدر این جبهه به سمت نزدیکی به وی رفت و عملاً همسو با جریان او عمل کرد. اما آشکار است حضرت امام همچنان با این جریان‌های ضدانقلاب و مخالفت نهضت ملت با مدارا عمل می‌کردند. این مدارا ادامه یافت تا آنکه کار به مواجهه جبهه ملی با لایحه قصاص رسید. جبهه ملی که رویکردی لیبرال داشت، در مقابل تصویب لایحه قصاص که برآمده

دهلیز

ناکامی غرب در نجات رژیم پهلوی

کلاف سردرگم

مهدی دنگچی

پژوهشگر تاریخ

در حکومت پهلوی شاه بدون مشورت با آمریکایی‌ها آب هم نمی‌خورد. این وابستگی در تمامی تصمیمات ریز و درشت شاه قابل مشاهده بود. در سال پایانی حیات حکومت منحوس پهلوی این وابستگی بیش از پیش شده بود. طبیعی بود در روزگاری که شاه در زوال کامل قرار داشت و نهضت اسلامی ملت ایران با رهبری حضرت امام خمینی(ره) روز به روز قدرتمندتر می‌شد، این وابستگی بیشتر شده باشد. در حالی که محمدرضا در برابر اراده ملت مستأصل شده بود و توان تصمیم‌گیری نداشت، این اراده سالیوان، آخرین سفیر آمریکایی‌ها در ایران بود که در دربار پهلوی پیش می‌رفت؛ اما سرعت، دقت و هوشمندی حضرت امام(ره) به عنوان رهبر نهضت اسلامی ملت ایران، آمریکایی را نیز در تصمیم‌گیری دچار سردرگمی کرده بود. گری‌سیک، کارمند فعال کاخ سفید و

شاغل در بخش امنیت ملی آمریکا

در دوران کارتر در کتاب «همه چیز فرو می‌ریزد» که «علی بختیاری‌زاده» آن را ترجمه کرده و در مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «اواخر دولت شریف امامی بود و شاه باید تصمیم می‌گرفت که چه راه‌حلی برای آرام کردن

جبهه ملی از مدارا تا ارتداد

مروری بر مواجهه حضرت امام(ره) با جبهه ملی ایران

اینها؛ لکن صبر کردم. صبر کردم و نصیحت کردم. صبر کردم، و هر وقت اینها آمدند یعنی هر وقت نه اما بسیاری اوقات، آنها را به مسائل اسلامی دعوت کردم؛ به عمل به قانون دعوت کردم؛ به حفظ و حراست جمهوری اسلامی دعوت کردم. کم کم آن احساس من زیاد شد. تا وقتی که می‌بینم آن جناح منافق در میدان است و تأیید می‌کند. تا وقتی که می‌بینم آن جبهه‌ای که بر ضد اسلام است تأیید می‌کند. [برای] من تکلیف شرعی است، تا دیگر، تأیید نکنم.»

امام در نهایت تصریح کردند: «اینها مرتدند. جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است. بله، جبهه ملی هم ممکن است بگویند که ما این اعلامیه را نداده‌ایم. اگر آمدند در رادیو، امروز بعد از ظهر آمدند در رادیو اعلام کردند به اینکه این اعلامیه‌ای که حکم ضروری مسلمین، جمع مسلمین، را غیر انسانی خوانده، این اعلامیه از ما نبوده؛ اگر اینها اعلام کنند که از ما نبوده، از آنها هم ما می‌پذیریم.» اما جبهه ملی هیچ‌گاه حاضر نشد از این بیانیه اعلام برائت کند و بر واگرایی خود افزود و عملاً به جبهه بنی‌صدر و مجاهدین خلق (منافقین) و نهضت آزادی پیوست و در مقابل ملت و انقلاب ایستاد و عملاً از صحنه سیاسی کشور حذف شد.

حافظه

غرق شدن کشتی اسپانیایی در سواحل کلمبیا

کشتی سان خوزه

محمد گنجی

محقق تاریخ

ماجرای غرق شدن کشتی‌های مسافربری یا باربری، یکی از موضوعات پرماجرا در قرون شانزدهم تا بیستم میلادی بوده است. در طول این قرون، حوادث تلخ بسیاری رخ داده که تا سالیان متمادی افسانه‌وار در اذهان عمومی باقی مانده است؛ از جمله آنان می‌توان به غرق شدن کشتی «گالون سان خوزه» اشاره کرد.

روز هشتم ژوئن سال ۱۷۰۸، یک کشتی اسپانیایی به نام «سان خوزه» در نزدیکی ساحل کارتاگنای کشور کلمبیا طعمه آتش شد و تقریباً ۶۰۰ نفر و حدود ۲۰ میلیارد دلار طلا، نقره و جواهرات نیز با آن در آب غرق شدند.

کشتی گالون سان خوزه قرن‌ها گم شده و کف اقیانوس آرمیده بود؛ اما راز این کشتی در سال ۲۰۱۵ به تدریج فاش شد و دولت کلمبیا رسماً اعلام کرد که آن را یافته است. اکنون با گذشت چهار سال، کشتی هنوز در عمق ۶۰۰ متری آب‌های کشور کلمبیا خفته است و اختلاف مالکیت فراوانی را میان گروه‌هایی که بر ثروت‌های سان خوزه ادعا دارند، برانگیخته است.

کشتی گالون سان خوزه در روزهای آخر ماه می سال ۱۷۰۸ کشور پاناما را ترک کرد. این کشتی پر از طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی بود که از کشور پرو، تحت کنترل اسپانیا استخراج شده بودند و به پول امروز چیزی بین ۱۰ میلیارد تا ۲۰ میلیارد دلار ارزش داشتند. این ثروت قرار



بود به دست پادشاه فیلیپ پنجم اسپانیا برسد؛ پادشاهی که برای تأمین مالی جنگ جانیشینی اسپانیا به منابعی که از مستعمراتش به دست می‌آمد، تکیه می‌کرد.

کاپیتان این کشتی گالون خوزه، فرناندیس دِسانتیلیان می‌دانست که بریتانیایی‌ها آماده بودند تا با کشتی‌های‌شان در کارتاگنا به او حمله کنند؛ با این وجود قرار بود این شهر توقفگاه کوتاهی باشد که سان خوزه بتواند پیش از حرکت به شهر هاوانای کوبا سپس اسپانیا، در آن تعمیر شود. اما کاپیتان به حرکتش ادامه داد تا اینکه عصر هشتم ژوئن جنگ بر سر گنجینه سان خوزه آغاز شد. به گفته گونزالو زونینگا، موزه‌دار موزه دریای کارائیب در کارتاگنا، نیروی دریایی بریتانیا که به تانچه، شمشیر و چاقو مسلح بود، سه بار تلاش کرده بود به گالون وارد شود و آن را از آن خود کند.

البته آشکار است هیچ یک از دو طرف نمی‌خواستند اند این گالون و گنجینه‌هایش در آب فرو بروند. زونینگا باور دارد کاپیتان کشتی به جای تسلیم کردن سان خوزه و دست خالی بازگشتن به اسپانیا، خودش آن را با باروت به آتش کشیده و منفجر کرده است.

تصاعد تروریسم و خشونت



حمزه عالمی

دکتری اندیشه سیاسی

بسیاری از متفکران حوزه سیاست و اقتصاد، «نئولیبرالیسم» را تنها یک تغییر مسیر از اقتصاد کینزی-که هوادار مداخله دولت در بازار بود-به اقتصاد هائیکي-که خواهان بازگشت از دولت رفاه و محوریت دادن به بازار بود-نمی دانند. مشهورترین فردی که در این زمینه به صورت جدی بحث کرده، «دیوید هاروی» است. نئولیبرالیسم در حوزه اقتصاد بر کاهش مداخله دولت در اقتصاد، اصالت دادن به فرایندهای بازار و کنار گذاشتن تعهدات دولت رفاه تأکید دارد؛ اما چنانکه هاروی بحث می کند، نئولیبرالیسم نظریه مبتنی بر بازار را به یک نظام اخلاقی تبدیل کرده که تقسیم کار، روابط اجتماعی، تأمین رفاه، مجموعه‌های تکنولوژیکی، شیوه‌های تفکر و زندگی و حتی حوزه تولید مثل را تحت الشعاع خود قرار داده است (هاروی، ۱۳۸۶، ص ۱۰) و در مجموع شیوه تفسیر انسان از هستی را شکل می دهد.

فلسفه زندگی بشر غربی

به نظر می رسد، این سخن آشکارسازی هویت تفکر غربی است و چندان ارتباطی به لیبرالیسم، دولت رفاه یا نئولیبرالیسم ندارد. اساساً تفکر غالب در غرب از زمانی که از پروتستانتیسم اولیه فاصله گرفت و آنچه ویر آن را «زهد کالوینستی» می خواند، کنار گذاشت و کار برای منافع مادی را جایگزین کار برای تقرب الهی کرد (لسناف، ۱۳۸۵، ص ۲۶-۲۶)، همواره پیرامون جهان مادی در جریان بوده است و ایده‌الیسم و متافیزیک را به حوزه زیباشناختی و مسائل ذوقی رانده و آنها را فاقد هویت واقعی دانسته است. مادی‌گرایی بر حداکثرسازی سود ولذت تأکید دارد؛ سود را در حوزه مسائل اقتصادی و لذت را در حوزه فردی-اجتماعی و در واقع به عنوان فرهنگ و اخلاق فرد غربی محور قرار می دهد و سیاست از این دو حیطه بر می خیزد. به عبارت دیگر، سیاست چگونگی مدیریت جامعه به سوی سود و لذت تعریف می‌شود و در این وضعیت جایی برای خیر و فضیلت باقی نمی ماند. اساساً طر فداران نئولیبرالیسم حداکثرسازی سود و لذت را در مقام فلسفه زندگی بشر مطرح می کنند، به این معنا که معتقدند وقتی

حداکثرسازی منافع (یا زیاده‌خواهی) آرمان بشر قرار گرفت، انسان محدودیت‌ها را می شکند و قادر به تولید و مصرف بیشتر خواهد بود و آزادی این‌گونه حاصل می‌شود.

در اینجا یک پرسش اساسی مطرح می‌شود و آن، اینکه آزادی برآمده از حداکثرسازی منافع چه نوع آزادی است؟ یعنی آیا اساساً این نوع آزادی تعریفی دارد یا تعریف آن در جریان انتخاب بهترین روش دستیابی به حداکثر منافع هویت می‌یابد؟

منفعت مولد آزادی بدون مسئولیت

در سیاست به معنای اصیل آن، «آزادی» به معنای رهایی انسان از ضرورت‌های معیشت در حوزه سیاست و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی است. به نظر می‌رسد نزد نئولیبرال‌ها چپستی آزادی سؤال اصیلی نیست، بلکه چپستی آن را حداکثرسازی منافع تعیین می‌کند. پیامدهای این تعریف قطع پیوند مسئولیت و آزادی است. آزادی همواره پیوند وثیقی با مسئولیت داشته و در فلسفه سیاسی امری بدیهی به شمار می‌رود؛ اما مسئله این است که فلسفه سیاسی با تفکر افرادی همچون آدام اسمیت، میلتون فریدمن و فون هایک در خدمت توجیه حداکثرسازی سود قرار گرفته و آزادی به معنای بی‌بندوباری متولد شده است. پیامدهای محوریت یافتن سود تا آنجاست که حتی حداکثرسازی فایده و منفعت را که زمانی متفکران انگلیسی همچون «جرمی بنتام» و «جان استورات» میل با هدف کسب بیشترین فایده برای بیشترین افراد جامعه صورت‌بندی کرده بودند، به لذت‌گرایی فردی تقلیل داده است و به این ترتیب در پایان قرن بیستم کسب بیشترین سود و لذت به هر طریقی به عنوان فلسفه زندگی غالب در غرب و به ویژه در آمریکا مطرح می‌شود. چنین فلسفه زندگی به پشتوانه اراده معطوف به قدرت برقرار است و اساساً کسب قدرت به هر طریقی لازمه کسب سود و لذت معرفی می‌شود. به این ترتیب، «ماکیاولی» و «نیچه» همچنان جایگاه خود را در تفکر فلسفی غرب حفظ می‌کنند.

رابطه این وضعیت با تروریسم چندان دشوار نیست. تروریسم که از ریشه لاتینی «Terror» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است، به حمله مسلحانه فرد، گروه یا دولتی علیه هدف مورد نظر با ایجاد ترس و وحشت به منظور دستیابی به اهداف سیاسی اطلاق می‌شود. هر سه جزء این تعریف،

یعنی حمله مسلحانه، ایجاد رعب و وحشت و رسیدن به اهداف سیاسی (قدرت) مؤلفه‌هایی هستند که حداکثرسازی سود و لذت به هر طریقی آنها را تجویز می‌کند. این نوع حداکثرسازی که آزادی بدون مسئولیت را تولید می‌کند، سوژگی انسان را در رقابت و سیطره بر دیگران می‌بیند؛ سوژه، سلطه عقل خودبنیاد را به سلطه سود و لذت تقلیل می‌دهد و در نهایت انسان خود مساوی با این دو مفهوم شده و انسانیت بی معنا می‌شود. در چنین شرایطی کشتن هر تعداد از انسان‌ها با هیچ محدودیتی همراه نیست. اساساً سود و لذت وقتی آزادی بدون مسئولیت را تولید می‌کنند، در رابطه‌ای متقابل با یکدیگر مستوجب حرکتی می‌شوند که در محدوده مشخصی متوقف نمی‌شود. فلاسفه کلاسیک (فیثاغورثیان) معتقدند حد و اندازه مساوی با عقل است (گاتری، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳-۱۰۹) و وقتی عقل تحت‌الشعاع سود و لذت قرار گرفته باشد، حد و اندازه نیز بی‌معناست.

تروریسم سازوکار حفظ نئولیبرالیسم

این وضعیتی است که در عملکرد دولت‌های آمریکایی تجسم یافته است و دونالد ترامپ محصول اصلی نئولیبرالیسم، یعنی سلطه سوداگری و لذت‌طلبی آمریکایی است که هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست. به گفته دیوید روزن، یکی از تحلیلگران آمریکایی، ترامپ به حلقه رابط دو نیروی رقیب تبدیل شده که معرف زندگی امروزین آمریکاست؛ لذت‌گرایی بازار محور و اخلاقیات قهقرایی. در طول نیم قرن گذشته، او همچون یک الکلی در حال احیا، از یک لذت‌گرای بازارمحور



به سمت یک اخلاق‌گرای قهقرایی در نوسان بوده است. برای چنین موجود شیطانی موفقیت همواره در کسب سود و لذت بدون هیچ محدودیتی است و ترور هم یکی از ابزارهای رسیدن به این موفقیت به شمار می‌آید. هاروی این رابطه را به صورت سر بسته تأیید می‌کند. (هاروی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴ و ۲۷۱)

بر اساس دیدگاه او، می‌توان گفت چون در نئولیبرالیسم دولت در عرصه داخلی باید خود را از اقتصاد کنار بکشد و در عرصه خارجی باید با دیگر قدرت‌های اقتصادی رقابت کند و از اینجا مداخله او در تجارت خارجی آغاز می‌شود، بنابراین ناچار است با استفاده از یک دولت نومحافظه‌کار مستبد، سلسله‌مراتبی و حتی نظامی، نظم و قانون را در داخل حفظ کند و در خارج نیز برای حفظ هژمونی جهانی خود کنترل بر منابع نفتی را در دستور کار قرار دهد که دوران بعد از یازده سپتامبر نشان می‌دهد، در برقراری این توازن استفاده از ترور و خشونت جایگاه مهمی

دارد. اساساً آمریکا پس از یازده سپتامبر، تروریسم را به سازوکاری برای سروپا نگه داشتن نئولیبرالیسم تبدیل کرده است. اشغالگری و غارت منابع نفتی، گسترش خشونت و تروریسم در جهان اسلام و سپس بالا بردن فروش تسلیحات و چپاول دلارهای نفتی اعراب وابسته، عناصر این چرخه شوم را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی تنها چیزی که می‌تواند این چرخه را متوقف کند، شجاعت مقاومت است. شجاعت مقاومت ابتدا آزادی بی‌بندوبار را به پاسخ می‌خواند، مسئولیت را پیش روی آن می‌گذارد و آن را محدود کرده و با این واسطه سوداگری و لذت‌طلبی را با چالش مواجه می‌کند.

آفاق

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی - ۷۶

اصل دعوت اسلامی و صدور انقلاب

شریک او قرار ندهند.» (آل عمران/ ۶۴) پس قطعاً مفهوم آیه این خواهد بود که قوانینی جز قوانین خداوند متعال و اراده‌ای جز اراده او را بر خود حاکم نکنند.

دوم: نباید اجازه داده شود حکومت‌های فرعونیی و نظامات استکباری بر روابط بین‌المللی حاکم شوند؛ زیرا ادعوی که در آیه ۶۴ سوره آل عمران بیان شده، فقط دعوت به داشتن عقیده نیست؛ بلکه دعوت به عمل و اقدام است.^۳ تبلور این اقدام نیز این است که اجازه داده نشود نظامی به جز نظام الهی بر جهان حاکم شود.^۴

سوم: چون انقلاب اسلامی ذاتی فرهنگی دارد، اصل دعوت به اسلام از ارزش‌های بنیادین آن به شمار می‌رود. بنابراین در تشکیل سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی قبل از هر چیز باید به ویژگی و مأموریت اصلی آن، یعنی دعوت اسلامی^۵ و دفاع از هویت نظام اسلامی^۶ توجه کرد.

چهارم: روش‌های دعوت نیز باید روش‌هایی فرهنگی باشند. (نحل/ ۱۲۵) به این ترتیب، راه جذب غیرمسلمانان و رویه‌رو شدن با جهانیان به منظور هدایت آنها، استفاده از روش‌های علمی و اقناعی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- علامه طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۲۰۵.
- ۲- امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۵۰.
- ۳- علامه طباطبائی، همان، ج ۳، ص ۳۹۰.
- ۴- امام خمینی (ره)، همان، ج ۱۵، ص ۵۰۷.
- ۵- امام خمینی (ره)، همان، ج ۱۴، ص ۵۹.
- ۶- مقام معظم رهبری، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب، ۱۳۸۲/۵/۲۵.



عباسعلی عظیمی‌شوشتری

عضوهیئت‌علمی پژوهشگاه امام صادق (ع)

دعوت اسلامی، یعنی تبلیغ پیام اسلام و توجه دادن انسان به مسئولیتی که در قبال خالق خود دارد. در نوع نگاه انقلاب اسلامی به روابط بین‌الملل، اساس ارتباطات بین‌المللی بر دعوت اسلامی استوار است. (اصل/ ۱۵۴) در بررسی ابعاد این موضوع توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

۱- نظام‌پذیرش بیگانه باید بر این مبنا صورت گیرد و نمی‌تواند مبنایی صرفاً اقتصادی داشته باشد. (توبه/ ۶) بنابراین تسهیل ورود بیگانگان به سرزمین اسلامی باید به منظور دعوت آنها و زمینه‌سازی هدایت آنها صورت گیرد.^۱ یکی از گله‌هایی که حضرت امام(ره) به رژیم طاغوت داشتند، شرایط غیر اخلاقی گردشگاه‌ها و مراکز توریستی بود.^۲

۲- در هرگونه برقراری ارتباط و عضویت در مجامع بین‌المللی، اصل توجه به توحید و محور قرار گرفتن پرستش خداوند متعال ضروری است. (آل عمران/ ۶۴) از این امر چند مطلب برداشت می‌شود:

اول: انگیزه اصلی و اولیه دولت اسلامی از گرد هم آمدن و دست دوستی دراز کردن به دیگر ملل برای دعوت آنها به این امر است که توافق کنند «غیر از خدا را نپرستند و کسی را

سیاست نامه

بررسی اندیشه سیاسی
آخوند خراسانی - ۲۶

برابری و مساوات



فتح‌الله پوریشان پژوهشگر اندیشه سیاسی

از مفاهیم و مؤلفه‌های دیگری که در عرصه فکر مشروطه در فضای جامعه ایران مطرح شد، مفهوم «برابری» بود. آخوند خراسانی به این مفهوم توجه کرد، اما نه به اندازه مفاهیم اساسی‌تری، مثل قانون، آزادی و شریعت که در مطالب پیشین بررسی شد. البته آخوند خراسانی در طرح مفهوم برابری نیز بسیری متفاوت با علمای مخالف مشروطه پیمود. علمای مخالف مشروطه درباره برابری، بر مفهوم تساوی در احکام و حقوق و تفاوت قائل نشدن میان افراد در احکام و قوانین تأکید می‌کنند. در نتیجه این مفهوم، به دلیل تفاوت گذاشتن اسلام بین موضوع‌های گوناگون و احکام انکار می‌شود. در این دیدگاه، نابرابری در احکام، امری قطعی و مسلم است؛ از این رو نمی‌توان به برابری حقوقی در قوانین اعتقاد داشت. از آنجا که موضوعات مکلفین متفاوت است، احکام تعلق یافته به آنان نیز متفاوت می‌شود و در نتیجه، افراد حقوق سیاسی یکسانی نخواهند داشت. اما آخوند خراسانی برداشت متفاوتی از برابری مطرح می‌کند. او در یک مورد از واژه «مساوات» استفاده کرده و خطاب به وعاظ، اصناف و اصحاب جراید نوشته است: «معنی مساوات را هم که تسویه فی مابین قوی و ضعیف و غنی و فقیر در حقوق و احکام است، کما ینبغی شرح فرموده، حقیقت مشروطیت را که عبارت از عدم تجاوز تمام طبقات از وظایف و حدود مقررہ شرعیه و سیاسیه است، وجدانی برای مردم کند تا آنکه تمام ملت به عین‌البین بدانند که برای تحصیل چه نعمت و فوز به چه شرف و سعادت و خیر دنیا و آخرت، این همه شاداند تحمل نموده،^۲ تعبیر «تسویه فی مابین قوی و ضعیف و غنی و فقیر در حقوق و احکام» در این عبارات، ظهور در برداشتی دارد که علمای مخالف مشروطه به علمای موافق نسبت می‌دادند و بر اساس آن، آن برداشت را تخطئه می‌کردند. اما دقت در دیگر تعبیر به کار رفته، مقصود آخوند خراسانی را روشن می‌کند.

آخوند خراسانی مفهوم سزاوار مساوات را در قالب حقیقت مشروطیت توضیح می‌دهد و معتقد است: «حقیقت مشروطیت ایران و آزادی آن، عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب و مبتنی بر اجرای احکام الهیه ع از اسممه و حفظ قوانین شرعیه و ملیه و وضع از منکرات اسلامی و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سسد ارتکابات خورسرا نه و صیات بیضه اسلام... خواهد بود.»^۳ آماحصل سخنان آخوند خراسانی این است که اگر هیچ یک از طبقات از وظایف و حدود شرعی تجاوز نکنند، مساوات در دایره شریعت و احکام شرعی قرار می‌گیرد و به هیچ روی به معنای خروج از احکام شرعی مختلف الموضوع نیست. بنابراین، آخوند خراسانی نیز مساوات را خارج از احکام شرعی نمی‌داند. اما از نظر وی، مشروطیت در کنار اجرای احکام شرعی، درصدد «اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و...» است. در اینجا آخوند خراسانی مفهوم عدالت را به کار می‌برد که واژه دیر آشنا در ادبیات شرعی و فقهی است. از این رو، می‌توان گفت برابری در چارچوب شریعت از نظر آخوند خراسانی همان مفهوم عدالت است و عدالت در ادبیات فقهی-سیاسی نه به مفهوم برابری در قانون، بلکه به مفهوم برابری در اجرای قانون است.

منابع:

- ۱- شیخ فضل‌الله نوری، تذکرۃ العاقل و ارشاد الجاهل، ص ۱۶۰ و ۱۷۰.
- ۲- نظام‌الاسلام کرمانی، تاریخ پیداری ایرانیان، ص ۱۹۷.
- ۳- همان، ص ۱۹۸.

داستان

بیمه



نَفیسه محمدی
داستان‌نویس

خیلی سرد بود، هر چقدر تقلا کردم ماشینم روشن نشد که نشد. کیف و وسایلم را برداشتم تا خودم را به محل کارم برسانم. روز سخت و پر مشغله‌ای داشتم. دو تا جلسه، یک ساعت تدریس و تمام کردن سه تا مقاله کار تعمیر ماشین هم که به کارام اضافه شده بود. عصبی و بی حوصله راه افتادم تا دیرتر نشده، تاکسی بگیرم و بیشتر معطل نشوم. بهرام پسر جوان همسایه با همان تیپ جاهلی جلویم سبیز شد. سلام کشداری کرد و همان‌طور که به ماشین اشاره می‌کرد، پرسید: «روشن نشد، نه؟ آقای دکتر نیاس ماشینو اون طرف پارک کنی، سقف نداره کلا ماشین می‌چاد...» و خندید.

خیلی بی حوصله بودم، فقط جواب سلامش را دادم و رد شدم. جلوی در منتظر ماشین بودم، که با موتور جلوی پایم ایستاد.

– بیا بالا آقای دکتر! این وقت صبح تاکسی کم گیر میاد ترافیک! مسیر شما با موتور سازگاره...»

چاره‌ای نبود. با تشکر سوار شدم و سعی کردم بی محلی صبحم را با چند جمله جبران کنم.

کلاه کاسکت را به طرفم گرفت.

– بیا آقای دکتر! تمیزه، بعدم شما بزاری سرت بهتره، بالاخره کلی آدم زیر دست شمان، حرفاتونو می‌شنون، چه می‌دونم می‌خورن و...»

با صدای بلند خندید.

کلاه را گرفتم و با ودولی نگاه کردم.

همان‌طور که با وضع بدی کیف و وسایل و کلاه را نگه داشته بودم و می‌خواستم تعادل‌م را حفظ کنم، تلفن همراهم را چک کردم که دوباره گفت: «آقام کامیون داشت، می‌گفت آدم کنار ده تا کار پولی، یه کار خدایی باید داشته باشه که حالشو خوب کنه به درد مردم بخوره، گاهی شبا می‌رفت واسه یه عده که نداشتن مجانی بار جابه‌جا می‌کرد. می‌گفت دو نفر خوشحال بشن، ما بیمه می‌شیم... من که نتونستم کامیون بخرم، ننه‌ام بی‌خونه می‌موند، فکر می‌کردم با موتور که نمی‌شه کمک حال کسی بود. اما دوسه روز پیش

یه بنده‌خدایی رو بردم داروهای بجه‌شو بگیره، سرطان داشت. گفتم اینم بیمه من! از پریوزم، دوساعت می‌رم جلوی بیمارستان، مجانی... خوبه دیگه، نه؟»

منتظر جوابم نماند. از آینه موتورش، من را که با سبختی فضای مجازی را زیر و رو می‌کردم، نگاه کرد و باز ادامه داد:

«آقای دکتر شما تو اینستا و اینترنت و مجله و کتابتون چی می‌نویسین؟ من که سرم نمی‌شه چی هستن اینا، اما شما که اهلسی، چیزی توش می‌نویسی که به درد مردم بخوره؟ یه چیزی که بیمه‌ات کنه به قول آقام...یه چیزی که دو نفر مشکل شون حل شه؟ اصلا می‌شه با نوشته مشکل کسی رو حل کرد؟»

از تسوی آینه نگاهش کردم. بی خیال رانندگی می‌کرد و از لابه‌لای ماشین‌ها راه فرار پیدا می‌کرد. آواز گنگی هم زیر لب می‌خواند.

تلفن همراهم را خاموش کردم و به خیابان خیره شدم، به ماشین‌ها، مردم، کودکان و عابرانی که با عجله راه می‌رفتند. آیا نوشته‌های من مشکل کسی را حل کرده بود؟ حالا بهرام با آن تیپ جاهلی مرا میان کوله‌باری از مردم و خدمت و تجربه و قلم متوقف کرده بود. من هم باید برای خودم بیمه‌ای دست و پا می‌کردم مثل بهرام...

حمیدرضا حیدری

روزنامه نگار



از قدیم‌الایام مردم ایران همواره در ضرب‌المثل‌های‌شان از امید و امیدواری دم زده‌اند و آن را لازمه حیات دانسته‌اند. «آدمی به امید زنده است» یکی از معروف‌ترین این ضرب‌المثل‌هاست. امید به آینده، خود نیروی محرکه‌ای در مسیر پیشرفت جامعه است. اگر امید نبود هیچ یک از اختراعات و اکتشافات بشری وجود نداشت.

امید باعث می‌شود انسان راه بیفتد، حرکت و پیشرفت کند و به تبع آن جامعه نیز به پیشرفت دست یابد. در آیات قرآن کریم نیز آنقدر به امید توجه شده است که ناامیدان از درگاه خدا را کافر می‌نامد.

امید معجزه الهی در همه زمان‌ها و ناامیدی حربه شیطان است. شیطان می‌خواهد انسان هنگام مواجه شدن با شرایط نامطلوب دچار ناامیدی شود و خط او را پیش بگیرد.

از نظر روانشناسان امید انتظاری مثبت درباره آینده و نگرشی مثبت به رویدادهای علی و معلولی است و مانند سپری بین آثار رویدادهای استرس‌زای زندگی و سلامت جسمی، روانی و رفتاری قرار می‌گیرد.

همان‌طور که گفته شد، امید در زندگی انسان‌ها اهمیت بسیار بالایی دارد. نه تنها برای پویایی افراد، که برای پیشرفت جامعه نیز مورد نیاز است. کشور ایران در منطقه‌ای از جهان واقع شده است که در طول تاریخ بیشتر حکومت‌های پادشاهی آن دیکتاتوری بوده است. مردمی که هزاران سال گرفتار حکومت ظالمان بودند، حدود ۴۰ سال پیش تصمیم گرفتند امید را در دل‌ها زنده و به سوی حکومتی حرکت کنند که تمام ارکان آن به دست مردم انتخاب شود. قصد نداریم وارد مباحث سیاسی شویم، اما امید جمعی و اجتماعی موضوعی است که می‌خواهیم آن را کمی بیشتر بررسی کنیم. امید و اعتماد به نفس کشور را به یکی از قدرت‌های جهانی تبدیل کرد و روز به روز هم با انگیزه بیشتر به سوی این هدف حرکت می‌کند.

اما علل و عواملی وجود دارند که اجازه نمی‌دهند امید در جامعه جاری و ساری باشد؛ چرا که می‌دانند تنها با ناامیدی است که می‌توان جامعه جوان و روبه پیشرفت ایران را فلج کرد.

رهبر معظم انقلاب سال گذشته این موضوع را چنین گوشزد کردند: «جوانان عزیز، من به شما کاملاً امیدوارم. امروز دشمن در فضای مجازی و...»

امید تنها نیروی محرک جامعه

نگاهی به آنچه جامعه برای پیشرفت و حرکت روبه جلو به آن نیازمند است



می‌گذارد، حتی حاضر می‌شود بیگانگان را بر خود حاکم کند. موضوعی که در طول تاریخ کم نمونه نداشته است. کم نبوده‌اند ملت‌ها و دولت‌هایی که به واسطه ناامیدی، بیگانگان را بر خود حاکم کرده‌اند و یک عمر زیر بار ذلت زیسته‌اند. لیبی یکی از همین کشورهاست؛ کشوری که دولت و ملتش همه چیزشان را تسلیم آمریکا کردند، اما چیزی جز ذلت به دست نیاوردند.

اما ملتی که امید داشته حتی با دست خالی هم در مقابل دشمنان و متجاوزان ایستاده است. نمونه بارزش را در دوران دفاع مقدس می‌بینیم؛ مردمی که با دست خالی، اما دل‌هایی پر امید بر قدرت‌های غرب و شرق را به زانو درآوردند و حتی یک وجب از خاکشان را به دشمن ندادند.

از این به بعد هم تنها چیزی که می‌تواند تضمین‌کننده پیشرفت کشور و بالندگی ملت ایران باشد، امید است. دوران جنگ نظامی به پایان رسیده است، اما دشمنان ملت جنگ‌های دیگری را نو به نو به ایشان تحمیل می‌کنند.

جنگ اقتصادی یکی از مهم‌ترین جنگ‌هایی است که ملت ایران درگیر آن است. در این جنگ مهم‌ترین سلاح مردم در مقابل دشمنان امید است. امید به آینده‌ای که باید با دست خودشان رقم بزنند و از این کارزار نیز سربلند بیرون بیایند.

انسانی جوان باعث شده است بسیاری از کسانی که رتبه‌های تکریمی کنکور سراسری را به دست می‌آورند، برای ادامه تحصیل و کار از کشور خارج شوند، ریشه بسیاری از طلاق‌ها ناامیدی است یا

در برخی مسائل سیاسی، مانند برجام هم از حربه ناامید کردن مردم استفاده شد؛ سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بود که دشمنان و عده‌ای در کشور شروع به ناامید کردن مردم کردند. اینکه بدون آمریکا نمی‌شود پیش رفت، یا باید با کدخدا بست تا از مشکلات آب خوردن گرفته تا اشتغال‌مان حل شود و چه و چه... در نهایت دولتی رأی آورد که در نامش کلمه امید بود، اما در واقع کارهایش را با ناامید کردن مردم پیش برد.

همان‌طور که امید یک نیروی محرکه قوی برای پیشرفت است، ناامیدی یک ترمز قوی برای نرسیدن‌هاست. زمانی که ناامیدی بر جامعه‌ای مستولی شود دیگر نمی‌شود به پیشرفت و آینده امیدوار بود.

دشمن هم البته همین را می‌خواهد و تلاشش بر این است که ناامیدی فراگیر شود، تا مردم دیگر برای تعیین سرنوشت‌شان اتهامی نداشته باشند، یا با ناامیدی از جوانان کشور به اجنبی‌ها دخیل ببندند تا آنها مشکلات‌شان را حل کنند.

ملتی که ناامید باشد استقلال خود را به حراج

به شدت فعال است، مراقب باشید تلاش مایوسانه و نفوذ دشمن در فضای عمومی زندگی تأثیر نگذارد. «دشمن در صحنه جنگ نرم همه تلاشش را می‌کند تا هر قدر که می‌تواند مردم را مایوس کند؛ اما دشمن به تنهایی قادر نیست چنین حرکتی را در سطح یک جامعه پیاده کند. تنها یک راه وجود دارد و آن همراه کردن تعدادی از اعضای آن جامعه است. رسیدن به این هدف، آن هم در شرایطی که شبکه‌های اجتماعی بر جامعه ما سیطره دارد، اصلاً کار سختی نیست.

شبکه‌های اجتماعی، نظیر تلگرام، توئیتر و اینستاگرام به همان سرعتی که می‌توانند اخبار صحیح را به دست مخاطب برسانند، «اخبار دروغ» و «اخبار جعلی یا فیک» را نیز با سرعت هر چه تمام‌تر دست به دست می‌کنند.

ساختن اخبار دروغ و انتشار آن به وسیله کسانی که سواد رسانه‌ای نداشته و از صحت اصل خبر مطلع نیستند، بهترین حربه دشمن است. اما بدتر اینکه برخی از این افراد بی‌سواد، رسانه‌هایی با اعضای میلیونی دارند و این یعنی تزییق روح ناامیدی در جامعه‌ای که بزرگ‌ترین سرمایه‌اش امید به آینده است.

ناامیدی به آینده کشوری با پیشینه طولانی و با این همه سرمایه طبیعی و ملی و همچنین سرمایه

خانه

مشکل قابل حل

فیزیکی و روانی افسردگی را احساس کردید، باید به دنبال راهکارهای جدی برای درمان آن باشید. بسته به علائم و شدت بیماری، درمان‌های گوناگونی را می‌توان در پیش گرفت. گاهی یک مسافرت خاص یا یک گفت‌وگوی صمیمانه با یک دوست نزدیک و مطمئن، می‌تواند کمک کند تا حالت روحی تغییر یافته و ذهن التیام یابد. گاهی مراجعه به یک دکتر عمومی کافی است تا بیماری از مرحله پیشرفت و خطر نجات پیدا کند؛ اما بعضی اوقات مراجعه به یک متخصص روانشناس یا روانپزشک لازم است.

نکته مهم و قابل تأمل دیگر اینکه بیش از هر چیز، اراده و تلاش خود فرد می‌تواند درمانگر این اختلال ناخوشایند باشد؛ بنابراین لازم است با ایجاد تغییرات مثبت در سبک زندگی، بهترین و سریع‌ترین روش درمان افسردگی را تجربه کنید. در این راستا، توجه به تغذیه مناسب، ورزش روزانه، خواب مناسب و کافی، تلاش برای کاهش استرس، مبارزه با افکار منفی، تعیین هدف و تقویت روابط سالم اجتماعی می‌تواند اثرگذار باشد.

با این وجود شکی نیست که برقراری ارتباط معنوی با خالق و خلوت و انس با او سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه رسیدن به آرامش است که درمان قطعی نابه‌سامانی‌های روحی و روانی را می‌توان در آن جست‌وجو کرد.

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

گاهی حس بی‌ارزشی و ناامیدی انسان را عذاب می‌دهد؛ انگیزه‌ای برای زندگی نیست و حس کلافگی و بی‌حوصلگی انسان را درمانده می‌کند. بد اخلاقی، خستگی و گاهی سردرهای مداوم همراه با بی‌خوابی و بی‌قراری روال زندگی را بر هم می‌زنند؛ در واقع دیگر هیچ سرگرمی و تفریحی لذت‌بخش نیست. این حس‌های ناخوشایند، خبر از حالت غیر معمول روحی دارند که نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود؛ اختلالی به نام «افسردگی».

افسردگی، بیماری مزمن روحی است که در جهان امروز، بسیاری از افراد، در مقاطع مختلف زندگی آن را تجربه می‌کنند؛ پیر و جوان و زن و مرد نمی‌شناسد، اما به اعتقاد روانشناسان، زنان را بیش از مردان در معرض تهدید قرار می‌دهد. تغییرات هورمونی در دوران‌های گوناگون زندگی، نظیر بارداری، زایمان و یائسگی از دلایلی است که زنان را بیشتر مستعد این اختلال می‌کند و به همین دلیل حدود دوسوم مبتلایان به افسردگی، زنان هستند. در حالی که زن نقش مهم و کلیدی آرامش خانواده را بر عهده دارد و سلامت روح و روان او ضامن بهداشت روانی افراد خانواده است.

با این وجود اگر به هر دلیل، نشانه‌های

راه‌رفته

دوستان خوب مرهمی بر مصیبت‌ها

نیاز دارد، باید به طور منطقی آن را بپذیریم؛ اما نه آنقدر که شخص از زندگی عادی و سلامت روانی دور شود. در واقع به خلوت کردن او با خودش احترام بگذارید، اما نگذارید آن لحظات طولانی شود. بگذارید تا از مصیبتی که دیده است، سخن بگوید؛ چرا که برای آرامش او بسیار خوب است؛ اما دقت داشته باشید که این ارتباطات مخل زندگی او نباشد و دغدغه‌اش را بیشتر نکند. زمان حلال مسائل است. با گذشت زمان انسان با شرایط و اتفاقات ناگوار کنار می‌آید و نبود عزیزش را آرام آرام می‌پذیرد. باید اجازه بدهیم او تصمیم بگیرد، چه زمان می‌خواهد سوگواری‌اش را تمام کند و در تمام این لحظات با تدبیرهای ویژه در کنارش بمانیم و از لحاظ روحی او را پشتیبانی کنیم. اوج تنهایی افراد داغ‌دیده پس از انجام مراسم سوگواری، آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که مراسم‌ها تمام می‌شود و شخص تنهایی را احساس می‌کند. او را به شرکت در مراسم‌های مذهبی تشویق کنید، تا کم‌کم در جمع قرار بگیرد و به زندگی عادی بازگردد. به او توصیه کنید ذکرهایی را زمزمه کند و همچنین به ارتباط او با خالق صحه بگذارید؛ چراکه او آرام‌بخش همه هستی است. از تغذیه و سلامت جسم او غافل نشوید که تأثیر مهمی در بازگشت او به زندگی طبیعی خواهد داشت. از خداوند برای همه داغ‌دیده‌ها و دوستان دلسوزشان سلامتی و صبر مسئلت می‌کنیم.

لیلا وطن‌خواه

مشاور خانواده



پرسش: سلام، دوستی دارم که به تازگی عزیزی را از دست داده است، چه روش‌هایی را برای تسلی دادن به او پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ: پرسشگر عزیز، اینکه شما برای دوست‌تان نگران هستید و برای آرامش و کمک کردن به او دنبال راهکار می‌گردید، بسیار زیبا و امیدبخش است. هر فردی، در زندگی فراق یا داغ عزیزی را تحمل می‌کند و مواجه شدن با چنین مصیبتی بسیار مهم است. البته مهم‌تر از آن برخورد اطرافیان با شخص داغدار است که راهکارهایی در این باره بیان می‌کنیم. رفتار شخص مصیبت‌دیده را بررسی کنید و بفهمید او در چه مرحله‌ای از سوگواری قرار دارد. توجه داشته باشید که به دلیل هرگونه اظهار نظر یا سوگواری نباید او را سرزنش کرد؛ چراکه این احساس به زودی از بین می‌رود و دوره سوگواری که دوره‌ای کاملاً طبیعی است، شروع و روند عادی‌ان طی می‌شود. در این مرحله فرد بیشتر به انزوا و جای خلوت پناه می‌برد؛ این به سبب بار سنگین حزن و غم است. اینکه از او توقع داشته باشیم، به سرعت خودش را با شرایط جدید وفق بدهد بسیار نابه‌جاست. اگر او به خلوت

فجر ۳۸

تحریم جشنواره؛ سوگواری یا خودنمایی؟

آرش فهیم

منتقد سینما



دقیقاً ده سال قبل در چنین روزهایی تعداد انگشت‌شماری از هنرمندان به بهانه حمایت از فتنه سال ۸۸ گفتند جشنواره‌های فجر را تحریم می‌کنند. پس از یک دهه باز هم این مسئله در حال تکرار است. این بار بهانه آنهایی که از جشنواره‌ها انصراف داده‌اند یا آن را تحریم می‌کنند، احترام به ناراحتی مردم از سقوط هواپیماست؛ اما همان‌طور که امروز هیچ کس آن تحریم‌ها را به یاد ندارد و هیچ اختلاسی در برگزاری جشنواره‌ها رخ نداد، این تحریم‌ها نیز چندان محلی از اعراب نخواهند داشت و صرفاً یک موج تبلیغاتی در پی دارند. جای سؤال است که اساساً تحریم جشنواره‌های فیلم و تئاتر فجر، چه فایده‌ای دارد؟

نکته جالب درباره جشنواره فیلم فجر این است که اکثر تحریم‌کنندگان افرادی هستند که آثارشان رد شده است؛ مثل علی عطشانی، کارگردانی که هیچ‌گاه فیلم درجه یک و بزرگی نساخته، اما در اظهارنظر خنده‌داری گفته است از هیئت انتخاب جشنواره تشکر می‌کند که کارش را ساده کرده‌اند؛ چون اگر فیلمش به جشنواره راه می‌یافت، حتماً آن را تحریم می‌کرد. رضا درمیشیان هم با فیلم حذف‌شده‌اش برای جشنواره فجر رجز خوانده و گفته است نبودن در این جشنواره افتخار است. سارا بهرامی و پگاه آهنگرانی نیز در حالی اعلام کرده‌اند برای همدردی با جان‌باختگان سقوط هواپیما این جشنواره را تحریم کرده‌اند که فیلم‌هایی که در آنها بازی کرده‌اند، اصلاً به جشنواره راه نیافته‌اند و معلوم نیست چه چیزی را تحریم کرده‌اند؟

معدود افسرادی هم بودند، مانند مسعود کیمیایی، پیمان معادی و هانده صفی‌یاری که در بخش مسابقه جشنواره پذیرفته شده‌اند، اما در جهت همراهی با موج تحریم جشنواره فجر خواسته‌اند کارشان در جشنواره داوری نشود.

تحریم جشنواره‌ها اگر با اهداف سیاسی یا خودنمایی نباشد که هست هیچ نسبتی با داغداری و سوگواری برای جان‌باختگان سقوط هواپیما ندارد؛ چراکه قرار نیست در جشنواره‌ها بر خلاف نام‌شان جشن و پایکوبی برگزار شود؛ اتفاقاً برعکس است: آنهایی که طی سال‌های اخیر جشنواره‌های فیلم و تئاتر فجر را دنبال می‌کنند، تأیید می‌کنند در این رویدادها به ندرت فیلم یا نمایشی کم‌دی به نمایش در می‌آید و اکثریت قریب به اتفاق آثار، غمبار و تراژیک هستند! ضمن اینکه کسی مانند سعید آقاخانی که جشنواره فیلم فجر را تحریم کرده، در حال تولید سریال کم‌دی برای تلویزیون است و سارا بهرامی نیز با سریالی پر زرق و برق در شبکه نمایش خانگی مهمانخانه‌های همین مردم است. بسیاری از این بازیگران و فیلم‌سازها که با ادعای مواجهه با حکومت به تحریم جشنواره‌ها پرداخته‌اند، همیشه وامدار کمک‌های مالی حاکمیت بوده‌اند و از این طریق فیلم ساخته‌اند.

بنابراین، تحریم جشنواره‌ها از جمله فیلم فجر یک بازی سیاسی و تبلیغاتی خام و بی‌فایده است که فقط برای مدتی کوتاه خوراک رسانه‌های بیگانه را فراهم می‌کند و لاغیر.

محسن اسلام‌زاده در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

مستند سلاح ما در مقابل دشمن است



نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ

محسن اسلام‌زاده کارگردان، مستندساز و تدوین‌گر سینماست. وی از مستندسازان جبهه انقلاب اسلامی است، که سالیان زیادی از عمر حرفه‌ای خود را در کشورهای درگیر بحران و جنگ، از جمله افغانستان، سوریه، لبنان و لیبی گذرانده است و نتیجه فعالیت‌هایش در قالب مستند و برنامه‌ها، نه تنها مورد توجه جشنواره‌های داخلی قرار گرفته، بلکه در جشنواره‌های خارجی نیز از آن تقدیر شده است. یکی از آخرین فعالیت‌هایش را می‌توان مستند «خصوصی سوزی» دانست که توانست برنده فانوس دهمین جشنواره عمار نیز شود. هر چند که موضوع این مستند جدید، اجتماعی و تا حدی می‌توان گفت اقتصادی است، اما با توجه به تجربیات اسلام‌زاده در زمینه مسائل برون مرزی و به بهانه دریافت فانوس جشنواره عمار به سراغ این مستندساز رفتم تا گفت‌وگویی درخصوص مستندهای مقاومت با او داشته باشیم.

با توجه به اتفاق‌های اخیر، از جمله شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و دیگر مسائلی که پس از آن رخ داد، به نظر می‌رسد باید کار رسانه‌ای جدی‌تری انجام شود. آقای اسلام‌زاده، فکر نمی‌کنید در حال حاضر وقت آن است مقداری از مستندهای برون مرزی درباره داعش و مستندهایی که واقعیت داعش را بهتر نشان می‌دهند، پخش شوند؟ برخی از مردم، نمی‌خواهیم بگوییم همه آنها، هنوز نمی‌دانند چه خطری لب مرزها وجود داشته است. به نظر شما در این موقعیت، رسانه چه وظیفه‌ای دارد؟

در حال حاضر، جنگ، جنگ رسانه است. ما خدمت رهبری رسیدیم، ایشان گفتند کار شما جهاد است. به کارتان ادامه دهید. هر جا رسانه نادیده گرفته شده، هزار نوع خدمت هم که انجام شده، رسانه دشمن یا آن را زیر سؤال برده یا آن را در چشم مردم کمرنگ کرده است، در بسیاری از مواقع این اتفاق افتاده است.

اگر مردم ما سردار بزرگوار، حاج قاسم سلیمانی و کار بزرگ ایشان را شناختند، به چه دلیل بود؟ به این دلیل بود که ایشان بعد از مدتی رسانه‌ای شدند و مردم متوجه شدند چنین مردی وجود دارد. این جمله عین دیالوگ مردم است. من در مراسم‌های تشییع حضور داشتم، مصاحبه گرفته و ضبط کرده‌ام. مردم متوجه شده‌اند زمانی که در خانه‌هایشان در گرما و راحتی هستند و دارند استراحت می‌کنند، یک نفر هست که خارج از مرزهای کشور هم برای امنیت کشور و هم برای خلاصی جهان اسلام و حتی مردم دنیا با نیروهای تکفیری می‌جنگد. این کار رسانه بود.

در حال حاضر هم مشکلاتی که امروز گرفتار آن هستیم، به علت نادیده گرفتن رسانه است و از این به بعد هم دوباره به کار درست رسانه‌ای یا یک اتاق فکر درست نیاز داریم؛ یعنی باید یک اتاق فکر باشد و درست برنامه‌ریزی کند که به چه شکل باید عمل شود که دچار افراط و تفریط نشویم و امید را در دل‌ها زنده نگه داریم.

احساس ترس کاذب و ناامیدی در مردم به وجود نیآوریم و از طرفی هم بگوییم که چه خطری از بیخ گوش مان رد شد و سیستم‌های اطلاعاتی که گروه‌های تکفیری را درست کرده‌اند و هر روز یک اسم روی آنها می‌گذارند که آخرین آنها داعش بود و تا ۴۰ کیلومتری مرز ما آمدند چه اهدافی را دنبال می‌کنند. باید برای مردم تبیین کنیم که خدای ناکرده اگر آنها دوباره جان بگیرند، چه باید کرد؟ چون برای حضور در کشور عراق، سوریه و جاهای دیگر باید حمایت مردمی داشته باشیم که بدانند در وهله اول جنگیدن، برای ایجاد امنیت و حفظ

امنیت ملی خودمان است که داریم این کارها را انجام می‌دهیم.

باید این کارها پخش شود و ضریب بگیرد. باید به مردم نشان دهیم؛ چون حافظه تاریخی انسان ممکن است مخدوش شود. ضمن اینکه مردم زیر بمباران شدید تبلیغات رسانه‌ای غرب هستند؛ آنها امپراتوری رسانه‌ای دارند، به دلیل مشکلاتی که داشتیم، شاید در حال حاضر دارند حرف خودشان را به عنوان حق به مردم غالب می‌کنند؛ ولی ما باید با تلاش مان و با اتاق فکری که مسئولان مان باید داشته باشند، واقعیت را تبیین کنم.

ما در میدان مشکلی نداریم؛ مثلاً اگر بگوییم برای فلان مکان مستندسازی می‌خواهیم که استشهادی باشد، اصلاً برود، معلوم هم نیست بتواند برگردد، من به شما قول می‌دهم حداقل ۱۰۰ گروه داوطلب داریم؛ اگر به آنها بگوییم مثلاً بروید فلان نقطه فیلم بسازید، به احتمال ۹۰ درصد هم زنده بر نمی‌گردید، بچه‌های کاربلد زیادی داریم.



مثلاً «زنانی با گوشواره‌های باروتی» در حوزه بین‌الملل تعداد زیادی جایزه گرفته است. فیلم‌های محمداقار شاهین در جشنواره بین‌المللی شرکت کرده است. کارهای بسیار خوبی در حوزه داستانی و مخصوصاً مستند داریم که در حال حاضر حرف برای گفتن دارند.

مشکل برنامه‌ریزان ما هستند که جزیره‌ای کار می‌کنند، یک سیستم یکنواخت نیستند و برنامه مدون خوبی ندارند، اگر هم دارند، باید بهتر باشند و بهتر عمل کنند. اگر مسئولان رسانه‌ای ما این برنامه‌ها را دارند، باید با مسئولان دیگر هماهنگ‌تر باشند و آنها را توجیه کنند. بخشی از مشکلات ما به دلیل بی‌اعتمادی به مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای است. به نظر من باید بیشتر اعتماد کنند.

متأسفانه در بسیاری از مواقع مشاهده کرده‌ام، مثلاً یک دفعه رسانه اراکات کرده و نادیده گرفته‌اند، در آن زمان گفت من به تکلیف خود عمل کرده و آمده‌ام، این شما هستید که این موقعیت تاریخی حساس را از ثبت کردن محروم کرده‌اید و تمام شد و رفت. مشکل ما این است.

به نظر شما، در حال حاضر و در این برهه چند روزه و چند هفته‌ای، بهترین عملکرد رسانه چه چیزی می‌تواند باشد؟

به نظر من در این روزها باید کارهایی ساخته شود که به صورت جدی با مردم گفت‌وگو کند، با آنها صادقانه حرف بزند، برای آنها درباره مسائل توضیح بیشتری ارائه دهد.

من چند روز قبل در تلویزیون گفتم مردم ما با مردم بسیاری از کشورها تفاوت دارند. اینجا لیبی، قطر، عربستان و خیلی از کشورهای دیگر نیست که به مردم بگویند شما به چیزی کاری نداشته باشید و بروید. ما همیشه خودمان مردم را دعوت کرده‌ایم و انقلاب‌مان، حضرت امام(ره) به پشتوانه چه کسی انقلاب کردند؟ تشییع ایشان یک تشییع تاریخی بود، تشییع سردار سلیمانی همین‌طور، راهپیمایی‌ها، روز قدس، وقت‌هایی که مردم احساس می‌کنند رهبری فراخوان یا دغدغه‌های دارند، چگونه به عرصه می‌آیند؟ اینجا هم باید با آنها صادقانه و درست صحبت کنیم؛ مستندسازی یکی از این راه‌هاست که به وسیله آن می‌توان با مردم جدی و صادقانه صحبت کرد و دلایل را در اتفاق‌های

کتاب

خاطرات سردار

انتشار دست‌نوشته‌های شهید سلیمانی



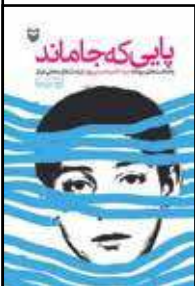
نماینده ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران، از انتشار خاطرات و دست‌نوشته‌های شهید سپهد قاسم سلیمانی خبر داد. حجت‌الاسلام علی شیرازی در پاسخ به این پرسش که «آیا خاطرات ایشان از جنگ در سوریه نیز منتشر می‌شود یا خیر»، گفت: «خاطرات جمع‌آوری شده هم مربوط به

جنگ با صدام و دفاع مقدس است و هم مربوط به جنگ با تروریست‌ها؛ البته ایشان در دفتر چه‌های متعددی خاطراتشان را نوشته‌اند که باید جمع‌بندی شده و به مرور زمان به چاپ برسد.»

کتاب

پایی که جا ماند

چاپ هفتادم خاطرات حسینی‌پور



کتاب «پایی که جا ماند» خاطرات خودنوشت سیدناصر حسینی‌پور که از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان یک روایت استثنایی از حوادث تکان‌دهنده اسارتگاه‌های عراق تعبیر شده، به چاپ هفتادم رسید. این کتاب ابتدا در ۲۳ صفحه به صورت خلاصه و رمزگشایی به چند کد و کلمه کوتاه

در دوران اسارت نوشته شده و بعد از آزادی نویسنده، بر اساس تاریخ، کدها و جمله‌های کوتاه که هر یک گرای خاطره و اتفاق خاص بوده، بازنویسی شده است؛ به گونه‌ای که توانسته است خاطرات ۱۸۷ روز از ۸۰۸ روز اسارت را به تحریر درآورد.

رسانه ملی

بچه مهندس ۳

آغاز تصویربرداری سریال رمضان



«حسن و ارسته» نویسنده سریال «بچه مهندس»، درباره ادامه تولید این سریال گفت: «این روزها گروه تولید در لوکیشن شهرک سینمایی دفاع مقدس مشغول تصویربرداری هستند.» وی درباره پایان زمان تولید این سریال نیز بیان داشت: «احتمالاً تا بهمن ماه تصویربرداری ادامه خواهد داشت و از آنجایی که ۳۵

قسمت است، یکی از گزینه‌های پخش در ماه رمضان هستیم.» این نویسنده همچنین افزود: «قصه فصل سه این سریال غافلگیری‌هایی دارد که مناسب ماه مبارک رمضان است. علی غفاری، کارگردانی و سعید سعدی، تهیه‌کنندگی این سریال را به عهده دارند.»

نکته گرام



مزت الله ضرغامی: ترامپ هر چه می گوید، مردم ایران را به عکس آن ترغیب می کند تا یوم الله های مکرر خلق کنند. امروز بیش از هر زمانی، پرچم آمریکا و عکس رئیس جمهورش مورد هجمه مردم بود. یه آدم عاقل تو آمریکا پیدا نمی شه، دست او را بگیره و از تویتر بیرون بکشه؟!



شهاب حسینی: حال تعدادی از همکاران بنای اعلام انصراف از جشنواره گذاشته اند که این حرکت دامن زدن به افتراق جامعه شکن خودی و ناخودی است و این تصور که کسانی که ترجیح به انصراف نمی دهند، همدرد و شریک حال مردم و جامعه نیستند و موضعی مغایر با مردم دارند، سخت اشتباه است. این بنده کوچک بدین وسیله این حرکت را تأیید نمی کنم و آن را گامی در جهت همدردی تلقی نمی نمایم؛ ای کاش نیت های مان هم خالص باشد و بنا به صلاح شخصی خود پشت احساسات پاک مردم قايم نشویم.



مهدی محمدلی: اگر چه سخنان رهبر معظم انقلاب برای هر کسی که گوشی برای شنیدن داشته باشد نه تنها تکراری نبود، بلکه بسی نکته های نغز داشت، اما از یک نگاه راهبردی گاهی اینکه شما در مقام رهبر یک کشور مقاوم، نشان بدهید نه محاسبات و نه حتی ادبیات تان تحت فشار عوض نشده، به خودی خود موضوعیت دارد. آمریکایی ها فشار می آورند و خود را به در و دیوار می کوبند که همین یک چیز را به دست بیاورند و هر بار که بحرانی خلق می کنند، منتظرند ببینند در موضع امام جامعه تردید و تزلزلی رخ می دهد یا نه. آیت الله خامنه ای بهتر از هر کس دیگر در ایران می داند که ثبات یا تزلزل رهبری، شاخص اثر گذاری یا عدم اثر گذاری فشار دشمن است و دشمن در صورتی که احساس ضعف و تزلزل کند، به صغیر و کبیر این کشور رحم نخواهد کرد.

نرم افزار

به موقع آب بنوش!

شاید خنده دار به نظر برسد، اما قاعده پزشکی نوشیدن به موقع آب هم می تواند به یک ایده کاربردی جذاب در حوزه تولیدات نرم افزاری بدل شود و خروجی اش بشود نرم افزار اندرویدی «آبنوش»! هدف اپلیکیشن آبنوش، یادآوری نوشیدن مقدار کافی آب (هشت لیوان) در طول روز به کاربر است. در این برنامه تاریخچه تمام روزهای قبل را می توانید به صورت دسته بندی شده و همراه با نمودار مشاهده کنید و از کمیت مقدار آب نوشیده شده خود، باخبر شوید. طراحان این نرم افزار با تأکید بر دلایل پزشکی توجه به مصرف کافی مایعات در طول روز، برخی از مهم ترین مزایای استفاده از این نرم افزار را به شرح ذیل نام برده اند: «با آبنوش جوان تر خواهید بود و پوستی شاداب خواهید داشت. با آبنوش فعالیت بدنی تان افزایش خواهد یافت. با آبنوش کمتر بیمار می شوید و بیشتر احساس سلامتی می کنید.»



نوید کمالی

کارشناس رسانه



بعد از اقدام تروریستی آمریکا در به شهادت رساندن سردار رشید اسلام، سپهبد حاج قاسم سلیمانی جامعه ایران یکپارچه سیاه پوش شد و یک صدا فریاد انتقام خواهی از آمریکای جنایتکار و مسببان پیدا و پنهان دیگر این حادثه تروریستی را سر داد که در نتیجه آن، همزمان با خاک سپاری سردار محبوب دل ها موشک های ایرانی اولین سیلی انتقام را به صورت آمریکایی ها حاضر در سیلی انتقامی «عین الاسد» وارد کرد؛ اما کسی نمی دانست که یک حادثه سهوی ناشی از خطای انسانی در کنار سوء مدیریت افکار عمومی، تنها ساعاتی پس از زدن سیلی اولیه #انتقام_سخت می تواند فضا را برای سوء استفاده مجدد دشمن و شروع موج جدیدی از اغتشاشات مهیا کند. ماجرا از این قرار بود که بسا توجه به احتمال حمله تلافی جویانه آمریکا، پدافند هوایی کشور در حالت آماده باش کامل قرار گرفته بودبا اشتباه

پژواک

https امنیتی

محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات



شاید شنیده باشید که می گویند اگر وارد پایگاهی اینترنتی شده اید و می خواهید اطلاعات مهمی انتقال دهید، مانند وارد کردن نام و گذرواژه یا خرید اینترنتی و وارد کردن شماره کارت و رمزها و...، حتماً به این نکته که پروتکل آن صفحه اینترنتی امن باشد، توجه کنید. ساده ترین راه برای تشخیص پروتکل استفاده شده در آن صفحه توجه به اول آدرس است. یکی از معروف ترین پروتکل های امن، https است که در اول آدرس به جای پروتکل ناامن http قرار می گیرد. برای نمونه آدرس یکی از صفحات پرداخت اینترنتی معتبر <https://bpm.shaparak.ir> است که اگر در ابتدای آن http بود، به هیچ وجه نباید پرداختی در آن انجام دهید.

اما چرا https امن است؟ کاری که https انجام می دهد، این است که اطلاعات را رمزگذاری می کند و کلید این رمزگذاری که

برای رمزگشایی لازم است، به روش هایی بین دستگاه های کاربران توزیع می شود. نحوه توزیع این کلیدها خارج از بحث این نوشته است و اگر کسی به دانستن آنها علاقه داشت، می تواند عبارت (how https works) را جستجو کند. وقتی اطلاعات رمزگذاری می شود، تنها زمانی که لازم است، به وسیله افرادی که تأیید هویت شده اند خوانده می شوند و این کار سبب می شود از حملات «مرد میانی» جلوگیری شود. مرد میانی نام یکی از انواع سرقت اطلاعات در علوم گیرنده و فرستنده به وسیله عنصری مزاحم شوند می شود. مرد میانی می تواند تنها اطلاعات را بشود کند یا علاوه بر شوند آنها را تغییر هم بدهد و داده های دستکاری شده به گیرنده ارسال کند. «https» جلوی این خطر ها را می گیرد و احتمال دزدیده شدن داده ها را کم می کند. از این به بعد هنگامی که می خواهید پرداخت اینترنتی انجام دهید یا به پایگاه اینترنتی وارد شوید و نام و گذرواژه را بزنید، حتماً به ابتدای نوار آدرس و عبارت https دقت کنید.

مجازستان

حساب های جعلی

شبکه های اجتماعی ترتیب دادند. این تیم ۳۳۲ دلار را صرف خرید تعاملات غیرواقعی در فیس بوک، اینستاگرام و یوتیوب کردند که در مجموع ۳۵۲۰ نفر، ۲۵۷۵۰ لایک، ۲۰۰۰ بازدید و ۵۱۰۰ فالوور را نصیب شان کرد. محققان از این تعاملات برای فعال سازی ۱۹ هزار حساب کاربری جعلی استفاده کرده اند که به منظور تحقیق و پیشبرد اهداف مد نظر شان در شبکه های اجتماعی ایجاد کرده بودند. محدود یک ماه پس از خریدن تعاملات تقلبی مذکور هنوز ۸۰ درصد از حساب های ناامن به قوت خودشان باقی بودند. محققان برای بررسی عملکرد شبکه های اجتماعی تعدادی از اکانت ها را به عنوان جعلی به اینستاگرام، فیس بوک، تویتر و یوتیوب گزارش کردند؛ اما نتیجه کار ناامیدکننده بود و سه هفته پس از گزارش هنوز هم ۹۵ درصد از حساب های کاربری حذف نشده بودند!

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

و استفاده از آنها در

یادداشت

چند نکته
برای مأموریت امداد

علیرضا جلالیان

کارشناس دفاعی

در دیدار فرماندهان و مدیران شرکت‌کننده در مجمع عالی فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب، ایشان هشت مأموریت را برای سپاه در قالب یک باز تعریف مأموریتی بیان داشتند که حفظ «آساده به‌کاری» در مواجهه با حوادث بزرگ از جمله این مأموریت‌ها بود. ایشان در مصادیق این آماده به‌کاری هم موضوعاتی، مانند خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی، مقابله با دشمنی‌ها، آمادگی علمی و عملی، استحکام سازمانی و آگاهی‌های سیاسی را برشمردند. گویا این بند از مأموریت‌های سپاه حال و روز امروز این نهاد است. نواختن سلیلی اول انتقام سخت، امدادرسانی در سیل اخیر و نیز آمادگی و آگاهی‌بخشی در زمینه اهمیت انتخابات اسفند مهم‌ترین موضوعاتی بوده‌که سپاه در این فصل از سال ۱۳۹۸ با آن درگیر بوده یا خواهد بود.

اما در موضوع امدادرسانی سپاه چند نکته قابل توجه است که باید به آنها توجه شود؛ اول آنکه سپاه و بسیج گسترده‌ترین شبکه توزیع شده نیرو و سازمان را در کشور دارند که به مثابه بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی حقیقی در کشور گسترش یافته است؛ از این رو تجربه‌های مختلف ثابت کرده، اولین گروه‌های سازماندهی شده در وقایع و سوانح بسیجیان و پاسداران هستند که حاضر شده و عملیات امدادی حداقلی را آغاز می‌کنند. این عملیات امدادی بنا به شرایط هم ممکن است تا برگرداندن کامل وضعیت به قبل از سانحه ادامه داشته باشد؛ مانند زلزله کرمانشاه که تا مرحله اسکان کامل روستایی‌های مناطق زلزله‌زده عملیات سپاه ادامه داشت. نکته دوم اینکه بنا به مأموریت فرمانده معظم کل قوا و شرایط چند سال اخیر، به نظر می‌رسد آرایش تاکتیکی و دکترین‌های عملیاتی سپاه و بسیج برای یگان‌های صفی باید متحول شود و همه رده‌های صف و ستاد در این حوزه به یگان‌های واکنش سریع تبدیل شوند. هرچند در گذشته نیز بنا به احساس مسئولیت بسیجیان و پاسداران این اتفاق افتاده؛ اما باید آن را در قالب سازمان گنجاندن و مبتنی بر آن تجهیز امکانات هم صورت گیرد. در واقع، بسیج در دل خود ظرفیت قوی‌تری برای انجام مأموریت‌های جمعیت هلال احمر دارد و الگوی بسیج به روز شده‌تر از الگوی امروزی این جمعیت در قالب صلیب سرخ جهانی و هلال احمر است که به نظر می‌رسد در آینده برای کارآمدتر شدن عملیات امداد و نجات باید فکری برای این موضوع کرد.

اما در موضوع سیل اخیر در جنوب شرق کشور و نیز سیل ویرانگر ابتدای سال و تجربیات حاصل شده از زلزله‌های سال‌های اخیر باید گفت که هنوز سازوکار لازم در سپاه و بسیج برای عملیات امداد و حضور نیروهای واکنش سریع امدادی فراهم نشده است که البته تحقق این مهم، بخشی به مصوبات قانونی در مجلس نیاز دارد و بخشی هم همت دولت را می‌طلبد و سپاه باید از طریق قانونی پیگیری‌های لازم را برای این منظور انجام دهد. بر اساس این، بخشی از گردان‌های تخصصی بسیج و سپاه‌های استانی باید در قالب یگان‌های واکنش سریع به تجهیزات در منظوره دفاع عامل و غیرعامل مجهز شوند تا کارایی نیروهای سپاه و بسیج در عملیات امداد و نجات و تداوم آن تا پایان وضعیت دو چندان شود. از سویی، سپاه باید پروتکل‌های جدیدی برای این مأموریت در همه سطوح رده‌های خود تعریف کند.

گزارش صبح صادق از **امدادرسانی سپاه و بسیج** به مناطق سیل‌زده جنوب شرق کشور

جان‌نشانان مردم در نبرد با سیلاب



امدادرسانی به روستاهای جاسک اعزام شده‌اند و شمار بیشتری از نیروهای جهادی نیز در نوبت اعزام به مناطق سیل‌زده هستند، خاطر نشان کرد: «سیل در جاسک موجب ورود حجم وسیعی از گل و لای به منازل مردم شده که تلاش گروه‌های مردمی برای تخلیه گل و لای از منازل مردم را می‌طلبد؛ اما تلاش‌ها در بشاگرد بیشتر معطوف به برقراری محورهای مواصلاتی و رساندن اقلام غذایی به مردم است.»

♦ **استقرار دو قرارگاه پشتیبانی در منطقه**
سردار سالاری با اشاره به ایجاد دو قرارگاه پشتیبانی در لیردف و کابریک برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده جاسک، اضافه کرد: «برنامه‌ریزی کرده‌ایم که در هر روستا یک گروه جهادی مستقر شده و به یاری مردم شرایط زندگی را برای استقرار و بازگشت به خانه‌های‌شان فراهم کنند. همچنین تاکنون صدها بسته غذایی و هزاران بسته آب معدنی و کیسه‌های آرد در میان سیل‌زده‌گان توزیع شده است.»

وی با بیان اینکه تقسیم کار خویی میان نیروی دریایی سپاه و سپاه امام سجاد(ع) برای خدمات‌رسانی به مردم در کنار دیگر دستگاه‌ها، از جمله هلال احمر و استانداری هر مرگان در جریان است، افزود: «در شرایط حاضر مهم‌ترین نیاز مردم سیل‌زده موکت، زیرانداز، لوازم گرمایشی، پتو و موادغذایی است؛ چراکه بسیاری از هم‌استانی‌های عزیزمان در مناطق روستایی جاسک و بشاگرد در اثر سیل زندگی خود را کاملاً از دست داده‌اند.»

اعزام گروه جهادی دانشگاه امام حسین(ع)
سردار سالاری از اعزام چند تیم جهادی از دانشگاه امام حسین(ع) سپاه به مناطق سیل‌زده جاسک خبر داد و عنوان کرد: «دامنه بحران بسیار گسترده و حجم خسارات به مردم بالاست و باید دولت تدابیر ویژه‌ای برای جبران خسارات مردم و کمک به آنها برای بازگرداندن شرایط به وضعیت عادی ببیندیشد و ما نیز آمادگی داریم در ساخت‌وساز و به‌سازی منازل سیل‌زده‌گان مشارکت کنیم.»

♦ **سپاه کرمان و سابقه درخشان خدمت**
در بخش‌هایی از جنوب استان کرمان هم مردم گرفتار بلاي سیل شدند؛ بر این اساس سپاه ثارالله کرمان هم که در غم از دست دادن قهرمان جهانی مبارزه با تروریسم و بزرگ سردار دیار خود حاج‌قاسم سلیمانی بودند، وارد عمل شدند.

«حجت‌الله پاداش» مسئول بسیج سازندگی سپاه ثارالله کرمان در تشریح وضعیت امدادرسانی سپاه ثارالله استان کرمان به سیل‌زده‌گان جنوب کرمان گفت: «با توجه به گستردگی حجم خسارت و درگیری مردم با سیل در تاریخ ۲۴ دی ماه ابلاغیه سازمان بسیج با موضوع امدادرسانی سپاه استان‌های کرمان و خراسان جنوبی به عنوان معین استان سیستان و بلوچستان به مناطق سیل‌زده ارسال شد.»

پاداش تأکید کرد: «در راستای هماهنگی‌هایی که در استان کرمان با مجموعه نهادهای خدمات‌رسان صورت گرفته، از سوی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان و سپاه این شهرستان هفت کامیون اقلام مورد نیاز سیل‌زده‌گان به استان سیستان و بلوچستان اعزام شد.»
وی ادامه داد: «با توجه به اینکه استان کرمان معین حوزه خدماتی در شهرستان دلگان است، همان‌گونه که در سید ابتدای سال به مردم این منطقه خدمت‌رسانی شد، اکنون نیز خدمت‌رسانی‌ها با شدت بیشتری به مردم نوع دوست و ولایتمدار این خطه ارائه خواهد شد.»

♦ خدمات سپاه ادامه دارد

اما در این مجموعه تنها اقدامات فوری انجام گرفته است و باید منتظر اقدامات بعدی سپاه هم در این حوزه از جمله تأمین لوازم منزل، ساخت و بازسازی منازل مسکونی و بازسازی امور کشاورزی، مانند زراعت، باغبانی و دامداری مردم مناطق سیل‌زده بود که به طور حتم مانند همیشه و باکیفیتی بهتر از گذشته انجام خواهد شد.»



مردم هم آمادگی کامل داریم تا با هماهنگی دستگاه‌های دیگر این کار را ان‌شاءالله به نتیجه برسانیم. در هر صورت مردم مطمئن باشند حضور ما در منطقه استمرار و امدادرسانی‌های سپاه هم ادامه خواهد یافت و امیدواریم به سرعت مشکلات ناشی از سیل حل و فصل شود.»
وی درباره درخواست‌های مردم در دیدارهای چهره به چهره بیان کرد: «این مردم بسیار نجیب و دوست‌داشتنی هستند و عمده تقاضای آنها این است که در مورد کشاورزی آنان اقدامات عاجلی صورت گیرد، در واقع دستگاه‌های مسئول باید این کار را به سرعت انجام دهند.»

♦ **قرارگاه امدادرسانی بسیج تشکیل شد**
«سرهنک محمد زهرایی» مسئول بسیج سازندگی گفت: «با بازدید سردار سلیمانی، ریاست سازمان بسیج مستضعفین همراه با فرماندهان سپاه‌های استانی کرمان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان، این سازمان با حضور سپاه‌های استانی قرارگاه امداد رسانی بسیج را تشکیل دادند و مقرر شد اول اینکه، سپاه‌های کرمان و خراسان جنوبی و بنیاد تعاون بسیج ماشین‌آلات و دستگاه‌های سنگین مورد نیاز را برای ترمیم جاده‌های تخریب شده و مزارع و بندهای خاکی به سپاه سلمان ارسال کنند. دوم آنکه تیم‌های تخصصی بسیج کشاورزی با همکاری منابع طبیعی برآوردها و راهکارها و اقدامات فوری در مناطقی به عمل آورند. سومین مسئله اینکه آشپزخانه‌ها و نانوالی‌ها از سپاه‌های اصفهان، خراسان جنوبی، کرمان و فارس به ظرفیت موجود اضافه و پخت غذای گرم توسط رده‌ها به ۴۰ هزار پرس در روز برسد.

موضوع چهارم هم اینکه اقلام ضروری گرمایشی و خشکبار که سپاه‌ها در سطح کشور در حال جمع‌آوری هستند، به فوریت به سپاه سلمان ارسال و در حداقل زمان با برنامه مشخص به همه روستاییان تحویل شود. در موضوع گروه‌های جهادی هم قرار بر این شد تا گروه‌های جهادی تخصصی بسیج با هماهنگی بسیج سازندگی و بنا به نیاز اعزام شوند و از گروه‌های عمومی هم استفاده شود. همچنین در این راستا بنیاد تعاون بسیج و بسیج جامعه پزشکی در ویزیت و ادامه درمان رایگان مردم روستاها اقدام کنند و دو بیمارستان صحرایی و تیم‌های جدید پزشکی همراه با دارو و امکانات کامل در منطقه مستقر شوند.»

♦ نیروی دریایی در وسط میدان

اما امدادرسانی به سیل‌زده‌گان تنها منحصر به نیروی زمینی سپاه و بسیج نبود. در این میان، سردار تنگسیری که حیطه مأموریت امدادرسانی نیروی تحت امرش بیشتر به منطقه جاسک و مناطق ساحلی معطوف است، بخشی از امکانات این نیرو را برای امدادرسانی به منطقه جنوب سیستان و بلوچستان اعزام کرده است. بالگردهای MI-1۷ نیروی دریایی سپاه با انجام چندین سورتی پرواز در مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان و شهرستان چابهار، اقلام امدادی و تجهیزات لازم را به این مناطق ارسال کردند.

«دریادار علیرضا تنگسیری» فرمانده نیروی دریایی سپاه به همراه سردار سرتیپ دوم پاسدار «اباذر سالاری» فرمانده سپاه امام سجاد(ع) استان هرمرگان با حضور در مناطق سیل زده جاسک در جریان روند امدادرسانی قرار گرفت.

بر این اساس، برآورد دقیق نیازها و مدیریت میدانی اقدامات فوری سپاه برای کمک به سیل‌زده‌گان منطقه گافر و پارامون و لیردف جاسک در شرق استان هرمرگان با همت نیروی دریایی سپاه انجام می‌گیرد.

«سردار سالاری» فرمانده سپاه هرمرگان در این زمینه گفت: «از همان ساعات اولیه وقوع سیل در مناطق شرقی هرمرگان در جاسک و بشاگرد، سپاه‌های شهرستانی مأمور شدند تا امکانات و تجهیزات خود را برای کمک به مردم به میدان بیاورند.»

فرمانده سپاه امام سجاد(ع) با بیان اینکه هم اکنون ۳۰ گروه جهادی از شهرهای بندرعباس، رودان، میناب، بندر خمیر و سیریک برای



یگان‌های سپاه مستقر در منطقه اعم از یگان‌های قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)، نیروی دریایی سپاه و بسیجیان بومی و گروه‌های جهادی، همه تلاش و همت خود را برای امدادرسانی و کاهش مشکلات و آلام هموطنان عزیز و محجوب این خطه ایران اسلامی به‌کارگرفتند.»

♦ **فرماندهان نیروی زمینی پای کار امداد**
اما فرمانده نیروی زمینی سپاه هم به همراه فرمانده کل سپاه با حضور در مناطق سیل‌زده ضمن بررسی وضعیت منطقه از طریق بالگرد دستورات لازم را برای امدادرسانی واحدهای مختلف نیروی زمینی سپاه صادر کرد. بر این اساس، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه به عنوان عالی‌ترین رده سپاه در منطقه مأموریت فرماندهی امدادرسانی به سیل‌زده‌گان را بر عهده گرفت.

♦ **۵۰ هزار وعده غذایی**
«سردار محمد مارانی» فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در این باره گفت: «قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه از شروع آبگرفتگی در پی بارش‌های اخیر در جنوب استان سیستان و بلوچستان از همان ساعات اولیه کار خدمات‌رسانی به سیل‌زده‌گان را شروع کرد. اعزام سه فروند بالگرد ترابری، ۳۵ دستگاه ماشین‌آلات مهندسی و به‌کارگیری ۶۰۰ نفر از رزمندگان قرارگاه، از جمله این اقدامات بود.»

وی همچنین افزود: «قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه با راه‌اندازی چهار مرکز پخت غذا در شهرستان‌های چابهار و کنارک کار پخت غذای گرم را از روز شنبه (هفته گذشته) شروع کردند که در هر وعده ۵۰ هزار پرس غذای بین سیل‌زده‌گان توزیع می‌شود، این غذاها به وسیله بالگرد در بین روستاهای گرفتار در سیلاب توزیع می‌شود و تاکنون به ۲۰۰ روستا خدمات‌رسانی شده است.»

♦ استقرار بیمارستان صحرایی

«سردار پورجمشیدیان» معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه هم در زمینه امدادرسانی گفت: «این نیرو با استقرار سامانه‌های جراحی تاکتیکی معاونت بهداشتی رزمی نیروی زمینی و یک بیمارستان صحرایی با حداکثر امکانات در مناطق سیل‌زده جنوب شرق کشور برای خدمت‌رسانی به مردم عزیز این منطقه اقدام کرده است؛ این بیمارستان شامل بخش‌های مختلف خدماتی و درمانی سی‌سی‌یو، آی‌سی‌یو، سی‌تی‌اسکن، ام‌آر‌آی، اورژانس، درمانگاه و داروخانه و ... است.»

♦ **بسیج همه ظرفیت‌های بسیج در منطقه**
«سردار سرتیپ غلام‌رضا سلیمانی» رئیس سازمان بسیج مستضعفین هم با حضور در مناطق سیل‌زده درباره فعالیت‌های سازمان بسیج در این مناطق گفت: «سیل خسارات‌های زیادی را به ویژه به مزارع کشاورزی وارد کرد؛ زیرا عمده اقتصاد خانوارهای منطقه بر کشاورزی مبتنی است. همچنین جاده‌های روستایی، جاده‌ها و برخی زیرساخت‌های دیگر آسیب دیده است.»

وی درباره خدمات سپاه و بسیج تصریح کرد: «۳۵۰۰ نفر در قالب گروه‌های جهادی در منطقه فعال هستند، ۱۰ تیم پزشکی در منطقه حضور دارند، یک بیمارستان صحرایی برای استقرار در منطقه از تهران حرکت کرده است.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به خسارت‌های وارده به زمین‌های کشاورزی مردم، اذعان کرد: «متأسفانه حجم عظیمی از گل و لای زمین‌های کشاورزی را فراگرفته است، ما برای حل مشکلات کشاورزان، بسیج کشاورزی سازمان بسیج را وارد منطقه کرده‌ایم و با حضور در منطقه زرباد در حال بررسی دقیق موضوع هستند تا راهکارهای لازم را برای ترمیم زمین‌های کشاورزی ارائه دهند.»

وی در ادامه تأکید کرد: «تا هر زمان که مردم خوب منطقه به کمک نیاز داشته باشند، سپاه خواهد ماند و ما این حضور را استمرار خواهیم داد. چنانچه در تعیین برآوردها خانه‌های مردم هم آسیب دیده باشد برای تعمیر و بازسازی خانه‌های



حسن ابراهیمی

خبرنگار

در کشاکش درگیری‌های منطقه‌ای به ویژه بعد از ماجرای سلیلی سخت به ارتش تروریستی و اشغالگر آمریکا در عراق و نیز ماجرای غمبار سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی، ابرهای باران‌زا نه مثل همیشه؛ بلکه چند برابر و بی‌سابقه باریدند، آن هم در دیاری که سال‌ها رنج خشکسالی داشت، اما آنقدر باریدند که گفتند در سالیان اخیر بی‌سابقه بوده، جزیره قشم، بندرعباس، جاسک و بعد جنوب سیستان و بلوچستان و بخش‌هایی از هرمرگان و کرمان هم بارش‌های بی‌سابقه را تجربه کردند. البته بارش‌های بی‌سابقه اگرچه نعمتی برای این مناطق بود؛ اما با خود سیل را هم همراه داشت، خانه‌های مردم را آب فراگرفت، جاده‌ها تخریب شد، جریان آب آشامیدنی و برق روستاها قطع و پل‌های ارتباطی از بین رفت. بسیاری بی‌خانمان شدند، اما در این طرف ماجرا عده‌ای هنوز در بازی رده صلاحیت‌ها و ماجرای هواپیمای سقوط کرده مانده بودند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این در حالی است که گل و لای جای دیگری را برداشته و واقعیت نه آن آب گل‌آلود، بلکه مردمی هستند که در محاصره سیل و گل و لای مانده‌اند. در این میان، اگرچه جمعیت هلال احمر مدیر نداشت و خادمان مردم در سپاه پاسداران در داغ غم از دست رفتن حاج‌قاسم سلیمانی و مسافران پرواز اوکراینی بودند؛ اما باز هم فدایی ملت شدند و نه تنها سپاه پاسداران، بلکه ارتش حزب‌الله هم با تمام توان پای کار آمدند. این در حالی است که هر لحظه شیطان زخم خورده ممکن است شیطنت نظامی کند و نیروهای دفاعی در آماده‌باش کامل هستند، این مأموریت بر آنها اضافه شد.

♦ جهاد امداد و خدمت در سپاه

فرمانده سپاه جزء اولین مسئولانی بود که در منطقه حاضر شد، همچنین فرماندهان نیروی زمینی و نیروی دریایی سپاه نیز به دقت در منطقه مشغول مدیریت امدادرسانی شدند. فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی هم به عنوان اصلی‌ترین واحد نظامی منطقه پای کار بود، نیروی زمینی همه امکاناتش را پای کار آورد و سپاه‌های استانی بسیج شدند تا با کمک گروه‌های جهادی و موکب‌های اربعین به منطقه بیایند و یک جهاد امدادگري و خدمت‌رسانی در سپاه شکل گرفت تا بار دیگر سپاه اثبات کند فدایی این مردم است.

♦ بالگردهای سپاه در خدمت مردم

فرمانده کل سپاه در حاشیه بازدید از مناطق سیل زده استان سیستان و بلوچستان، اظهار داشت: «ما موفق شدیم به وسیله بالگرد، از بخش بزرگی از مناطق سیل‌زده چابهار بازدیدی داشته باشیم. اشکال اساسی قطع ارتباطات زمینی روستاهاست که در محاصره سیل هستند. بنابراین بیشترین امداد از طریق ترابری هوایی و بالگردها صورت می‌گیرد که نیروی زمینی سپاه فعلاً سه فروند و نیروی دریایی نیز یک فروند بالگرد MI-1۷ را در این خصوص فعال کرده است.»

وی افزود: «آشپزخانه‌های صحرایی متعددی برقرار شده که روزانه هزاران پرس غذا را آماده می‌کند. همچنین حدود ۱۰ هزار بسته معیشتی و غذایی تاکنون توزیع شده است.»
سرلشکر سلامی با بیان اینکه رده‌های مختلف سپاه در حال فعالیت در منطقه هستند، تصریح کرد: «خوشبختانه سپاه سلمان سیستان و بلوچستان، گروه‌های جهادی و نیروهای زمینی و دریایی با همه یگان‌ها فعال هستند. پایگاه دریایی چابهار هم فعال است و امکانات دیگری نیز از سوی نیروی دریایی سپاه در حال گسیل به منطقه است و امیدواریم ظرف روزهای آینده شاهد بازگشت تدریجی شرایط به قبل باشیم.»

♦ از ساعت اول در خدمت مردم بودیم

سردار رمضان شریف، سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه هم درباره امدادرسانی سپاه به سیل‌زده‌گان گفت: «از ساعات ابتدای وقوع سیل در استان سیستان و بلوچستان، واحدها و

صداق

هفته نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سرمدیر:علی حیدری
جانشین سرمدیر:فتح‌الله‌پریشان
شورای سیاست‌گذاری:علی قاسمی، سیامک‌باقری
سعدالله‌زاعی، فرهاد‌مهلوی، مهدی‌سعیدی
محمدرضامهدیار،اسماعیلی، حسین‌عبداللہی‌فر
دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی
مدیرفنی: محمدصالح نادری
مدیر نگارش و ویرایش:محبوبه حاجی آقائی
صفحه‌آرا:علی اکبر‌هدایتی
عکاس: حامد‌گودرزی
ناظرچاپ:سعیدقاسمی
چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۳۱ | دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸

کتیبه سبز

شهادت امتیاز ماست

سینه‌ها با سوختن، ارزنده‌تر خواهند شد
شمع‌ها در عمق شب، تابنده‌تر خواهند شد
امتیاز ماست مُردن! می‌گُشتند و غافلند
دم به دم با مرگ ما بازنده‌تر خواهند شد
سنگ اگر هم صحبت آیینہ‌های ما شود
ما زبان‌هامان از این بُرنده‌تر خواهند شد
چون جواب‌صخره‌تکراری‌ست، پرش‌های موج،
بعد از این از صخره‌ها کوبنده‌تر خواهند شد
چشم‌هایی که پی میراث ما افتاده‌اند
منتظر باشند! در آینده، تر خواهند شد!
اهل دنیا را خیال مرگ حتی می‌گُندد
عاشقان با مرگ اما زنده‌تر خواهند شد
ای شهادت! دست‌خوین بر سر و رومان بکش!
تحفه‌ها، تزئین شده، زینده‌تر خواهند شد
رزق اگر باشد شهادت، شام با تهران یکی‌ست
بی‌تفاوت‌ها فقط شرمنده‌تر خواهند شد!

محمدحسین ملکیان

تازه‌های نشر

پوسمان بهارستان یازدهم

با قرار گرفتن در آستانه انتخابات، حضور پرشور و آگاهانه ملت در انتخابات بار دیگر ضرورت یافته است.

در این راستا معاونت سیاسی در راستای رسالت بصیرت‌افزایی و روشنگری خود با انتشار کتاب «پوسمان بهارستان یازدهم» به استقبال انتخابات رفته است.

در این اثر، به ۱۰۰ سئوال از مهمترین سئوالات مخاطبین در باب انتخابات اسفندماه ۱۳۹۸ بصورت مختصر و مفید پاسخ داده شده است.

کتاب در ۸ گفتار و ۱۲۰ صفحه در قطع رقعی آساده شده و از اول بهمن ماه در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

عناوین اصلی کتاب به این شرح است:
گفتار اول: جایگاه مردم در انتخابات
گفتار دوم: اهمیت و کارکرد انتخابات

گفتار سوم: چگونه رای دهیم؟

گفتار چهارم: به چه کسی رای دهیم؟

گفتار پنجم: مساله صلاحیت و نظارت در انتخابات

گفتار ششم: جایگاه و اهمیت مجلس و نمایندگی مجلس

گفتار هفتم: اولویت‌های کشور در آستانه انتخابات

گفتار هشتم: آرایش گروه‌های سیاسی در آستانه انتخابات



صبحانه

مسیر خوشبختی

کلید خوشبختی در این است که بدانیم زندگی به نوبه خود زشت یا زیبا نیست، این ما هستیم که می‌توانیم آن را زشت ببینیم یا زیبا. هیچ‌وقت نباید به دنبال خوشبختی کامل بود. غیر ممکن است بتوان کسی را در این دنیا پیدا کرد که صد درصد خوشبخت باشد. باید به زیبایی‌های کوچک زندگی پسنده کرد و آنها را در کنار هم چید، درست مثل یک جاده. در آن صورت است که وقتی برگردی و پشت سرت را نگاه کنی، می‌بینی چه مسیر طولانی‌ای را به سمت خوشبختی طی کرده‌ای.

تلخند

ترامپ و پرونده «اوکراین گیت» / استیضاح ترامپ در یکم بهمن در حالی آغاز می‌شود که موضع‌گیری و بهانه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در قبال استیضاحش، وی را به عنوان یک دلگد در رسانه‌های این کشور مطرح کرده است. کِن کاتالینو، کارتون‌نست آمریکایی در این کاریکاتور ترامپ را در ظاهر یک دلگد ترسیم کرده است در حالی که او می‌گوید: «من دلگد نیستم». کاتالینو در کنار ترامپ، نیکسون رئیس‌جمهور مستعفی آمریکا را کشیده است که به دلیل رسوایی پرونده «واتر گیت» در حال گفتن: «من کلاهبردار نیستم» می‌باشد! اما نیکسون در نهایت مجبور به پذیرش اتهامش و استعفا از ریاست جمهوری شد.



تریبون

شاعر و ترانه‌سرای آیینی و عاشقانه

شرط درک زیبایی‌های زندگی حضرت زهرا(س)

تفاوتی وجود ندارد، اگر نتوانم زیبایی اطراف خود را درک کنم، نمی‌توانم زیبایی‌های عاشورای امام حسین(ع) را درک کنم. کسی که زیبایی‌های یک گل را نمی‌بیند، نمی‌تواند زیبایی‌های زندگی و حضرت زهرا(س) را درک کند و ببیند.

معتقدم عکس این قضیه تعجب‌آور است؛ یعنی چطور کسی از عشق امام حسین(ع) دم می‌زند، اما نسبت به زیبایی‌های دنیا حسی و دریافتی ندارد. شاعر در عصر جدید، شعرش را زندگی می‌کند و نمی‌تواند در زندگی‌اش فقط در هیئت باشد و شعر آیینی بگوید و نسبت به بقیه اتفاقات عاشقانه و اجتماعی پیرامونش بی‌تفاوت باشد.



بیش از ۵۰ کنگره ادبی کشور و دبیر و داور ده‌ها کنگره ادبی کشور است. برگزیده جایزه کتاب شعر «گام اول»، برگزیده سیزدهمین دوره جایزه «کتاب فصل» در بهار ۱۳۸۹، برگزیده بیستمین دوره جایزه «کتاب فصل» در زمستان ۱۳۹۰ و مسئول انجمن‌های ادبی «فراات»، «اتفاق» و «قرار» بوده است. همچنین مجموعه شعرهای منتشر شده‌اش، شامل «از آهو تا کبوتر» (آیینی)، «مولای گندمگون» (آیینی)، «ه دو چشم» (عاشقانه)، «حیدرانه» (آیینی)، «اتفاق» (عاشقانه)، «خط» (جهاد و شهادت) و «سرنوشت» (عاشورایی) است. او درباره تفاوت شعرهای عاشقانه و آیینی می‌گوید: «به نظرم خیلی

زهرا ظهورند

مهرنگار



متولد سال ۱۳۵۵ در آبادان است، اما همزمان با شروع جنگ تحمیلی به شهر پدری، یعنی کازرون می‌رود و بعدها با خواندن شعرهای نصرالله مردانی از شعرای این شهر در کتاب‌های درسی به او افتخار می‌کند. سال ۱۳۷۴ در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه اصفهان قبول می‌شود و کارشناسی ارشد را نیز همان‌جا می‌خواند و به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به تدریس در دانشگاه می‌شود و تا سال ۱۳۹۰ مهمان‌گندهای فیروزه‌ای و گردشگر کناره‌های زاینده رود بوده است.

«قاسم صرافان»، شاعر و ترانه‌سر که برگزیده

پیشنهاد هفته

سقوط انسانیت!



رسانه‌های ضد انقلاب همواره سعی کرده‌اند چهره‌ای مثبت و پرافتخار از رژیم پهلوی به نمایش بگذارند. در سال‌های اخیر، تلاش این رسانه‌ها برای تطهیر رژیم طاغوت و به نمایش گذاشتن چهره‌ای متمدن از آن بسیار بیشتر شده؛ این در حالی است که جنایات پهلوی هیچ‌گاه از حافظه تاریخی مردم این سرزمین پاک نخواهد شد. یکی از سندهای بزرگ جنایتکار بودن رژیم طاغوت محلی است که تا واپسین روزهای حکومت پهلوی با عنوان «کمیتہ مشترک ضد خرابکاری» شناخته می‌شد و شکنجه‌گاه مبارزان انقلابی بود. این زندان که ۱۶ سال است نام «موزه عبرت» ایران بر آن نهاده شده، یکی از شکنجه‌گاه‌های مخوف خاورمیانه در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب است. پیشنهاد این هفته، بازدید از این موزه است. برای بازدید از موزه عبرت ایرانیان که یادآور سقوط انسانیت در رژیم پهلوی است، می‌توانید صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و بعدازظهرها از ساعت ۱۳ تا ۱۶ به این موزه مراجعه کنید.

صادقانه

بالاترین عبادت

امام باقر(ع) فرمودند: «خداوند به هیچ نوع ستایشی بالاتر از تسبیح فاطمه(س) عبادت نشده است و اگر چیزی بالاتر از این بود، حتماً پیامبر اکرم(ص) آن را به فاطمه(س) می‌آموخت.»

اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۴

قبیله عشق

با بهترین لباسی رفت



همیشه التماس دعای شهادت داشت و از گریه‌هایی که در هیئت‌ها می‌کرد، می‌دانستیم که یک روز به آرزویش که شهادت است، می‌رسد. ارادت ویژه‌ای به حضرت زهرا(س) داشت. از ابتدای جنگ سوریه به همراه سردار به مأموریت می‌رفت و محافظ ایشان بود. در عملیات‌های مختلف هم شرکت داشت، اما هیچ‌گاه از عملیات‌ها برای ما صحبت نمی‌کرد و فقط از روی عکس متوجه می‌شدیم که در عملیاتی حضور داشته است. وقتی خبر شهادت حاج قاسم را شنیدیم احتمال شهید شدنش را دادیم، تا اینکه ساعت نه صبح روز جمعه خبر شهادت را دادند. به همسرم گفتیم مبارکش باشد، چون خودش شهادت را دوست داشت. همسرش گفت، وقتی آقا‌هادی می‌خواست به مأموریت برود، بهترین لباسش را پوشید و به قدری با اشتیاق رفت که گویی در حال رفتن به مهمانی است.

به نقل از «بهمن»
برادر شهید «هادی طارمی»
هادی متولد سال ۱۳۵۸ بسود. پدرش جانباز دفاع مقدس و یکی از برادرهایش به نام «جواد» شهید عملیات خبیر است. در زمان شهادت دو دختر ۸ و ۳ و نیم‌ساله به نام‌های محیا و هانیه داشت. سال ۱۳۷۷ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد، از دوران شروع نبرد سوریه محافظ و راننده سردار سیهید شهید حاج قاسم سلیمانی بود، که به همین سبب در آخرین مسئولیتش با سردار دل‌ها، در نزدیکی فروگاه بغداد با شلیک مستقیم پهپادها و بالگردهای ارتش تروریستی «اشقی الاشقیاء» به همراه هشت نفر دیگر از رزمندگان ایرانی و عراقی آسمانی شدند.

حسن ختام

چشمه‌ای بودی در دل کویری من

سرباز وطن ای سردار دل‌ها، شگفت است و سخت، وقتی که بودی نمی‌دیدم. وقتی که از رفتن و شهادت می‌خواندی نمی‌شنیدیم، اما حال که رفته‌ای می‌بینم و حال که نمی‌خوانی بسا بغضی تمام می‌شنوم. حکایت من حکایت تلخ و غم‌انگیز جوانی است که در کویری سوزان، چشمه‌ای زلال در برابرش بجوشد و بخواند و بنالد و او تشنه آتش باشد، آتشی که کویر را برمی‌افروزد تا از زمینش آتش بریزد و از آسمانش آتش ببارد و در این هنگام او تشنه چشمه‌ای زلال شود که از غم نبودن او می‌گداخت.

آقا جان

در این کویر تنهایی کسی که روز و شبش به یاد شما باشد در او حرف‌ها، گوشت و پوست می‌گیرد. تمام وجودش می‌شود یک کلمه، کلمه‌ای که با خو گرفتن و شناختن و دوست داشتن فهمیده می‌شود، وجودی که دیگر جایی برای الفاظ و اصوات ندارد و جملات و عبارتش می‌شود سکوت و نگاه و لبخند و رفتار و حالات؛ می‌شود شاگرد ممتاز شما قاسم سلیمانی.

اطلاعیه پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته‌های «فقه و حقوق اسلامی» و «فلسفه و کلام اسلامی»

به منظور تربیت مربیان متعهد و متخصص مورد نیاز سپاه، ایجاد زمینه لازم برای ارتقای علمی مربیان و فراهم کردن رقابت سالم، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) اقدام به برگزاری آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی (دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته) با مجوز رسمی از وزارت علوم تحقیقات و فناوری کرده است.

– زمان نام‌نویسی: از اول تا ۱۳ بهمن ۱۳۹۸؛

– برگزاری آزمون: جمعه ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۸ ساعت ۹ صبح؛

– توزیع کارت شرکت در آزمون: پنجشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۸؛

– برگزاری مصاحبه: بعد از برگزاری آزمون اعلام خواهد شد.

برای کسب اطلاعات بیشتر و نام‌نویسی به پایگاه اطلاع‌رسانی مجتمع واقع در سربزرگ «دانشگاه‌ها» سایت پاسدار مراجعه کنید.